

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیکار

۶۹

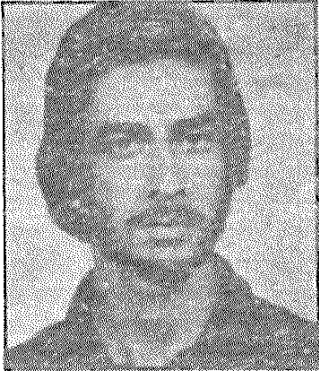
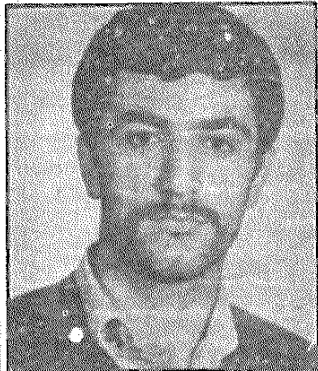
سال دوم - دوشنبه ۲ شهریور ۱۳۵۹ بهار ۲۰۰۰ ریالی

انفجار انبساطی را هزارها از گیسو را از بیش از صدها کشته و مجروح از بین زحمتکشان ما برجای گذاشت. درجا معه طبقاتی، این کارگران و زحمتکشان هستند که از خون و عرقشان زندگی بهشت و آسایش را بر سر ما پدیدار می‌کنند. ما هم می‌شویم و با زحمتکشان هستیم که تا وان مسا محکما ریها و لاقیدیهای سرما پیدار را با جان خود می‌پیردا زند. مسا محکما ریها ئی که دقیقاً از نگرش سرما پیدار ان نسبت به جان کارگران و بی ارزش دانستن آن ناشی میشود.

ما این ضایعه را به طبقه کارگران و به خانواده‌های آن زحمتکشان تسلیمت می‌کنیم و برای نابودی هرگونه ستمی از طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان تا پای جان مبارزه می‌کنیم. این پیمان ماست.

پیکارگران قهرمان رفقا:

مسعود صالحی راد و طیب نجم الدینی



بدست رژیم جمهوری اسلامی ترور شدند

زنده باد پیکار توده‌ها!

قسمت‌های از اعلامیه‌ها زمان دربار و ترور جنا پیکار رفقای پیکار رگر مسعود صالحی راد و طیب نجم الدینی: بقیه در صفحه ۹

موضعگیری انقلابی در برابر هیئت حاکمه و سخنی مگر با مجاهدین خلق

رفسنجانی، امپریالیست‌های غرب و ژاپن را به اتحاد در برابر کمونیسم دعوت کرد

از قدیم گفته اند: "یکوا کیستم تا یکویم با کیستی". کیهان ۲۸ مرداد و قول رفسنجانی، رئیس "مجلس شورای اسلامی" نقل میکند که وی در ملاقات با سفیر ای کشورهای ایتالیا، بلژیک، هلند و ژاپن آنها را به اتحاد در برابر کمونیسم فراخوانده است.

اینکه جمهوری اسلامی ایران نه تنها خواستار برهم خوردن و منطقی شدن نظام امپریالیستی جهانی بقیه در صفحه ۲

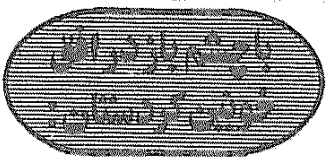
با تعیین رجائی به نخست وزیر، حزب جمهوری اسلامی یک کامدیگر در کسب قدرت بیشتر به جلو نهدا دودر مقابل "لیبرالها" و منجمله بنی صدریک کام دیگر در برابر حریف قدر و پر قدرت خویش به عقب نشینی و ادا شدند.

اکنون بنی مدبریا تمام مایه‌های و تا کتیچا پیش نهاده است تا به مرحله ابقای نقش میرسد که آیت با بعبارت بهتر حزب جمهوری اسلامی در نوا رهتور عنوان نموده است. یعنی نقش اجرا کننده اهدا مدالها و افتتاح مکارنها! بموازات این قدرت گیری فزونتر حزب جمهوری اسلامی خط سرکوب که خط حزب است در برابر خط سرکوب و زفرم (ویا) حقایق و نمان شیرینی "لیبرالها" بقیه در صفحه ۸

تعطیل کردن

دانشگاهها، خدمت به امپریالیسم است

دانشگاه ستگر آزادی، علیرغم خواست ارتجاع بیوسه در دل خوددا دانشجویان انقلابی و مترقی را می پروراند. دانشگاه همواره زاطلی ترین و مهمترین کانونهای مبارزه با امپریالیسم، ارتجاع و دیگنا توری بوده است. مردم میهن ما طی سالها حاکمیت رژیم دیگنا توری و ایسته به امپریالیسم شاه، شاه مبارزات خونین و انقلابی دانشجویان با رژیم شاه بوده اند. این مبارزات که حول دفاع از منافع توده‌های زحمتکشان انجام میگرفت توانست در روند رویش خود پیوند محکمی بین دانشجویان و توده‌های زحمتکشان برقرار کند. به همین خاطر هم برای دانشجویان و هم برای کارگران و زحمتکشان ما، دانشگاه بیوسه ستگر آزادی و آزادی و مرکز آکا هی بقیه در صفحه ۲



(خاطرات یک سرباز)

امپریالیسم در گرداب بحران اقتصادی لهستان: رشد مبارزه طبقاتی و رسوایی رویژونیسم! صفحه ۷

رزمندگان و مسئله رویژونیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی

صفحه ۱۷ (قسمت دوم)

در صفحات دیگر این شماره:

- ۱۲ پاسخ به نامه‌ها
- ۱۱ دست ارتجاع از مراکز آموزشی کوتاه
- ۵ شهدای خلق در قلب زحمتکشان زنده‌اند
- ۴ مبارزه و پیروزی کارگران گروه صنعتی کفش ملی
- ۱۶ مراسم بزرگداشت یاد رفقای شهید مسعود صالحی راد و طیب نجم الدینی

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

پیکار

بقیه از صفحه ۱

تعطیل ...

و آگاهی بخشی بوده و می باید بد رستی میتوان گفت که چه قبل از قیام و چه بعد از آن دانشگاه همواره یکی از مراکز مهم فعالیت های آگاهانه نیروهای انقلابی و کمونیستها در جهت دفاع از منافع زحمتکشان میهن ما و فداکاری بر علیه نیروهای ارتجاعی و ضد خلقی بوده است و تمام این فعالیتها نیز خود در خدمت تجدید و تحکیم پیوند بدین نیروهای انقلابی و بویژه کمونیستها با زحمتکشان قرار داشته است. اکنون ببینیم رژیم جمهوری اسلامی چرا دانشگاهها را به تعطیلی می کشاند؟

رژیم جمهوری اسلامی به دنبال باصلاح انقلاب فرهنگی اش که به شدت دهها تن وزمی و زندانی شده اند، صدها تن آزادیخواهان انقلابی بدست مزدوران اش انجام میدهد. از آنها چه کمتر شده به دانشگاهها و هدف رادنیال میگرد:

۱- حمله به دفاتر نیروهای انقلابی و مترقی جلوگیری از فعالیتها و آگاهانه و افشاگرانه آنها و تضعیف و زهم گستن پیوند بدین نیروهای انقلابی و زنده های زحمتکش.

یورش خونین و وحشیانه ساداران ارتجاع و اوباش و قداره بندگان جمهوری اسلامی در اوایل اردیبهشت اولین قسمت از سزارنیوی خدمردمی باصلاح انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی بود. همزمان بودن این یورش با تدارک حمله مجدد رژیم به کردستان، نشان میداد که جمهوری اسلامی تنها چه کمتر شده است به خلقها و آزادیخواهان دمکراتیک را در دستور کار خود قرار داده است. چه به سبب وجود این آزادیخواهان بود که دانشگاهها مرکز اخبار جنبش خلقها و بویژه خلق کرد و توده های زحمتکش ایران و افشاگری علیه رژیم زیکسو، و حمایت و پشتیبانی همه جانبه نیروهای انقلابی بخصوص کمونیستها از مبارزات توده های زحمتکش و انعکاس و انتقال تجارب و دستاوردهای آن از سوی دیگر بود. این وضعیت نمی توانست برای رژیم قابل تحمل باشد. چرا که لازم بود رژیم برای سرکوب و کشتار مجدد خلق کرد و دیگر خلقها دانشگاهها را به سنگر آگاهی را مورد یورش قرار دهد تا صدای حق طلبانه و اخبار مبارزات عادلانه خلق کرد به گوش دیگر خلقها و توده های زحمتکش آگاهان نرسد. آری رژیم برای اینکه دانشگاهها را بطور کامل تحت تسلط و کنترل خود درآورد، دانشگاهها را به خاک و خون کشید، دهها تن آزادیخواهان انقلابی را در دانشگاهها و خارج از آن، به شدت رساند و صدها تن از آنها را در زندانهای آریا مهری، محبوس ساخت تا بخش اول "انقلاب فرهنگی" و در حقیقت ضد انقلاب فرهنگی اش را با موفقیت بسازد.

۲- تعطیل کردن دانشگاهها، در جهت تصفیه عناصر انقلابی و مترقی و تأمین حاکمیت فرهنگ ارتجاعی و عقب ماندن آنها.

بدنیال یورش وحشیانه به دانشگاهها، اکنون رژیم برای آنکه بتواند دانشگاهها را به قلب پرتیش انقلاب را از دانشجویان آگاه و انقلابی تهی سازد اقدام به تعطیل آن نموده است. بدون شک تعطیل کردن این کانون مبارزه با امپریالیسم توسط رژیم نمیتواند نیش همیشه در تیش آنرا که در وجود دانشجویان

انقلابی و کمونیست متبلور است برای مدت محدود و بنا محدودی از کاراندازد. رژیم دانشگاهها را به تعطیلی میکشاند تا برپا به استحکام سیستم آموزشی ضد انقلابی خود فرهنگ ارتجاعی و پیوسیده را بر دانشگاهها کاملاً گرداند. بورژوازی بنا به مقتضیات و منافع طبقاتی خود، در پی آن است تا آنچه چنان عناصری را در دانشگاهها بیوروا ندهد که آنها هم نظرا بدشو لوزی و بینش مطیع رژیم باشند و هم بتوانند گردش سیستم ارتجاعی مورد نیاز سازمانها را با دستها را بعبه بگیرند. تحقق این برنامهنمیتواند انجام بگیرد، مگر با تصفیه و خراج دانشجویان، استادان و از بین بردن دیگر نهادهای انقلابی در دانشگاهها زیکسو، وضدیت با افکار علمی و انقلابی از سوی دیگر.

با آرایش رژیم خود همتوانست بر این اهداف ارتجاعی خودجا عمل ببوشاند؟ بنظر ما خیر. ارتجاع درهای دانشگاهها را بندد تا از انتشار رور شد افکار انقلابی و کمونیستی جلوگیری نماید. اما او آنقدر کورن است که درک نمیکند دانشجویان به طریقیکه شده خود را به توده ها نزدیک میکنند. دانشگاهها گریسته شده دانشجویان انقلابی به کارخانه ها، روستاها و محلات توده های می روند. و وقتی دانشگاهها زنده و با راه سنگری از آگاهی و آزادیگی تبدیل میسازند، کافی است رژیم درهای دانشگاهها را باز کند، خواهم دید که علیرغم تمام تشنات ارتجاعی حکومتی و بورژوازی سبیل مبارزه طبقاتی در دانشگاهها جاری میشود. چاهه سرمایه داری وابسته ایران سرشار از تشنات و تضادهای رادنیال بنده طبقاتی است. از آنجا که مبارزه طبقاتی در دل جامعه جریان دارد این مبارزه در میان دانشجویان بحثا به حساب ترین ضرور و شفرگان انعکاس پیدا کرده و بلافاصله دانشگاهها صحنه مبارزه طبقاتی میگردد. رژیم میخواهد مبارزه طبقاتی را در دانشگاهها خفه کند اما او کما بطور که نمیتواند جلوی مبارزات توده ها را در اجتماع بگیرد، تا توان از سرکوب مبارزات دانشگاهها نیز می باشد. دانشگاهها همواره یکی از طایفه داران جنبش انقلابی خلقها در ایران و در سراسر جهان بوده و می باشد. بنا بر این علیرغم توطئه های رنگارنگ از کشتار و سرکوب دانشجویان انقلابی در اوایل اردیبهشت و تعطیل دانشگاهها و تصفیه عناصر انقلابی از آن گرفته تا تدوین برنامه برای تأمین حاکمیت فرهنگ و بینش ارتجاعی و عقب مانده خود در مرکز آموزشی رژیم نخواهد توانست دانشگاهها را تحت سیطره خود درآورد و گریزی نخواهد داشت جز توسل به سرکوب و وحشیانه مداوم و حاکم گردانیدن اختناق پلیسی در دانشگاهها در جهت سرکوب جنبش دانشجویی. در این حالت نیش با بدگفت، همانگونه که رژیم شاه نتوانست با کسب دانش آرتش و ساواک و شهربانی، جنبش انقلابی دانشجویان را از هم بپاشد، رژیم جمهوری اسلامی نیز نخواهد توانست با توسل به حربه زور و دسیسه های متعدد تحت عناوینی از قبیل "انقلاب فرهنگی" جنبش دانشجویان را به شکست بکشد. پس دانشگاهها همواره سنگر آزادی و آزادیگی، آگاهی و آگاهی بخشی مانده و باقی خواهد ماند. و اکنون که رژیم جمهوری اسلامی، تصمیم به تعطیل این سنگر، و خاموش کردن آتش مبارزات انقلابی آن گرفته است وظیفه دانشجویان انقلابی بویژه کمونیستها و توده های آگاهان است که متحد برای

دونگنه کوتاه

۱- رسانه های گروهی دولتی بگفته است که سیاست ضد فلسطینی رژیم را بری احترام شخص میکنند. آیا توجه کرده اید که دولت غاصب و زگر صهیونیستهای نژادپرست و اشغالگر فلسطین را از "روز قدس" به بعد "دولت اشغالگر قدس" مینامند.

آقایان! خلق فلسطین برای سرمایه من اش که قدس یکی از شهرهای آن است جنگیده و میجنگد اگر برای آزادی فلسطین کاری نمیکند (و نخواهد کرد) لااقل در کار آنها خرابکاری نکنند!

زنبور درشت بی مروت را گوی

۲- فکرمیکند چرا قطب زاده، این روزها چسب و راست نامهای "غلاظ و شدا" به شوروی و عراق می فرستد و برای آنها خط و نشان میکشد؟!

محکوم بودن سیاست شوروی و عراق از نظر توده های زحمتکش ایران و نیروهای انقلابی و کمونیست آن جای خود را ردولی موفقیگیری قطب زاده، اما سیاست برای "خوبه" کردن پیش حزب جمهوری اسلامی است که باصطلاح زمان کارها را در دست گرفته است، بلکه و همچنان در دست وزارت باقی بماند. موضع فدشوری قطب زاده هرگز بخاطر موضع استقلال طلبانهای درونیست بلکه زیست دلجوئی از آمریکا با بداند است!

لهستان ...

دست طبقه کارگر و توده های در خدمت او، بلکه دقیقاً در دست بورژوازی و بر علیه طبقه کارگر است. این بورژوازی حاکم بر لهستان است که بنا به طبقه کارگر و بنا به سوسیالیسم کمربه سرکوب طبقه کارگر و بنا بودی سوسیالیسم بسته است. این رویزیونیستهای حاکم بر کشورهای بلوک شرق می باشند که بنا به نقاب سوسیالیستی، دیکتاتور بورژوازی را اعمال میکنند. این بورژوازی حاکم بر لهستان است که اکنون بخاطر سرکوب جنبش کارگری دست به لشکر کشی بر علیه اتحاد بیون زده است.

رویدادهای اخیر لهستان علاوه بر اینکه بیانگر مقاومت طبقه کارگر در برابر برستمسرا به و دشمنی آنتی - ناپذیرش با بورژوازی است. در عین حال هشداروری است برای آن دسته از نیروهای مادق جنبش کمونیستی ایران که مرز بندی روشنی با رویزیونیسم و سوسیالیسم امپریالیسم ندارند و بین ما رکسیسم لنینیسم از یک طرف و رویزیونیسم از طرف دیگر در نوسانند. ما رکسیسم لنینیسم و ما رکسیسم لنینیسم بود و بر علیه بورژوازی و ما رکسیسم لنینیسم و بر علیه طبقه کارگر. راه سوسیالیسم وجود ندارد!

با زگشایی آن به مبارزه همه جانبه بر خیزند و در جهت خنثی کردن توطئه های ضد انقلابی رژیم حاکم قاطعانه مبارزه کنند.

به پیش در جهت فتح دوباره دانشگاهها، این سنگر آزادی!

رجائی، عامل حزب جمهوری اسلامی و برادر لیبرالهاست

جنبش کارگری



وحشت رژیم از کارگران آگاه و مبارز بافت بلوچ

بدنسال برنامدهای سراسری رژیم جمهوری اسلامی برای نابودکردن شوراها و واقعی کارگران در کارخانجات، دستگیری و تصفیه کارگران مبارز و آگاه در تاریخ سهشنبه ۵۹/۵/۱۵ فرمانداری تاتی چند از روسای اداری و انتظامی ایرانشهر به کارخانجات بافت بلوچ میبرد تا بهسفرار رژیم جمهوری اسلامی به تشکیل انجمن اسلامی در این کارخانه بپردازد. البته عناصر و این انجمن قبلا توسط شیخ نور، سپاهیان و ساداران جها دسازندگی انتخاب شده اند، این افراد معلوم الحال دارای سابقه جاسوسی، خیرچینی و پاسداری در سپاهیان و هشتاد و حتی در توطئه ترور دکتر حسین بر "مشارکت داشته اند. کارگران در مقابل خواسته های انقلابی فرمانداری مبنی بر انحلال شوراهای مقاومت می نمایند و به فرماندهان میگویند چون نیمی از کارگران به مرخصی رفته اند، باید تصمیم نهایی را همه کارگران خود در این مورد اتخاذ نمایند. فرماندار در ضمن سخنانش به سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر حمله می کند و خواستار معرفی کسانیکه نشانی پیکار روینبرد بلوچ را پخش میکنند، میگردد. کارگران مبارز و آگاه بافت بلوچ به درخواست پیکار و تبلیغات دروغین و توجیهی نمیکنند و مانع تحقق توطئه های رژیم برای از بین بردن شوراها و واقعی کارگران میشوند.

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی از اینکه کارگران آگاه هستند، متحد شوند و به مبارزه بر علیه نظام پارتیگرا نه سرمایه داری وابسته که خود حامی و پاسدار آن است دست میزنند، وحشت و هراس دارد. رژیم میخواهد کارگران در زیر دست و استعمار روحیانه سرمایه داران دم فروبندند و دشمنی بر زبان نیاورند. رژیم میخواهد بجای معیارهای طبقاتی، کارگران را در درون هم قرار دهد...

رژیم میخواهد این فکر را در ذهن کارگران القا نماید که گویی جامعه ما شه بر اساس سرمایه دار و کارگر بلکه بر اساس کفر و اسلام بنا شده، رژیم میخواهد کارگران را از مبارزه بر علیه امپریالیسم و سیستم سرمایه داری وابسته بدارد.

رژیمی که به سرکوب زحمتکشان، نابودی شوراها و واقعی کارگران، کشتار دانشگاهها، بمباران خلقها میپردازد، نمیتواند و نمیخواهد کوچکترین قدمی در راه منافع اساسی زحمتکشان و ستمدیدگان میهن ما بردارد. رژیم جمهوری اسلامی رسالت تاریخی خود را با زاری و ترمیم نظام سرمایه داری وابسته ضربه دیده از مبارزات توده ها قرار داده است. بهر قیمتی میخواهد جلوی جنبش را سد نماید، انقلاب را خفه کند و سلطه سرمایه مبرها را بلیستی را تحکیم نماید. کارگران آگاه و مبارز با همت و هیبت ضد خلقی رژیم برای توده کارگران با زبانی ساده بیان نمایند. باید از توطئه های ضد کارگری رژیم برای منحل ساختن تشکیلات

تحصین کارگران مبارز شهرداری مسجد سلیمان

ایران نگرده اند، هم اکنون خود را با خنم روز افزون توده های زحمتکش و اعتراضات حق طلبانه و فزاینده آنها روبروی بینندگان این خائسین بخلق بجای حل مشکلات و نابسامانیها جامعه (... گران، بیکاری مسکنی و فقر و سیاه روزی زحمتکشان) از آنجا شیکه نه می خواهد و نه می تواند باین بحرانها مقابله کنند تا گریز هر روز دست به توطئه جدیدی برای مقابله با زحمتکشان بیاخته است. زندگی آسودگی، آزادی، سران جمهوری اسلامی برای حفظ و نگهداری این سیستم سوسیالده (سیستم گندیده سرمایه داری وابسته) و نجات حکومت ارتجاعی خویش دست به هر کاری از قبیل اخراج، سرکوب و دستگیری کارگران مبارز میزند. اینک در سراسر ایران کارگران بسیاری اخراج شده و یا در معرض اخراج قرار گرفته اند. نمونه اش ۱۸۰۰ نفر کارگر مبارز شرکت "برسیون" مسجد سلیمان، ۴۵۰ نفر کارگران "پارود" آغا جاری و ۴۰۰ نفر کارگر شرکت های "ری و گیلاردیستان" تونتر، اخراج کارگران مبارز صنایع فولاد هوز، اخراج کارگران مبارز "ماشین سازی" تبریز و ...

رژیم جمهوری اسلامی هم اکنون توطئه اخراج دسته جمعی شما را با صراحت اعلام کرده است و با این اقدام فدا نمایی خویش میخواهد ۱۲۰۰ خانوادها را بی خانمان کرده و بسوی گرسنگی و فقر (بیشتر) بکشد. شما اگر چه در طی یکسال گذشته مبارزات ارزنده ای داشته و مانع پیاپی شدن طرحهای خائسانه رژیم شدید، اما به دلیل پراکندگی و نداشتن یک تشکیلات آهنین و انقلابی ضربات متعددی نیز خورده اید، اینها برای من تنه راه مبارزه با این تصمیم ضد کارگری دولت جمهوری اسلامی اتحاد یکپارچه شما و ایجاد یک شورای واقعی کارگری است که بتواند مبارزات بحق شما را بیست برده و این توطئه شوم را درهم شکند. پس باید کوشید تا با فشرده تر کردن صفوف خود با تحمین، نظاهرات و ... توطئه های سنگین هیئت حاکمه را افشا و خنثی ساخت.

کارگران، زحمتکشان و نیروهای انقلابی
ما ضمن محکوم کردن توطئه ضد کارگری اخراج ۱۲۰۰ زحمتکش که بدستور دولت جمهوری اسلامی و توسط مقامات شهرداری مسجد سلیمان پیاده میشود، اعلام میداریم که دوش بدوش کارگران را از خواستها و مبارزات عادلانه آنها قاطعانه حمایت و پشتیبانی کرده و از همه مردم مبارز و نیروهای انقلابی نیز میخواهیم چنین کنند.

پیروزی با اتحاد و همبستگی کارگران و زحمتکشان علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی

چندی پیش شهرداری مسجد سلیمان اعلام کرد که: "کلیه کسانیکه دارای برگ یا بیان خدمت نیستند اخراج خواهند شد". علیرغم اینکه کارگران مبارز شهرداری در رابطه با اعلامیه مذکور چند روز دست به تحصین زده و از خودمقاومت نشان دادند، ۸۰ نفر از کارگران اخراج شدند. هنوز مدت کوتاهی از اخراج ۸۰ کارگروان و زحمتکش نگذشته بود که سایه شوم ارتجاع بر زندگی بقیه کارگران شهرداری نیز سایه گسترده و نیکوروش شهرداری مزدور مسجد سلیمان طی بخشنامه مورخ ۵۹/۵/۶ اعلام کرد: "کلیه کارهای عمرانی اعم از ساختن و غیره تعطیل اعلام می گردد، چنانچه کارکنان فوق به کار خود ادامه دهند شهرداری هیچ گونه تعهدی درمورد پرداخت دستمزد آنها نخواهد داشت. کارگران شهرداری بی اعتنا به حکم پادشاه به سرکار خود رفتند و تا روز پنجشنبه ۵۹/۵/۱۶ با همان مقدار مصالحی که در گذشته کار کرده اند، اما در این روز به علت تمام شدن مصالح ناگزیر بدست از کار کشیدند. در ضمن در این مدت تعدادی از کارگران با تهیه پلاکار و در حوض آن در شهر دست به فشاگری زدند. روز شنبه ۵۹/۵/۱۸ حدود ۴۵۰ نفر از کارگران قسمتهای عمرانی و ساختمانی در زمین چمن شهرداری که در کوی گل سرخی واقع شده بطور نابه وقت متحصن شدند. (از ساعت ۱۲/۵ - ۸ یعنی در وقت اداری) کارگران در محل تحصین، پلاکارهایی نصب کرده بودند که خواستهای آنها را بیان می کرد در خلال تحصین کارگران مبارز با سخنرانی و توضیح خواستهای برحق خود و دادن شعار توطئه های دولت ضد کارگری جمهوری اسلامی را افشا کرده و روحیه مقاومت جویانه خود را بلامی بردند.

- برخی از شعارها و آنها عبارت بود از:
- ۱ - کارگرا خراجی بر سر کار سابق ایقا با بدگردد.
 - ۲ - ماده ۳۳ ایقا با بدگردد.
 - ۳ - کارها را این است شعار بیکار.
 - ۴ - با زوی هر کارگرتون انقلاب است، اخراجی کارگران بزرگترین گناه است
 - ۵ - ...

کارگران مبارز تا روز چهارشنبه ۵۹/۵/۲۲ به تحصین نیمه وقت خود ادامه دادند و آنها ندانوا آن پس به احتمال زیاد به تحصین تمام وقت نشسته اند. در رابطه با اخراج این کارگران مبارز، هواداران سازمان در مسجد سلیمان اعلامیه ای منتشر کرده اند که در قسمتهایی از آن آمده است:

"یکسال و نیم از حکومت جمهوری اسلامی میگذرد و در طول این مدت رهبران جمهوری اسلامی که کاری جز سرکوب و کشتار کارگران و زحمتکشان و خلقهای مبارز

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

پیکار

کارگران مبارز کنف کار، رمضانی نماینده مجلس از گیلان را از کارخانه بیرون انداختند

چندی پیش رمضانی نماینده مجلس از گیلان برای مسپاشی و تحریک کارگران به کارخانه کنف کار میروید وی در سخنرانی خود ضمن اینکه علیه شورا به بدگوشی می پردازد، ۴۰ ساعت کار در هفته را بخاطر "مبارزه با امپریالیسم" تا در وقت دا نسته و از کارگران میخواست که بیشتر کار کنند. رمضانی قبل از آنکه بعنوان نماینده انتخاب شود، در سخنرانیهایش برای زحمتکشان وعده های زیادی میداد که چنین و چنان میکنم... بیسی از سخنرانی نماینده گیلان در کارخانه، یکی از اعضای شورا چنان او را در مقابل کارگران انضا میکند که کارگران وی را با خوارگی از کارخانه بیرون میاندازند آنان حتی میخواستند او را بزنند که اعضای شورا مانع میشوند.

بدنبال این جریان هیات به اصطلاح پاکسازی به کارخانه آمد و پیرونده چند نفر را بیرون میکشند آنها را اخراج نماید. اما به علت حمایت گسترده کارگران از دوستان مبارزان، عقب نشینی میکند. در این رابطه یکی از اعضای مبارز شورا به نام کریمیان برای بازجویی به نیرو خورشید برده میشود اما به لحاظ حمایت کارگران از او به زودی آزادی میگیرد. بعد از این جریان مدیر عامل کارخانه طری بختی - نامه ای ۴۰ ساعت کار در هفته را لغو و شورا را منحل اعلام میکند. با اعتراض کارگران به این بخت نامه

و دخالت عده ای اوباش در کارخانه درگیری بوجود می آید و طی آن یکی از عناصا مردود را آسیب دیده و در بیمارستان بستری میشود. در بیمارستان همبالیگی - هایش از وی میخواستند که علیه کریمیان نما بیند - مبارز شورا شکایت بنویسد، آننگاه با این توطئه نماینده مذکور را دستگیری نما بیند. حسینی رئیس هیات پاکسازی درست مانند درمان شاه که به بیباکی اهانته به ذات ملوکانه "برای عناصا مبارز بیرونده سازی میسند، به آنها موهین به شوری انقلاب برای کریمیان بیرونده سازی میکند.

کارگران به عنوان اعتراض به دستگیری نماینده مبارزان ابتدا تولید را کم کرده سپس دست به اعتصاب همگانی زده و خواستار آزادی بدون قید و شرط اومی - شوند.

در همین رابطه، حسینی کارگران را تهدید کرده که در صورت ادامه اعتصاب آنها را اخراج کرده و کارگران "مسلمان" را بجای آنان استخدام میکند. کارگران مبارز کنف کار هم اعلام کردند که به هیچ کس اجازه ورود به کارخانه نخواهند داد، مگر اینکه همه آنها را بکشند!

سپارزه کارگران کنف کار برای آزادی نماینده شان بطوریکه رجه داده اند.

هر چه مستحکمتر با اتحاد دیولادین کارگران

مبارزه و پیروزی کارگران گروه صنعتی کفش ملی

بدنبال مبارزات قبلی کارگران گروه صنعتی کفش ملی (این گروه صنعتی از نزدیک به ۲۲ شرکت تشکیل شده است) برای گرفتن حق تولید، حق سنگینی کار... مدیریت دولتی بین ۱۵ تا ۱۵ تومان بعنوان حق سنگینی کار به مزایای این کارگران اضافه کرده است. کارگران مبارز شرکتی استاندار، هونمن، گابور، یونا یبدو... اعلام کرده اند که مبلغ امانه شده با پیدای اول فروردین ماه ۵۹ پرداخت شود. براساس فتا رکار کارگران مدیریت دولتی به خواست آنان گردن نهاده و حق سنگینی کار را (با احتساب آن از فروردین ماه) در تاریخ ۵۹/۵/۱۵ به کارگران پرداخت مینماید خواست دیگر کارگران یکماه تعطیلات سالانه (بدون حساب نمودن روزهای تعطیل) بود. آنها استدلال می کردند که: "کارگران کارخانه دولتی است باید ما هم مانند"

واقعی و خلع سلاح ساختن کارگران برده بردارند و مگر با بدخاطر نشان سازند که هر چه رتاج بتوانند در تصرفات خود موفقتر شود و حاکمیت کارگران را محدود تر سازد برای نابودی و سرکوب کامل آنها جری تتر میشود و زنجیر بردگی و مزدوری را برپا نشان محکمتر می بیند.

(نقل به اختصار از زنجیر دبلوچ، شماره ۳۶ کارگران اتحاد زحمتکشان بلوچستان)

کارمندان از تعطیلات ۳۰ روز در سال برخوردار باشند و اگر خصوصی است پس چرا ۴۰ ساعت در هفته کار کنیم، ۳۰ ساعت کار در هفته کافی است. (کارگران مبارز این مجمع از جندی بیسی ۴۰ ساعت کار در هفته را به اجرا در آورده اند) مدیریت دولتی در برابر این خواست کارگران میگوید: "۱۸ روز تعطیلات شما را فعلا می دهیم و ۱۲ روز بقیه را در طی سال خواهیم داد."

خواست سوم کارگران سودویزه بود که مبارزه بخاطر آن را به پس از بازگشت از تعطیلات سالیانه موقوف کرده اند. پیروزی مبارزات حق طلبانه کارگران



بهبود زحمتکشان رفسنجانی...

نیست بلکه خواستار اتحاد آنها با بگدیگراست و خود را در کنار آنها می بیند، و برای مقابله با خطر مشترک دعوت به اتحاد می نماید و از آنها استفاده میکند اما هیات این رژیم را بیش از پیش فاش میکند. اما هییتی که ما در مقالات و نوشته های متعدد نشان داده ایم که خدا میر - یا لیستی نیست بلکه رتاجی است، ما هییتی که منجر به کوشش بهما زمانی نظام سرما بهداری وابسته در ایران شده است.

سخن رفسنجانی بیوض نام، ما هییت شعارها و زستیهای "فدا میریالیستی" رژیم جمهوری اسلامی را انضا میکند، رژیم جمهوری اسلامی بدستی خود را در صف کشورهای سرما بهداری می بیند، از کمونیسم که دشمنترین دشمنان سرما بهداری است وحشت میکند، بنیاد نگاران سوسیالیسم علمی، ما رکن وانگلس در اولین جمله ازمانیفست نوشتند:

"شیخی در اروپا درکمت وگذا راست - شیخ کمونیسم همه نیروهای اروپای کهن برای تعقیب مقدس این شیخ متحده شده اند: باب و تزار، مترنیخ و گیزو، را دیگالهای فرانسه و ویلیس آلمان."

هم اکنون حقیقت فوق به سرارجیان تعمیم یافته است. شیخ کمونیسم سران جمهوری اسلامی را به وحشت انداخته است و آقای رفسنجانی دست اتحاد بسوی امپریالیستی آلمان، ایالت لیا شی، و ژاپنی دراز میکند البته در نتیجه مبارزات طبقه کارگر در سرارجیان، کمونیسم هم دیگر شیخ نیست، حقیقت است و به همین لحاظ است که سرکوب کمونیستها و نیروهای انقلابی ای که بمواضع فدا میریالیستی بای می - فترند اینچنین دردستور امپریالیستی و وابستگی آنها قرار گرفته است.

شاه خاثن در آخرین زوزه هایش در آستانه مرگ فریاد میکشید که "کمونیستها را بکشید!" (بیکار... او) سردمداران امپریالیسم آمریکا با رها، علی رغم شرکاب بین ایران و آمریکا، رضایت خاطر خود را از سدی که از اسلام در برابر کمونیسم در منطقه ساخته میخواند باز کرده اند. اینکه دستگامهای تبلیغاتی و سیاسی ویلیسی و نظامی جمهوری اسلامی لبه تیز حمله خود را متوجه کمونیستها کرده اند و از هیچ فرصتی برای سرکوب آنها غفلت نمیکنند، دقیقاً از ما هییت سرما بهداری و نه وضد کارگری نظام جمهوری اسلامی ما به میگرد.

کمونیستها دشمن شما رهیک سرما بهداری در هر شکل آن هستند. کمونیستها برای رها شی کارگران و دیگر زحمتکشان و کل انسانها مبارزه میکنند، کمو - نیستند گورکن سرما بهداری هستند و به همین دلیل است که سرما بهداری و امپریالیستی از هیچ کوششی برای سرکوب کمونیستها دریغ نمیورزند.

اینکه آقای رفسنجانی از امپریالیستهای اروپا - شی و ژاپنی ملتسازانه میخواستند که در برابر خطر کمونیسم متحد شوند جای خود را در صف مقابل کارگران و زحمتکشان و نیروهای کمونیستی و انقلابی تعیین میکند. این را با پد هر چه با زتر و زتر تریای توده - هائی که از سر تا آگامی، فریب شعارهای فدا میریالیستی رژیم جمهوری اسلامی را خورده اند توضیح داد.

★ ★ ★

باتمام قوا در مقابل توطئه اخراج کارگران متحدانه مقاومت کنیم!

خلق ها و مسئله ملی



با چشم باز در افق خونین کردستان

خاطرات يك سرباز:

از يك ستون ششصد نفری که برای آغاز جنگ دوم به کردستان اعزام شدند، تنها دویست نفر توانستند با تحمل صدمات بی شمار به دکان بازگردند. چپا رصدفتر بقیه کشته، دستگیر و یا زخمی شدند. یکی از دویست نفری که به دکان بازگشت، سرباز جوانی است که ما نند بسیار از سربازان میهن ما بدون آنکه خود بخواد به اجبار و نه جبهه جنگ با خلق دلاور کرد شده بود (۱) این سرباز جوان، هنگام بازگشت، دفترچه خاطراتش را با خود به همراه آورده است. او در این دفترچه زندگانی روزانه خود را در جبهه به تحریر در آورده است. سطور این دفترچه کوچک که در آن گاه کلمات به غمناکی تحریر شده است، به ما نند رفته رفته گواهی می دهد که زندگی در آن گرم و سرشار از ریلان دارد. هر گاه این رفته رفته در دست گیریم مرتضی میثوی می بینیم زندگی را نند و بر طیش احساس می کنیم. از لایق سطور این دفترچه که در آن حقایق روزمره جبهه در کردستان نشان داده است تصویرها سرباز جوان سربازی آورده که خود را دل مردم به خاسته ولی نظام سرما به داری وابسته و هیبت خاکمه ضد خلقی آنان را به ما به مهره ای به جنگ با برادران خویش می کشد و اجبار می کند. تصویر خلق کرد سربازی آورده که حماسه و آرمی جنگ قهرمانان نند زندگی می کند. و شجاعانه شهید می شود. آن گاه ما نند که جگه این مبارزه تا نند خود را بر سرباز جوان که خود فرزند خلق است باقی می گذارد. نوشتن این دفتر خاطرات حسی می توانست به قیمت تیرباران شدن این سرباز زتاما م شود ما خودش می گوید: "این کمترین کاری است که من نسبت به وظیفه ام در راه نند بودی ظلم و ستم انجام داده ام خون من، در برابر خلقی که آن چنان قهرمانان نند در مقابل دشمنان خلق بی خاسته و با خون خود تنها لیا و صلح و خوشبختی بشر را آبیاری می کند، چه

ارزنی میبندد اشته باشد؟ بدینگونه خطوط دفترچه خاطرات این رفیق سرباز از ستابن این مبارزه عادلانه سرشار می گردید و نرفت از چنین جنگی را قریب می زند. این دفترچه خاطرات دیگر، تنها زندگی یک سرباز در جبهه نیست. چنانچه است با زوهرنیا رگه با آن میتوان واقعات جنگ کردستان را به روشنی دید. دهانسی است که با صدای رما با یک زمی آورد: "سرانجام پیروزی از آن خلقهاست!" بدینسان از لایق سطور دفترچه کوچک، آفتاب زندگی بخش مبارزه می تابانند و انسان را گرم می کند، با نند رشته بین موسیقی بر طیش را در دست گیریم و آن را در هر یک از نند عشق، کینه، نفرت، و گاه دلنشینی و مسائل کوش کنیم:

دفترچه کوچک را باز می کنیم، در صفحه اول، تصویری می بینیم که مانند طنز نج خانه خانه است و هر یک از چهار خانه علامت ضربدر خورده است. در کنار صفحه نوشته شده: هر یک از این علامت ها نما یا نند روز است. بر صفحه نند زندگی گذشت روزها که شده گویا روزها سر رفیق سرباز زسکینی می گذشته است. گویا هر روز که می گذشته، یک زندگی بر او سیری می شده است. او نمی دانسته که فردا هم نند خواهد آمد ندیا نه. اما می خواسته است که این دفترچه با نند. در صفحه دوم دفترچه لاله ای نقاشی شده و در کنار آن این خطوط به چشم می خورد: اگر من کشته شوم، این دفترچه را به آدرس خانه ام بفرستید. آری، رفیق سربازی خواسته است آنجا که میتوان نند خلقی جنگ ضد خلقی در کردستان، واقعات مبارزه دلاورانه خلق کرد در راه آزادی و استقلال ایران، و حقا نیت مبارزه قهرمانان نند خلقی به پا خاسته را بگوش مردم برسانند. این ادعا با ما حقا نیت خلق کرد است که بیخ روی ما است:

دوشنبه ۱۸ مردادی ماه: اینجا گراما نشاء است.

خوا خوب است. آفتاب بیاری میگردی میتا بد. از خواب که بیدار می شوم، آفتاب در آما میبکشد است. خبرهای جنگ دهن به دهن کشته و بچه ها از وضع منطقه خبردار شده اند. روحیه سربازها سخت دگرگون است. بعد از خوردن میحا نند دریا ننگاه با دگان، با رفقا به شهر و شهرتیم. شهر هم از آمدن گردان ما با خبر شده است. مردم چنان با زما را می با نند. چندان از بچه ها را در آما دیدیم و تصمیم گرفتیم به دانشگاه برویم تا از وضع منطقه بهتر با خبر شویم. وارد دانشگاه شدیم که نند به دانشجویان جریان را فهمیدیم و اطراف ما جمع شدند. بر خوردن با ما عالی بود. دریا در وضع منطقه گفتند و این که چگونه ارتش به ما نند. نور و سوا استناد در جنگ ضد عراق، کردستان را می گوید. و سببا را نند.

چند نفری را نند که رفیق به سیر آما دیدیم، یکی از بچه ها را نند کردی ارباب به شوخی می گفت: "برای فرار است!"

دوشنبه ۱۹ مردادی ماه:

ما نند ۴/۵ صبح با سروهای بچه ها از خواب بیدار شدیم. هر کس در حال جمع کردن کیمه خواب خود بود. آما میبکشد سرمایه ما طبعی داشت. بیاید آوردیم که در حال اعزام به جبهه جنگ کردستان. هستیم سرمایه ما و طبع چند سرباز نند و به استخوانها می رسید.

در میدان میبکشد، بچه ها جمع شده بودند. فرما نند گردان سفیرانی می کرد. هدایای اعتباری آشکارا به سبب شده بودند و فقط جسمتان در آنجا بود.

فرما نند گردان جرف می زد: هم جزئی از شما هستیم! ... با بدخواهان به فرما نند

(*) بیستی از این نامه های از این سربازان عنوان "شک نمیکنم" در بیکار نشر شده است. ۵۳ آمده است.

شهدای خلق در قلب زحمتکشانش زنده اند

شهدای انقلاب دموکراتیک - سید امیر علی بیگی مبین با که چه دریا لیا سی با گذشته و با این اقیانوس دست از باغیون به قدرت رسیده، برخاک افتاده اند. از با طره زحمتکشانش ما فرا موش شدنی نیستند. هفته اول شهریور سال مصادف است با اولین سالگرد شهادت رفقا سعید و علی میرنکاری، تاک حسین میرنکاری "لاله" عضو کمیته و کاک بیدی فولادی، مظفر رحیمی با سرلشکر، عطاء الله زندی، عباسی بیسر، و علی اصغر میرنکاری، جمیل بهجا لسی، و فدا شایان شهید علی احسان میرنکاری شهریاران به طهر و طهرت، اکبری و کسکاک شوا سید علی (عضو کمیته) و بنحسین سائید شایان در رفیق شهید رفعت افرازی و شهیدین با لنگر شهادت ما شهید محمود شامی و دو از دهه های سال شهادت معلم انقلابی و نویسنده زحمتکشان صد سیرنگی و بیباک و سببا را نند دیگر، خون شهدای خلق هرگز نیمی خشک، بلکه میجو شد.

دستورات! و ما نند ...

بچه ها روحیه شان با نند غیور - ها بی از مبارزات جانانه مردم کردستان دگرگون بود. گوئی در وجودیشان خوند به حقا نیت هدف خلق کرد که مبارزه می کند. و بیبودگی هدفی که خود بسوی آن می رفتند، بی برده بودند. وقتی که از سفیرانی گفته نند، میگویند است (۱) به سرز عراق برویم و با عراق بجنگیم روحیه بچه ها کمی بالا رفت. یکی از سربازها می گفت: در مرز مسنگها با دشمنان خود می جنگیم، اما در کردستان با برادران ما می خودمان می جنگیم. اگر به سرز برویم و جدا شایان راحت تر است. هم در این دنیا و هم در آن دنیا!



حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

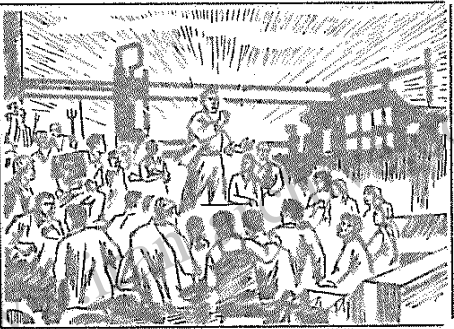
«قانون شوراهای اسلامی»، «قانون» بورس به شوراهای واقعی (۲)

نماینده کارگران تنها وظیفه اش این است که از منافع کارگران در مقابل سرمایه داران و هیأت مدیره دفاع نماید، وظیفه اش آن است که بر اساس خواستهای برجسته کارگران که تحت فشار روز - امروز است، نظام سرمایه داری را ریشه کن کند - حرکت نماید و دست به عمل بزند، اما رژیم جمهوری اسلامی قضیه را درست برعکس میخواند، آن نظر آنست که نماینده کارگران نه تنها میبایست که از خواستهای کارگران دفاع نکند بلکه میبایست از منافع کارخانه (در حقیقت سرمایه دار) دفاع کند. این وارونه جلوه دادن وظیفه نمایندگان و اینکه ترک تیزبیکان حمله بجای آنکه قلب سرمایه داران را نشانه رود بر اساسی خواهد بود رژیم باید به سمت سینه کارگران بزرگردد، اینجا و آنجا در منتهی آستینها همسایه همینود، بیسوان مثال در ماهه بندی آستینها به نظارت شورای سرمایه داران - منظر آنگاه از مورجاری و انجام صحیح کاروارائه پیشینها دهی سازنده را مطرح میکنند. ما میبیرسیم چه شوق شورائی قادر خواهد بود به درستی امر نظارت بر تولید را پیش ببرد؟ آیا یک شورای کاملاً کارفرمائى و فرمائى که آستینها به مبلغ آن است خواهد توانست نظارت کارگران بر امور تولید را اجرا نماید؟ و یا آنگه چنین شورائی اگر دست به نظارت بر مورجاری بزند فقط وقت میبازد و تبدیل به مجرى نظارت کارفرما بر مورجاری باقی ماند؟ بواب روشن است چنین شورائى تنها میتواند تبدیل به چشم گوش کارفرما شود. چنین شورائی جاسوس کارفرما در میان کارگران خواهد بود در صورتیکه ما به نظارت شورائی کارگری بر تولید انبوه است که نشانه ندهنده قدرت کارگران در یک کارخانه است کارگران بمنظور آنکه از کلیه امور جاری در کارخانه خود با خبر باشند، برای آنکه در کلیه جریانها مربوط به تولید و رد شوند، برای آنکه میزان خرید، فروش مواد اولیه، مقدار تولید، سود کارخانه را در دست داشته باشند، دست به امر نظارت بر تولید میزنند. چه بسا سرمایه داران در مواقع بحرانی به طرآنکه شرایط سوددهی کار دیگری میزان گذشته نیست و بدون توجه به عاقبت زندگی و درآمد کارگران تصمیم به تعطیل کارخانه بگیرند در چنین شرایطی کارگران با اتحاد و همکاری و سازماندهی خود، امر نظارت بر تولید را به اجرا گذاشته و از بسته شدن کارخانه جلوگیری میکنند این است معنی واقعی نظارت بر تولید، تفاوت این رژیم با آنچه رژیم مبلغ آن است بسیار زیاد است در واقع رژیم سرمایه داران است که بوسیله شوراهای نظارت سرمایه داران را بر امر تولید تقویت نماید. با تمام این تفصیل رژیم از اجرانشدن چنین آستینهای و حثیت دارد، ترس از آن است که کارگران با عدم قبول چنین شورائی شورای واقعی خود را تشکیل دهند و این وحشت را بوضوح نشان میدهد.

در ماده ۴۴ تبصره آمده است که "نحوه برگزاری و نظارت بر اجرای صحیح انتخابات و تشخیص موارد استثنائی این ماده بر عهده وزارت کار و امور اجتماعی است". یعنی نمایندگان وزرات کار میبایست در

تشکیل شورا حضور داشته باشند تا خیال رژیم آسوده شود که حتماً همان شورای کارفرما بیشتر تشکیل میشود. اما در مورد شرکتیهای دولتی بزرگ و شرکتیهای حیاتی مثل صنایع نفت، فولاد، ذوب آهن و شرکتیهای ملی صنایع مس و غیره و حثت رژیم فذخلقی دوچندان میشود. رژیم هنوز سایر زرات کارگران صنایع نفت را از نظر نبرده و بیباک داد و در کجنگ در گلو رژیم رژیم تا حدی نداشت و مگرش را هر دم نزدیکتر میساخت، بخاطر دارنده گجونه کارگران قهرمان صنعت نفت رژیم تا حدی را بهر صورت آوردند، این موضوع رژیم را سخت به وحشت میآورد.

رژیم وحشت خود را در ماده ۱۴ بسیار بی پرده نشان میدهد: "تشکیل شوراها در شرکتیهای دولتی بزرگ از قبیل شرکتیهای تازه وزارت نفت، شرکت ملی فولاد ایران، شرکت ملی صنایع مس ایران و... بر اساس این قانون منوط به تصویب هیئت وزیران است". این صنایع شرکتیهای حیاتی رژیم اندک مدت توانست کارگران بجزخ درمی آیند.



اما ممکن است همین شوراهای فرمائى بر اثر فشار کارگران و سطح آگاهی آنان یک وقت دست به مبارزه علیه کارفرمایان بزنند، پس ما به دیگری لازم است که در صورت بروز چنین مسئلهای بتوانند "فانونا" مبارزات کارگران را سرکوب نماید. آن ماده هم در آئین نامه پیش بینی شده است. آئین نامه میگوید: "با بدهی حثت بمنظور رسیدگی به اختلافات شورا و کارفرمایان تشکیل شود". و در ماده ۱۰ وظیفه این هیئت را مشخص میکند: "تأمین حسن روابط شورا و مدیریت و تحکیم وحدت میان آنان و همچنین داوری میان آنان". این هیئت از ۵ نفر تشکیل میشود، ۲ نفر نماینده کارگر، ۲ نفر نماینده سرمایه داران و ۱ نفر نماینده شورا. یعنی ۳ نفر نماینده سرمایه داران و ۲ نفر نماینده شورائی کارفرمایان! چنین ترکیبی حتی اگر هم فرض کنیم ۲ نفر نماینده شورائی کارفرمایان نماینده واقعی کارگران از آب درآیند، که با این توطئه مودیانه رژیم میتوان گفت تقریباً غیرممکن است، با زهم ۳ نفر نماینده سرمایه داران هستند که اکثریت رای را خواهند داشت.

واضح است که رژیم سرکوبی بیش از حد کارگران و دهقانان را در نظر دارد، چنین هیئتی هیچگاه قادر

نخواهد بود که سطح کارگران را بی ما در نماید. چنان شورائی و چنین هیئتی بر واضح است که ما خسته و پرده خسته یک نظام سرمایه داری است. نظامی که قدرت باسی خود را در سرکوب توده های خلق می بیند و امروز هم در همین ما چنین اهدافی را دنبال میکند و بالاخره رژیم که ما موریتی محفوظ سیستم سرمایه داری وابسته ندارد، بالا بردن سطح تولید و درآمد کارگران را جزو وظایف این شوراهای دلخواه خود قرار میدهد.

قانون گذاری شوراهای دولتی این وظیفه را اینطور میگوید: "هدف کوشش برای بالابردن سطح تولید و دستیابی سریعتر به استقلال واقعی و تحقق خودکفائی". اینک رژیم ما کمدم از استقلال واقعی اقتصادى و تحقق خودکفائی میزند، امری عیدى نیست چرا که نظام سرمایه داران و دولتهاى آنها برای عالادانه جلوه دادن استعمار و حثتانه خودشان عوا مفریبیهای "سطح بالاى" میکنند و در این مسئله خیلی هم خبره هستند مامیبرسیم کدام رژیم و کدام هیئت حاکمه میخواهد به استقلال واقعی اقتصادی و تحقق خودکفائی برسد، آیا رژیم جمهوری اسلامی از موقع روی کار آمدنش بجز حفظ قراردادهاى باارتنیاریا میریالیستی کار دیگری کرده است؟ آیا رژیمى که حفظ این قراردادها را جزو وظایف حیاتی خود میداند؟ آیا رژیمى که زنده ماندنش را فقط و فقط در سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان میداند؟ رژیمى که زانگاهى کارگران و زحمتکشان سخت در هراس و وحشت است و به همین جهت ضمن بازاریساک منتهی با اسم "سازمان نیروهای انقلابی و آگاه را دسته جمعی بسیاری میدانهای شرمیبرد" بله به این دلایل است که داعی رژیم را "استقلال واقعی اقتصادى و تحقق خودکفائی" چیزی جز خدمت به سیستم سرمایه داری وابسته و حمایت از سرمایه داران نیست.

اما کارگران ما این طبقه ای که رسالت بهیروزی رساندن انقلاب را بر دوش میکشد چنین نظامی را نخواهد پذیرفت. چنین قوانینی جز فل و زنجیری که برای کارگران و زحمتکشان ساخته و پرداخته میشود چیز دیگری نیست.

آگاهی کارگران زنجیرها را ست کرده و اقدام انقلابی آنها زنجیرها را بره میکند. رفقا و دوستان کارگر، با افشای شوراهای فرمائى رژیم فذخلقی در میان کارگران از اجرای آن سرخسته جلوه گیری نمائید.

پیش بسوی تشکیل شوراهای واقعی برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق

(۱) - اگر رژیم فذخلقی حاکم از موقع روی کار آمدن در این عوا مفریبیها تا حدی رسوا شده است، ولی بسوی ریزیونیستهای کمیته مرکزی جریکهای فدائی خلق (اکثریت) بکمک رژیم جمهوری اسلامی شتافته و از کارگران میخواهند که سطح تولید و درآمد کار را بالا ببرند و به بورژوازی حاکم خدمت کنند (رجوع شود به کارنامه ۵۹) آری، اینها نیز عوا مفریبی میکنند اینها نیز میاشین و نمایندگان آگاه بورژوازی در میان کارگران هستند. وظیفه کارگران انقلابی و آگاه اینست که این عوا مفریبیها را نیز بتوان هر چه بیشتری افشا کنند و شکارند این سازگان، توده های کارگران را فریب دهند.

شوراهای وابسته ضد کارگری را افشا و طرد کنیم



امپریالیسم در گرداب بحران اقتصادی

رشد اقتصاد جهانی در سال جاری به ۱٪ تنزل یافته است!

هم اکنون دنیای سرمایه‌داری با بحران عمیق و وخیم اقتصادی دست به‌گریبان است این بحران با خود مشکلات متعددی را حمل می‌کند.

دولت‌های بورژوازی برای "حل" این بحران نقشه می‌کشند، برنا هم‌میریزند، وعده‌ها می‌دهند و طبقه کارگر کشور خود و طبقه‌ای تحت استثمار به‌فداکاری را خود - گذشتگی و صبر بی‌شمار می‌کنند، واقعیت اینست که تنها راه حل این بحران انقلاب اجتماعی است و 'نقشه‌ها' و 'برنامه‌ها' دردی را دوا نخواهد کرد بلکه هر چه بیشتر دامن بحران را گسترش می‌دهد.

از مشخصات این بحران توسعه و گسترش سریع آن از یک رشتۀ اقتصادی به رشتۀ دیگر، از یک کشور سرمایه‌داری به کشور دیگر و از کل جهان امپریالیستی به کشورهای تحت سلطه و مستعمرات می‌باشد و دامن‌ها می‌بافتد بغلت سیستم پیچیده و وابستگی و روابط بین‌کشوری‌ها در نظام جهانی سرمایه‌داریست. کاهش آهنگ رشد تولیدات مشخصات دیگری این بحران است که با عدم بهره‌برداری کامل از ظرفیت تولیدی همراه است. بعنوان نمونه در سال ۱۹۷۹ رشد اقتصاد جهانی ۳/۱٪ بود که این رقم در سال جاری به ۱٪ تنزل یافته، در مورد امپریالیسم غارتگر آمریکا نرخ تولید نسبت به سال قبل ۲/۲٪ کاهش یافته و در همین ارتباط متلا شرونی توموبیل در آمریکا ۴۰٪ کاهش را نشان می‌دهد که این رکود اقتصادی سبب شده فقط در ماه مه سال جاری در بخش صنایع اتومبیل‌سازی آمریکا ۲۵۰۰۰ نفر بیکار شوند، بطور کلی در نتیجه کاهش آهنگ رشد تولید نرخ بیکاری در آمریکا به ۸٪ رسیده و تا آخر سال جاری این نرخ به ۸/۵٪ خواهد رسید. حال آنکه در چند ماه قبل این رقم به میزان ۸/۷٪ بوده است. در بسیاری از کشورهای سرمایه‌داری تعداد بیکاران افزایش فزاینده‌ای یافته و در حال رسیدن به سطح بسیار بالایی می‌باشد. در ۲۴ کشور متشکل در سازمان همکاری و توسعه اقتصادی که شامل کشورهای امپریالیستی نظیر آمریکا و کشورهای اروپایی و کشورهای سرمایه‌داری

وابسته می‌باشد، در سال گذشته ۱۶ میلیون بیکار وجود داشت که تا پایان سال ۷۹ به ۲۰ میلیون رسیده و بیش از نیمی از این رقم در سال ۱۹۸۱ این رقم به ۲۴ میلیون بیکار افزایش یابد.

یکی از جنبه‌های اصلی بحران اقتصادی کنونی تورم است. تورم یکی از بی‌غرضترین نمودهای سرمایه‌داری است. افزایش شدید تورم عواقب بسیار وخیمی برای طبقه کارگر و زحمتکشان کشورهای سرمایه‌داری و تحت سلطه و مستعمرات دارد از جمله این عواقب افزایش بیکاری و فقر و کاهش قدرت خرید است و وسیع زحمتکشان می‌باشد.

همزمان با رشد تورم، تیمنت‌های اجناس در کشورهای و همچنین بازار بین‌المللی بالا می‌رود. افزایش قیمت اجناس دیگر نه تنها به مالکین بلکه به شکل روزمره و بی‌سرمقت سیر صعودی خود را می‌بیند. بالا رفتن قیمت‌ها عواقب جدی‌ای مستقیماً بر روی طبقه کارگر و زحمتکشان دارد از جمله اینکه قدرت خرید زحمتکشان را به شدت و وسیع پایین آورده و موجبات فقر و آرزوی طغیان و زحمتکشان را در گرداب فقر و محنت قرار می‌آورد. در حال حاضر در اقتصاد کشورهای امپریالیستی عسور میانگین تورم به میزان ۱۲٪ میرسد و تنها در آمریکا تورم نسبت به سال قبل ۲۰٪ افزایش یافته است.

فقط در ماه مه سال جاری در بخش صنایع اتومبیل‌سازی آمریکا ۲۵۰۰۰ نفر بیکار شدند. بطور کلی در نتیجه کاهش آهنگ رشد تولید نرخ بیکاری در آمریکا به ۸٪ رسیده تا آخر سال جاری این نرخ به ۸/۵٪ خواهد رسید. حال آنکه در چند ماه قبل این رقم به میزان ۸/۷٪ بوده است.

امپریالیسم برای سرنگ نمودن بحران برداشتن کارگران و طبقه‌ای تحت استثمار و مستعمرات طبقه کارگر و متوسط غارت و جبا و در کشورهای وابسته دست‌زده و برای تحقق این هدف، سیاست جنگ طلبانه‌ای را در پیش می‌گیرد. به‌رواج است که این سیاست امپریالیسم را بر آن میدانند که اقتصاد کشورهای موجودیستراتژی می (میلیتاریزم) بسازد. در این رابطه بودجه نظامی سالیانه آمریکا به ۱۲۸/۲ میلیارد دلار میرسد و در سال ۱۹۸۵ این رقم به ۲۵۲/۲ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. همچنین در باره بودجه پیمان‌شکنان با بدگفت که در سال آینده نسبت به سال جاری ۴۰ میلیارد دلار افزایش خواهد داشت. در نتیجه بودجه سلطنتی نه تنها با هدف نامین بود هر چه بیشتر و تدارک جنگ می‌باشد، بلکه همچنین سرکوب جنبش‌ها و انقلاب را نیز تعقیب می‌نماید.

کشورهای سرمایه‌داری برای فرار از زیر بار سنگین بحران آمریکا به کشورهای تحت سلطه و مستعمرات منتقل می‌کنند و مستقیماً بر دوش زحمتکشان این کشورها فشار وارد می‌آورند. ارتقا بربرگی از نمونه‌های غارتگری امپریالیستی و جبا و مال صنایع طبیعی کشورهای تحت سلطه را نشان می‌دهد:

۱۴۲ شرکت نفتی و انرژی در سال ۱۹۷۷، فریب ۵۷ میلیارد دلار سود داشته است که از این میان ۱۰ بیست درصد به

لهستان: رشد مبارزه طبقاتی و رسوایی رویزونیسم!

اعتماد به سرسری کارگران لهستان که مطالبات اقتصادی آغاز شده، بانک رنگ سیاسی بخود گرفته است. بیش از ۱۲۰ هزار کارگر لهستانی از ۲۶۰ کارخانه کارگاه با طردن از ابتدای تریبون حقوق خود به مبارزه برخاسته و در درگیری‌های روزیونیسم‌های حاکم، کمینا طبقه کارگر از خون طبقه کارگر خنجر می‌کشد، ایستاده اند. بانک ۱۲۰ هزار کارگر لهستانی که از دست‌نهایی دیگران فضا مردم (دا نجویان، مملنان دانش آموزان، کارمندان و...) نیز برخوردارند، خواهان آزادی بیان، تشکیل اتحادیه‌های کارگری آزاد، آزادی زندانیان سیاسی و... هستند و مذاکرات آنان با دولت و حزب تاکنون دست‌نهیچ‌سرسیده است. تا بدین امر برای آن دسته از جریانی که نسبت با نیریلیفیات مسموم کننده دوسو سال امپریالیسم شوروی و نوکران بومی اش و آلودگی‌های رویزونیستی آنان، اینگونه کشورهای را با ملاحظه سوسیالیستی میدانند، گفت‌وگوها را با وجود اینکه در یک کشور سوسیالیستی کارگران نتوانند اتحادیه‌های خود را بوجود آورند، مگر می‌شود در یک کشور سوسیالیستی، خود کارگران در زندان‌های "دیکتاتور بیولتاریسم" باشند؟ چگونه است که کارگران لهستان سوسیالیست خواهان آزادی زندانیان سیاسی هستند؟ اولاً چگونه است که در یک کشور سوسیالیستی کارگران در یک طرف و حزب و دولت طرف دیگر می‌مانند که دست‌نهیچ‌سرسیده است که در یک کشور سوسیالیستی روزانه "کارگر" به طور مخفیانه جاب و منتظر می‌شود؟ مگر دولت ولست کارگری نیست؟ مگر سوسیالیسم حاکمیت طبقه کارگر نیست؟ آری اگر بدینسان و فقط اگر بدینسان بیش رویزونیستی هم که گفتند آنرا است این چگونه می‌تواند این برسش را توضیح داد؟ حقیقت چیست؟

پس از غلبه رویزونیسم بر حزب و دولت کشورهای بلژیک، سوئیس، ایتالیا، فرانسه، بریتانیا، آمریکا و سایر کشورهای غربی و طبقه کارگر جهانی بودند. این کشورها عملیات بیرونی و بورژوازی جدید فراگیر کردند. این راه‌پیمایی در تمام کشورهای بلژیک شرقی، لکن با سرعتی متفاوت پیچیده شد. بهرین یونگسلاوی سنا به بر جداران ارتداد از ما رگسیسم، لنینیسم، بیعتنا را بین راه بودند. نظریه که یونگسلاوی امروز، حتی از نظر شکل، نفساوت جدایی با کشورهای سرمایه‌داری غرب ندارد. بحران اقتصادی که بطور ادواری در اینگونه کشورهای رخ می‌نماید، سیاست‌ها و هیئت بورژوازی نظامی کم‌بر آن‌هاست. بحران‌های سال ۱۹۷۰ و ۱۹۷۴ در لهستان که اولی به تسخیر دولتی به عقب‌نشینی دولت بورژوازی انجامید اکنون پس از چهار سال در ابعاد گسترده‌تر مجدداً برآید کرده است.

واقعیت این است که حزب و دولت لهستان، سنا در

نقشه در صفحه ۲

تازمانیکه ۳۵٪ بر دستان ترمزها افروخته نشده
"سودویزه" گذشته پرداخت باید گردد!

بقیه از صفحه ۱

موضوعگیری ...

اهمیت و توان بیشتری می یابد. این امر بدیهی و قابل پیش بینی را بخوبی میتوان در سخنرانی ها و مقالات و مصاحبه های اخیر سردمداران حزب و هم خطان آنها مشاهده کرد. از جمله در سخنرانی حاشیه ای که در روز دوشنبه ۲۷ تیرماه از راه دیویختن شد، حاشیه ای در صحبت ها پیش بطور صریح و آشکارا بر لزوم جلوگیری از تسلط سیاسی شما مخالفین جمهوری اسلامی ایران در دست مضمین ها، تا کید میگرد. او در واقع با سخنان خویش که زمینه ها، تا کید میگرد. او در واقع با سخنان خویش که البته همسایه طور که ذکر شد منحصرا به مردم نیست بلکه در بین «ملفان» و مسائل تبلیغاتی حزب عمومیت دارد زمینه عملی انحلال سازمانها و گروههای کمونیستی و دمکرات مذهبی را فراهم میگرد. این در حالی است که بطور بسیار بی برده ای در همین سراسری دادگاهها و دادسراهای انقلاب - به تاریخ پنجشنبه ۲۵ مرداد - صورت انحلال سازمانها و کمونیستی و دمکرات بسیار ذکرنا متعدادی از آنها و از جمله مجاهدین خلق مطرح میشود. (۱) بیان و طرح این مسئله البته بهیچ وجه برای نیروهای راستین کمونیستی غیر منتظره و تعجب آور نیست. آنها میدانستند که با قدرت گیری بیشتر حزب جمهوری خط سرکوب نیز بروز بیشتری میابد. در نتیجه قتل از هر چیز این نیروهای کمونیستی و انقلابی هستند که مورد حملات کینه نورا نه و خدا نغلابی نیروای

خط سرکوب قرار میگیرند. با این حال این به معنای آن نبوده و نیست که نیروهای راستین کمونیستی دچار توهم شده و در مقابل خط سرکوب به دفاع از خط سرکوب و فراموشی آنها اقدام کرده و با این تصورنا درست و فاسد علمی که "لیبرالها" "لائنل حداقلا از آزادی رابسه مردم و نیروهای سیاسی خواهد داد و این خود با عصب رند بیشتر نیروهای انقلابی خواهند شد (نظیر مجاهدین) عملا بصورت بردباری برای "لیبرالها" "درآیند (مانند) مجاهدین) و با اینکه با تمسک به این نظریه رنجایی که حزب و با خطا ما همدا میریالست" است بدفاع از آن اقدام و در جهت منافع استنما رگرانه آنها کار گرفته شوند و بهیچاه میا رزه بالیبرالها" و امیریا لیمسه

"لیبرالها" میپردازد تا بر عزم خود از لیبرالسم آنها در صورت تفوق "لیبرالها" (بر حریف بهره ببرد. البته این بمعنای آن نیست که این دیدگاه و این بینش افشای همه جا به جناح حزب میپردازد و دوما هیت آنرا افشای نماید. بلکه آنچه که تا کنون واقع شده - که طبیعی نیز همین است - اینست که این دیدگاه عاجز از بی بردن به ما هیت جناح حزب و در نتیجه تا توان از انسانی انقلابی آن میباید. بهمین جهت افشاگری - های این بینش نسبت به حزب جمهوری اسلامی بسیار سطحی است و فقط ظاهر و نمودهای نا چیزی را می - بیند و هرگز قادر نیست که به ما هیت آن واقف شود و آنرا با یک دیدگاه انقلابی مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

گویا آنها (رهبری مجاهدین خلق) با خود پیمان بسته اند که هر قدر بیشتر مورد تهاجم و افترا واقع شوند، هر اندازه افزونتر مورد قتل و کشتار قرار بگیرند، هر چقدر و فراوانتر در چار ترضیقات و فشارهای ضد انقلابی بشوند، بیشتر و بیشتر به تمکین در مقابل ارتجاع روی آورند افزون و افزونتر به مظلوم نمایی و استغاثه به درگاه این جنایتکاران بپردازند.

علیرغم تأکیدات خود آیت الله خمینی و علیرغم اینکه او خود مجاهدین خلق را "مناقضین بدتر از کفار" و "عامل آمریکا" و "دزد" (حتی شهدای آنها را) و "فریبکار" و ... معرفی میکند ... رهبران مجاهدین خلق اصرار دارند آیت الله را از کل هیات حاکمه جدا کرده و او را بی اطلاع به امور نشان دهند و اسم این را نیز حرکت توده ای و توجه به ذهنیات توده ها! میگذارند!

(۱) - در همین سراسری دادگاهها و دادسراهای انقلاب در تاریخ ۲۵ مرداد بطالب مختلف و سایر اهمیتی از طرف حکام مروج بعنوان قوانین پیشنهادی به مجلس مطرح شده و در نتیجه از آنها راستنل از روز - تا سه جمهوری اسلامی مورخ ۲۶ مرداد در اینجا میآوریم. - سخنگوی گروه ۱۴ ناقضا کرده دست دادگاههای انقلاب در اقدام ضدین و محاربین بازرگانان رد نمود ... گروههای متصرف که همگی رودر روی انقلاب و سلام و اما ما بیستادادند، با بدکارهای اندیشمند، تعدادی از این گروهها شخصا ملحد و محاربین و حکم آنها مظلوم است اما آنها بی کودمائی ایدئولوژی اسلامی دارند و ظاهرا تنها مخالفت درستی اقدامات نشان میدهند نیز در حکم همان محاربین هستند و هر کس سنگ پیش راه انقلاب و اسلام با ندادن از این حکم خارج نیست

"بجز گروه ۱۴ گروهی که با بدکاران از ادوات و دستگاههای دولتی با کمازی شوند شرح زیرا اعلام کرد: ساواک و کتیا، و استگنا، بدریم سابق، عمسال صهیونیسم و استعمار، عمل نشا در مسئولین به فساد، حیف و میل کنندگان نسبت المال، بی ثباتی، کم کارها و بدبین کنندگان مردم نسبت به انقلاب، گروههای منحرف ضد انقلاب مثل اعمای سازمان مجاهدین خلق، سازمان چریکهای فدایی خلق، حزب توده، حزب کومله حزب دمکرات و با اواخر همه ما افرادی که در ادارات بنفع گروه خود با خط منی گروهی خود استخفا ده کنند ..."

ساده لوحی و کودنگانه نخواهد بود اگر این بیانات را صرفا پیشینها ذات بدون پیشوانه ای تلقی کنیم، زیرا دیری نخواهد پاید که شما این بیانات بصورت "قانون" درآید، اگر چه هم اکنون و بدون اینکه بصورت قانونی بخود بگیرد در عمل بیابا ده میشود.

کمک نیروی شما بنده فریادها تا اساسی به نیروهای فدا میریالستی واقعی وارد آورده است. در واقع نیروهای کمونیستی واقعی از فسادن بدام هر یک از دو جناح هیات حاکمه ارتجایی احتراز کرده و تمسکند، و از عقرب خطرناکی چون "لیبرالها" بیه دامین انسی حزب جمهوری اسلامی (و با بالعکس پناه نمی برند، بلکه آنها با آگاهی کامل به ماهیت استعمار - گرانه هر دو این جناحها و علم به اینکه این دو جناح اگر چه دارای تعارضات و تضادها بی با یکدیگر می باشند و در مورد چگونگی استقرار نظام و مفدا رسیم هر کدام در حاکمیت انسانی نظرنده رند لکن در مورد مهم و تعیین کننده ای چون بازسازی نظام سرمایه - داری و استنود جلوگیری از رشد انقلاب و سرکوب نیروهای انقلابی و خلفی وحدت ما هوی و استرا تریک دارند. لحظه ای از انسانی ماهیت ضد خلقی - خدا انقلابی هر دو جناح و فریه زدن به آنها غافل نمیشوند و بی شما متوا میکوشند از پس برده توهمات و تبلیغات سیاسی و مذهبی چه سره واقعی کل هیات حاکمه و تمامی جناحهای شریک در قدرت و خصوصاً دو جناح حزب جمهوری اسلامی و بنی صدر ("لیبرالها") را به توده های زحمتکش خلق شما نشانند و آنها را در جهت شکل و کسب قدرت سیاسی بهره گیری طیف کارگر رهمنون شوند. اما در مقابل این برخورد اصولی و کمونیستی دودیدنگا دیگری وجود دارد که هرگاه نوعی در خدمت بورژوازی قرار میگیرد. یکی دیدگاه دفاع از جناح حزب و بنیادین آن است که سردمداران رویزیونیستی یا خائن حزب توده می باشند و دیگری است که رویزیونیستهای نوپای فدا ثبات (انگریست) نیز در این خط قرار گرفته اند. در طیف نیروهای مذهبی نیز جنبش مسلمانان میا رزه بالیدگاه فوق الذکر عمل میکنند یعنی دفاع از خط امام (تقریبا همان خط حزب) در مقابل خط "لیبرالها"، دیگری دیدگاهی است که جناح حزب را ارتجاع مینامد و در سراسر آن به تقویت

با رزترین و مهمترین نیروی که دارای چنین دید و تحلیلی میباید شما تا زمان مجاهدین خلق است و در این نوسنه هم قدمها برداشتن به سیاست ایمن سازمان، یعنی دیدگاه دوم است. مجاهدین علیرغم برخورد های زیاد و بیابایی نیروهای مارکسیستی و از جمله - و مخصوصاً ما نسبت به ما هیت دو جناح شریک در هیات حاکمه و بنیادین و مضمون فرمیستی و سازشکار - انه نگرش آنها بدین دو جناح و افشای این نگرش و مهمتر از آن علیرغم شکست و تحلیل های شان که واقعات روزمره زندگی و عملکرد دو جناح رژیم آنرا بطرز بی چون و چواری به ثبوت میرساند، همچنان سخت سزاسه و بنحوی غیرا انقلابی و بیور تونیستی بر تا کتیک سازشکارانه و فرمیستی خود با میخشد و هنوز از "ظالم" جناح حزب بدامن بنی صدر عوام فریب بنا مسپرد و با بسیار بدتیر و ناسف آ ورتسر از آن بدرگاه سردمداران خود حزب روی آورده از آنها دادخواهی میکنند. گویا رهبران مجاهدین تصمیم گرفته اند تا آخرین نفس و تا لحظه پایانی در مقابل تقیات سر بیخت زمینی و در برابر حرکت روبروشد و تکاملی جامعه خود را لافید نشان دهند و شما هم مثل موجود در جامعه را نا دیده نگارند، و چشم و گوش خود را بر کلیه سیاستها و عملکردهای رژیم جمهوری اسلامی از یک طرف و نیروهای انقلاب از طرف دیگر ببندند، گویا آنها با خود پیمان بسته اند که هر قدر بیشتر مورد تهاجم و افترا واقع شوند، هر اندازه افزونتر مورد قتل و کشتار قرار بگیرند، هر چقدر که فراوانتر دچار تشیقات و فشارهای فدا انقلابی بشوند، بیشتر و بیشتر به تمکین در مقابل ارتجاع روی آورند! افزون و افزونتر به مظلوم نمایی و استغاثه بدرگاه این جنایتکاران بپردازند! عمیبا نیت احتیالی رهبران مجاهدین خلق در مقابل این بیانات ما بهیچ روتوجهیگر

بقیه در صفحه ۱۲

زمانیکه کمونیستها مدنی مزدور را بیرحمانه افشا میگردند، حزب جمهوری اسلامی و لیبرالها و رویزیونیستها از او بدریغ حمایت میگردند

پیکار

بقیه از صفحه ۱

بیکارگران...

سحرگاه ۱۳ه مرداد ۵۹ حدود ساعت ۵ صبح، محله سرخاب تبریز، شاهدیک از جنایات هولناک عوامل مسلح رژیم جمهوری اسلامی بود. دورنق بیکارگر، مسعود صالحی را، دانشجوی ۴ سال پزشکی تبریز و طیب نجم الدینی، دانشجوی ۳ سال پزشکی تبریز، از اعضای دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر (تبریز) هنگام میکسه اعلامیه های سازمان را بدست آورده های زحمتکش این محله میرساندند، توسط گشتی های "کمیته زرسی" و "سپاه پاسداران" تبریز دستگیر میشوند. دوساعت بعد یعنی ساعت ۷ صبح چوپانی جسد و جوان را در نزدیکی جاده هرب تبریز (کیلومتر ۳ تبریز) می یابد، در خالی که ردی یک ماشین استیشن یا جیب یعنی از نوع همان ماشینهای مورد استفاده کمیته با زرسی و سپاه پاسداران در کنار رجسد و شهید دیده میشود! چوپان به اهالی ده نزدیک خبر میدهد و اهالی ده به زندان ارمی... و ۳ روز بعد این یاران وفادار زحمتکش را پس از انجام تشریفات به اصطلاح قانونی در گورستان "وادی رحمت" تبریز به خاک سپرده میشوند و در دفتر گورستان نوشته میشود: چنانچه مجهول الهویه!... و ما موفق می شویم پس از جستجوی بسیار آنجا امروز جمعه ۲۴ مرداد ۵۹ه زکم و کیف این جنایت هولناک آگاهی می یابیم. آری اینچنین ۲ تن دیگر از فرزندان انقلابی خلق، در بیکارگر کمونیست بدست ما مورین کمیته و پاسداران ارتجاع به شهادت میرسند. و این چنین ۲ تن دیگر از رفقای ما با همان روش شناخته شده ترور - بستی - فاشیستی سر به نیست میکنند. روشی که از مدت ها پیش در مورد انقلابیون کمونیست و دیگر نیرو - های انقلابی و مترقی بکار می رود، روشی که با ملاحظه حزب جمهوری اسلامی در سپاه پاسداران و کمیته ها طراحی و به اجرا گذاشته میشود. همچنانکه هموطنان مبارز ما اطلاع دارند ارتجاع با این روش و تاکتیک جنایتکارانه و فاشیستی تا بحال بسیاری از فرزندان انقلابی خلق را ترور کرده است. رفیق بیکارگرنا صر توفیقیا در اصفهان، چهار رهبر خلق ترکمن، رفقای فدائی، توماچ، مختموم، جرجانی واحدی، کارگرما همدانا صر محدودی... و بسیاری از رفقا و میا ز زمین دیگر همه و همه با همین شیوه فاشیستی و جنایتکارانه به شهادت رسیده اند.

در این میان بنی صدور دیگر لیبرالها ظاهرا خود را مخالف این روش نشان میدهند، اما آیا بنی صدر که بعنوان فرمانده کل قوا، مسئولیت تمامی جنایات ارتش فاشیستی و پاسداران ارتجاع را در گردن و غیره به عهده اند! رد میخوانند خود را تبرئه نماید؟ آیا کسی که در مورد ۴ رهبر خلق ترکمن آنگاه اعلام کرده که "بنظر من نیز آنها با بدعا میباشند و دولتی ندیده این صورت! اما ما میتوانیم مخالف سرکوب انقلابیون باشم؟ هرگز! فقط در این میان مورد در اینجا و آنجا در نوع و در شکل کشتار و سرکوب با دیگران مخالفتی با دارند و گرنه در هدف بهمان گونه که خود نیز گفته است با "حزب جمهوری اسلامی" و سازمانها و ارگانهای مسلح تحت نفوذ آن نظیر کمیته ها و سپاه پاسداران اختلافی ندارند و "میتاق وحدت بسته است".

به همین دلیل ما این قبیل جنایات را نه کار با اصطلاح "بانه های سپاه" و نه کار با اصطلاح "جناح بد" میات تا کما به مشابه شیوه ای میداند نیم که بطور یکپارچه و سراسری در "کمیته ها" و "سپاه پاسداران" و کمیته

"مبارزه با سازمانهای سیاسی" که وابسته به حزب جمهوری اسلامی است (بیکار ۶۲) طراحی و توسط آنان و دیگر مزدوران نشان به مرحله اجرا گذارده میشود. ما این را سیاسی میدانیم که ارتش فاشیستی از آن در اشکال دیگری در گردن است استفاده میکند، و بنا بر این معتقدیم که هرگونه تحلیل دیگری از قضا یا کسه بختی از رژیم را تبرئه نماید و یا این جنایات را به ارگانهای با اصطلاح "غیر مسئول" نسبت دهد، آنگاه ناه و آنگاه ناه عملا بر جناحیات رژیم جمهوری اسلامی برده می اندازد، و در تبرئه جنایات آنها تلاش میکند. نیرو - های که با یورونیست و این تصور ادیبین هواداران خود ایجا میکنند که بنی صدرا سا مآلف این روشها است گوئی نمیتوانند نگاه به گردن نشان بیا نندازند تا حقایق کوبنده را غریبان و آشکارا ببینند...

هموطنان مبارز!

اکنون که دو تن دیگر از فرزندان انقلابی خلق به جرم عشق به زحمتکش و بجرم بخش اعلامیه و آگاه کردن خلق قربانی چنین توطئه های رژیم فاشیستی گردیدند با زهم بیشتر معلوم میگردد که ارتجاع تا چند روز آنگاه می توده ها هراس دارد. براساسی ما در این اعلامیه چه می نویسیم که اینچنین مدعیان "عدالت" اسلامی را بر سر آشفته می سازد؟ ما در این ورقه های آگاهی بخش چه میگوئیم که اینچنین سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را به هراس انداخته است؟ آیا ما جز حقیقت را میگوئیم آیا ما جز در ملاح خلق حرف میزنیم؟...

هموطنان مبارز!

به برکت اعلامیه ها و نشریات آگاهی بخش که از سوی کمونیست ها و نیروهای انقلابی بوده است که امروز توده های بسیاری از بند توهم نسبت به مدعیان دروغین رژیم جمهوری اسلامی بیرون آمده اند تجربه آنها نیز حقا نیست ما را ست گوئی ما و عدم حقایقت رژیم و دروغ گوئی و فریبکاری آن را ثابت کرده است... و این است دلیل ددمنشی ارتجاع علیه انقلابیون! آنان از آنگاه می توده ها آنچنان هراس دارند که خانه های مرتجع اما جمعه تهران، در نماز جمعه می گوید در آنده ها کسی می توده ها که شایع پخش میکنند در با یدما زات کرد! (بدین ترتیب اوقیل از هر چیز ترس خود و رژیم را در رسیدن اخبار انقلابی به گوش مردم نشان میدهد)...

اما ما با تمام قوا در آگاهی خلق، با زهم بیشتر خواهیم کوشید، نه دستگیری و نه شکنجه و نه اعدا موتور هیچ ما را از وظایف انقلابی خود بازنخواهد داشت رژیم ما دشمن نیز بنی رتلاش کرده که سازمانهای انقلابی را از حرکت با زدن دولتی نتوانست و انقلابیون با فداکاری تمام، شب نامها و اعلامیه ها را بدست خلق رساندند، و اینک که انقلاب لشکری از فرزندان خلق و جوانان کارگرو زحمتکش و روشنفکران تربیت کرده است، ارتجاع تنها چند صد چریک بلکه با صدها هزار نفر از زحمتکش و روشنفکران و جوانان انقلابی ما طرف می - با شده که شبکه پخش اعلامیه ها و نشریات انقلابی را سازمان میدهد! و آنها را علیرغم هرگونه ندرسری و گاه به قیمت جان نشان بدست خلق میرسانند، آری انقلاب از مسعود صالحی را و طیب نجم الدینی ها که علیرغم کمی نشان، از سال ۵۵ و ۵۶ به بعد علیه رژیم شمشاد متحدانه بیکار کرده اند، در قریا مفا لانه شرکت نموده - اند در دستگیری آمریکای واک (رشت) و در کنار توده ها نبرد کرده اند صدها و صدها هزار پرورنده است و جوشش

بقیه از صفحه ۱۶

گزارشی...

ضرب و شتم نیروهای انقلابی و محکوم کردنشان در دادگاههای فرمایشی بسنده میگردند، امروز بسا نزدیک دیدن لحظه مرگشان به شیوه ترور دست میزنند و سعی میکنند با ایجا دجوارعاب و خفان فاشیستی جلو حرکات ما را بگیرند. اما چه باک، ما که با توده ها، کارگران، زحمتکش و با شهیدانمان میثاق بسته ایم که برای بدست آوردن پیروزی نهائی و استقرار جمهوری دمکراتیک خلق از هیچ کوششی فروگذار نکنیم طبیعی است که هذیانها و حرکات محتفرا نه رژیم و پاسداران نش نمیتوانند ما نعی در جلو حرکت ما با شوما با ردیگر به خون سرخ رفقای شهید مسعود صالحی را و طیب نجم الدینی که بوی رژیم قهرمانانه کمونیستها را میدهد، به یاد آریشان که از زمان زحمتکش ما به گرفته است سوگند میخوریم که راه پرافتخارشان را تا کسب پیروزی نهائی دنبال می کنیم. ما ضمن ارج نهادن به خاطر رفقای شهید مسعود صالحی را و طیب نجم الدینی که چنین فرزندان مبارزی را دا من خود پرورد و به پیشگاه خلق و انقلاب اهدا کرد با قلبی سرشار از اندوه و کینه نسبت به دشمنان انقلاب با خانواده های این رفقا ابراز همدردی مینماییم و با ردیگر تعهد خود را در پیگیری راه رفقا یادآور می شویم. سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر - کمیته آزادیگان - ۵۹/۵/۲۷ این مراسم در ساعت ۷/۵ بعد از ظهر با شعارهای در محکوم کردن عاملان این جنایت بیا ن رسید.

مراسم بزرگداشت یاد رفیق شهید مسعود صالحی را در در رشت

بمناسبت ترور وحشیانه و فاشیستی رفیق شهید مسعود صالحی را (اهل رشت) از طرف هواداران و دوست - داران آن رفیق یک راهیما شی در رشت ترتیب یافت. این راهیما شی در ساعت ۱۶/۴۵ از ابتدای خیابان طالقانی شروع و راهیما یان بطرف منزل رفیق حرکت کردند، در این راهیما شی با شعارها شی نظیر "در بر رفیق شهید صالحی" و "درد بزرگ رفیق شهید صالحی که بدست پاسداران شهید شد" و... ظاهر رفیق زنده گشت در جلورا هیما یان عکس رفیق همراه با دسته گلی صفا و مصیبت و وفاداری رفیق را به زحمتکش نشان داد عسی میکرد. راهیما یان پس از رسیدن به منزل رفیق در حیاط خانه ای را گرامی داشتند. در اینجا پیام کمیته آزادیگان و حوزه گیلان و دانشجویان و دانش آموزان هوادار در گیلان به خانواده رفیق قرائت شد و مراسم با شکوه تمام مدرا لیکه پاسداران کوشش بی - نتیجه ای برای برهم زدن مراسم عمل آورده بودند در ساعت ۷/۵ با یان یافت. البته طبق معمول ۱۲-۱۰ نفر از خانواده ها و وابشان حزب جمهوری اسلامی نیز تصدیر هم زدن مراسم را داشتند که موفق نشدند.

انقلابی جا همه ما با زهم بیشتر از آنها خوا هد پروراند، و از خون مسعودها و طیب ها هزاران مسعود و طیب پیدا خواهند شد و سرانجام مسیل خروشان خلق نظم سرما به نظم برتری طبقه ای ملی را برهم خوا هد ریخت! و انقلاب تا تمام مخلصها یمان را به سرانجام خوا هد رساند!

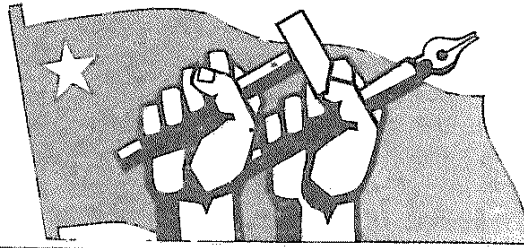
مرکز بر جلادان فرزندان انقلابی خلق!

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و حامیان داخلی او!

زنده باد پیکار پر خروش توده ها!

پیکار

هنر مقاومت هنر پرولتری



نگاهی ستازده به شعر انقلاب مشروطیت:

آئینه زنده هنر برابر توفان انقلاب (۲)

آستانه انقلاب:

ما را با انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی مشروطیت، در شرایطی نواخته شده که جنبش دمکراتیک و خلقهای آسیا در اواخر قرن نوزدهم، برای رهایی از قید و بند پوسیده آنها رفشودا لیسوم و سلطه امپریالیسم که از ارتجاع داخلی و بسته به خود حمایت میکرد، به سرعت نشوونما می یافت.

کیفیت عاظمی و درونی نیروهای جامعه، بر زمینه موقعیت طبقات گوناگون در این شرایط عینی مشخص بود که بروز پیدا میکرد. احساسات کین و نفرت، امید و آرزوهای، باس و تزلزل و... آنها بیجا چیزی جز انعکاس پیچیده موقعیت مشخص طبقات نمیتوانست باشد. شعر که بیانگر کیفیت روحی، آگاهی های حسی و امیال طبقاتی در شکل ویژه ای از اشکال هنری است در چنین اوضاعی بدل به آئینه ای میگشت که تلاطم درونی طبقات را به اشکال زنده ترین صورت ممکن، بازمی گفتم. این موقعیت عینی مشخص چه بود که با زبان آن در ذهن شاعران گوناگون که نمایندگان هنری طبقات مختلف بودند، اطلی ترین یا به آفرینش آنان را تشکیل میداد؟ ضروری است بطور فشرده مروری بر آن بنمائیم: در این دوران زندگی میلیونها زحمتکش که اکثریت آنان را دهقانان در کل به عنوان نیرووشی اساسی تشکیل میدادند در شرایط فقر و فلاکت، قحطی و گرسنگی، زیر یوغ ستم و وحشیانه قرون وسطا ایستادند و اشراف، درباریان و فئودالها و کلا ارتجاع داخلی و بسته سیری میشد و جریانی یافتن محدود در سرمایه امپریالیستی در بنیادها معروض و وسیع امپریالیسم تا شیرشد و مرکزها را خود را بر تشدید این فقر و فلاکت باقی می نهاد، اقلیت ناچیزی که بر شمرده شد تسلط شوم خویش را در جامعه ای نیمه فئودال - نیمه مستعمره بوسیله قدرت مطلقه و استبدادی دولت بر توده های ستم کش تحمیل میکردند، نفوذ سرمایه امپریالیستی در آن دوران برخلاف رشد خود بوی سرمایه داران، طبق مقتضیات خود، نه تنها با این نظم مرتجعانه به مخالفت بر نمی خاست بلکه با آن سازش و برای جلوگیری از رشد خود بوی سرمایه صنعتی آن را تقویت می نمود. و سبب افزودن اشکال جدیدی از ستم بر انواع ستمهای پیشین میگشت که عمیقا بر محتوای خواستهای دمکراتیک توده ها اثر می نهاد. تشدید ستمگری ملی نبود کردن استقلال، به قید در آوردن خلقهای تحت ستم در

همه بعدا در اقتصاد و سیاسی به نفع رشد و تکامل کشور - های امپریالیستی و... پیش ازین ادا میزندگی به شیوه سابق را برای طبقات خلق ناممکن میساخت و زمینه بیداری و تشدید مبارزات دمکراتیک را فراهم میکرد و جنبشهای مقاومت جویا نه توده ای و ضد استعاری را گسترش میداد و توده ها را علیه رکود قرون وسطایی یک دوران تاریخی برمی انگیزت. و در همین جاست که ما به خصوصیت متمایز این جنبش با مبارزاتی که درون جامعه ای با مناسبات روبرو و اوال فئودالی همیای رشد

مبارزات انقلابی و احساسات کینه جویا نه طبقات خلق و حتی بورژوازی ملی در آن زمان قرار نمیگرفت اگر طوطی وار به این بسنده نمائیم که نفوذ سرمایه داران - با لیستی و رشد آن بخشی از سرمایه و امتیازات و انحصارات سرمایه داران که به نیا زهای امپریالیسم می - داد، بهر حال نفوذ سرمایه داران و بی جا معه ای نفرت بود، اگر ما سطحی انگارانه به سیم تلگراف، خط آهن نقش سرمایه مالی امپریالیسم و در پیوندی با آن به موجودیت آن بخش از سرمایه بزرگ تجاری که در پیوندی با امپریالیسم قرار میگرفت و بی تک موجب بیداری نوعی از مناسبات سرمایه داران در میشت چشم دوریم اما به جنبه دیگر این پدیده ها از لحاظ پاسخ به نیا زهای امپریالیسمی توجه با نیا زهای نظرگاه - روانه و دوگانه تیک و با استدلال ارسطویی الف الف است و سرمایه، سرمایه است. قضا یا راحل و فصل نامیم نتیجه ناگزیر این خواهد بود که مقامی را که در واقعیت از سوی توده ها در برابر این جریان بروز می نمود در جنبه ذهنی فعلی لیسانس انعکاس می یافت، بمنظور مقاومت سرمایه کوچک در برابر سرمایه بزرگ در شرایط رشد کلاسیک سرمایه داران، مقامی ارتجاعی قلمداد نمائیم و در پیینه هنر، جنبه اشکال را انقلابی احساسات مقاومت جویا نه طبقات خلق را نسبت به آن نفی کنیم.

بخش بزرگی از اشعار مقاومت جویا نه دوران مشروطه مشعور است از بیان نفرت و کینه علیه سلطه امپریالیسم و نقش اسارت بار نفوذ سرمایه امپریالیستی و... و نسبت به میوه چینان انقلاب و کوشندگان با سرجانی مناسبات پوسیده کهنه.

به این ترتیب مقدمتاً در شناخت حقیقی شرایط عینی آن دوران باید چند مسئله اساسی را مورد نظر قرار داد. اول آنکه سلطه امپریالیسم و نفوذ سرمایه امپریالیستی در اشکال مختلف و گرفتن امتیازات و به انحصار در آوردن رشته های تولید و فعالیت در این زمینه ها... درون مناسبات نیمه فئودال - نیمه مستعمره جریانی ارتجاعی بود که موجب برانگیختن احساسات استقلال طلبانه توده ها میگشت. این جریان در یک دوره نسبتاً طولانی گذار به غلبه سرمایه داران و بسته کسه عمیقا متناسب با نیا زهای امپریالیسم است نه تنها با مناسبات ارتجاعی و قرون وسطایی درون جامعه از در تمام دیرنیا مدیله که با آن سازش کرد و در برابر رشد خود بوی سرمایه صنعتی در داخل، به تقویت آن پرداخت و موجبات سخت جانی اش را فراهم آورد.

دوم آنکه نقش آن بخش از سرمایه تجاری را که به تدریج به سرمایه امپریالیستی بدل گردید - مترادف با نقش سرمایه جهانی دانستن، بیانگر نهایت درک محدود و خشک اندیشی است. دقیقاً با این توجه کرد این سرمایه جیات خود را مدیون نقش انگلی خود قرار گرفتن در چرخه جوب مقتضیات رشد و تکامل سرمایه امپریالیستی و شرکت کارگزاران در بهره ورتشکستی کساندن سرمایه داران داخلی است. این ورتشکستی به این صورت اتفاق نیفتاد که همچون اشکال کلاسیک، سرمایه های تمرکز یافته و بزرگ که در جریان رشد خود بخود سرمایه پدید آمدند و بوند و بوندی نگر درجه عالی رشد سرمایه داران جامعه محسوب میشدند، سرمایه های کوچک - ترا ببلند و به این ترتیب نیرومندی شان محمول

کلاسیک سرمایه داران صورت میگرفت. بی می بریم. این مبارزات بطور همبسته، با زیر ضربات انقلابی قرار دادند نظام مکهن علیه سلطه امپریالیسم و نفوذ سرمایه بگا نه و امتیازات انحصاری امپریالیستی در مانع گرفت. لیکن چنین حقیقی هیچگاه به معنی مخالفت ارتجاعی با سرمایه داران نبود. آن دیدگاه "چپ" و ذهنی اشکال را که در این شناخت کیفیت متمایز رشد مناسبات سرمایه داران تحت مقتضیات امپریالیسم و رشد خود بوی سرمایه داران نیست هیچگاه در دوره توضیح انقلابی این مبارزات نخواهد بود. بدون در نظر گرفتن این حقیقت اساسی، هرگز قادر نخواهیم بود بطور مشخص و جزئی به تحلیل همه پدیده های مادی و معنوی متنوع آن دوران بپردازیم و نتیجه بطور عجز آمیزی گرفتار درکی شدید اندما و رکبستی و فاقد هرگونه ارزش عینی خواهیم شد. درک این تمایزات نقطه نظر فیه و اقلیتی و مشخص موقعیت طبقات و انعکاس آن در ذهنیت طبقات مختلف برای ما اهمیت غیر قابل چشم پوشی دارد. ما در شعر مشروطه که در خود جنبه های اشکالی طبقاتی را منعکس میسازد عمیقا متوجه تاثیر این واقعیات در کیفیت مبارزات توده ها میشویم. در واقع بخش بزرگی از اشعار مقاومت جویا نه دوران مشروطه مشعور است از بیان نفرت و کینه علیه سلطه امپریالیسم و نقش اسارت بار نفوذ سرمایه امپریالیستی و... و نسبت به میوه چینان انقلاب و کوشندگان با سرجانی مناسبات پوسیده کهنه. در حالیکه اگر این سرمایه نقش مترقیانه اندای میداشت، یعنی همان نقشی که رشد خود بوی سرمایه صنعتی... علیه مناسبات ارتجاعی قرون وسطایی ایفا نمود، هیچگاه با بنگونه در زیر میهمی

مشکل زحمتکشان گرانی، گرانی، سرمایه دار و تاجر عوامل گرانی

دست ارتجاع از مراکز آموزشی کوتاه!

و ششم قرار گرفتند (روزنامه مباد ۵۸/۸/۲۹). در چهاردهم بهمن ماه سال گذشته حملات سازمان یافته و سازمان یافته و چاقو داران حزب جمهوری به مدارس و مراکز آموزشی آنها و بند "آ" گذشته در جریان آن یک معلم مبارز به زندان افکنده شد. در همین تاریخ ۱۵ نفر از آموزگاران "قصر شیرین" دستگیر شدند که منجر به استفساریت در دست نفع از معلمان شهر به پشتیبانی از فرد دستگیر شده گردید. با زهد در همین ماه و در شب اول حمله ای که از طرف جانشینان و سایر اربابان به مدارس و مراکز "صورت گرفت، ۶۰۰ تن از معلمان دست به اعتصاب زدند (نشریه شماره ۱۲۴ کاغذ مستقل) در ۲۱ بهمن ماه سال گذشته یک نفر از آموزگاران شهر ازک به اتهام فعالیت های خلاف دین "آموزش و پرورش" اخراج گردید (خبرنامه شماره ۱۱ کاغذ مستقل) در "آموزش و پرورش" استفساریت که به تبعید یکی از همکاران خود معترض بودند اخراج شدند (کیهان ۵۸/۱۲/۲). ذکر نمونه های فوق که تنها گذشته سیار کوچکی از وضعیت آنچه که در حیطه آموزش و پرورش گذشته است می باشد. برای ادای حق مطلب کافی است رژیم با استفاده از سوسانیت تحت عنوان "معلمان پرورش و مورثیت" و فرستادن آنها به مدارس این محیط های آموزش را بشدت کنترل میکند. هیات ها که تحت نظر معلمان و دانش آموزان مبارز آموزشگاهها مجبور به اخراج و تفتیش عناصر و اکی و غیره شده، همین معلمان مبارزان نیز دستگیر شده و با زینت میگردند و برای بی اعتبار کردن آنها، بیشتر مانده نامشان را در ردیف همان ساواکها اعلام میدارند. جالب اینکه حکام اخراج و بازنشستگی اجباری بسیاری از معلمان مبارزان با واکتی بنام "طالقا - نی" مفا کرده است! ایشان تحت توجهات رژیم جمهوری اسلامی سمت رسیدگی به اعترافات اخراج شدگان را در اداره کل آموزش و پرورش استان به عهده دارند و جالب است اینکه مقامات آموزش و پرورش اخیرا پی بسته ساواکی بودن ایشان برده اند!

رژیم جمهوری اسلامی مدت ها است که در ادا سیاست سرکوبگرانه و ضد مکرانیک خود، آموزش و پرورش را نیز به عرصه مداخلت و تاخودیدل ساخته است. از آنجا که هیات ها که از آنجا می توده ها همچون جن ازبسم الله و حجت دارد، تمامی کانون های آگاه های بخش را هدف حمله قرار داده است و در مدتهاست که فرهنگ تاریک - خانه قرون وسطی را بر جای معده متحول ایران مسلط سازد. از اینرو که ملا قابل پیش بینی بود که بدستال تونیف روزنامه ها و نشریات مترقی و بیستن مسئول وار دانشگاها، دبیرستانها و مدارس را نیز مضمون از تعرض نگذارند. عملگر در رژیم مورد آموزش و پرورش همچون دیگر زمینه ها، کارنا مهیا می است مملو از جنایت و کشتار، سرکوب و خفقان که ذکر نمونه ها می چندکافی است تا ما هیات سرکوبگرانه و ضد انسانی رژیم را بیلا نماید جلوگیری از فعالیت سیاسی دانش آموزان و آموزگاران انقلابی به منظور هموار نمودن راه مصلحت فرهنگ ارتجاعی، تبعید، اخراج و گناه اعدا معلمان آگاه و مبارز همچون حسین سلطانی، گرجی بیانی، عبدالله قزل حالی زاده و... همه و همه در خدمت تشبیت رژیم ضد مردمی و ضد مکرانیک جمهوری اسلامی بکار گرفته میشود.

تنها در یک مورد در سال گذشته ۳۶ تن از معلمان مبارز "سدر عباس" اخراج یا زندانی شدند و همچنین عده ای از دانش آموزان این شهر بجرم عقیده مورد ضرب



نگاه سرما به داری در یک مرحله از حیات و رشد آن به حساب آید. برعکس سرما به داری در نتیجه انحصار اعتبارات مالی توسط بانکهای خارجی، عملگر در شبکه های بانکی کدامتیا ز آن در اختیار امیربالیستها قرار داشت. صدور محصولات امیربالیستی که دنیا ز رشد سرما به داری امیربالیستی را بیان می نمود از بیرون به ورشکستگی کشیده می شدند و ورشکستگی شان هیچ ارتباطی به رشد خود بی سرما به داری نداشت. همچنان که در حیات سرما به داری که او بسته به سرما به داری امیربالیستی می شد، به معنی نگاه مالی و خود بی سرما به داری نبود. تمام سنا دوازده دوران مشروطه به تنها این حقایق را تا نمی کند بلکه همچنان بیانگر اقدامات سرکوبگرانه و آنگاه انگلیس و روسیه علیه سرما به داری است. در واقع دستگا حاکم فئودالی قاجار، با دست و دلبازی برای ادا معیشت خود زمینه مناسب را برای تاخوت و تاخوت امیربالیستی فراهم می آورد. ادان امتیازات اسارت با اقتصاد و سیاسی و... کمبود در دست در اختیار و مقتضیات سرما به داری امیربالیستی قرار دارد. به همین دلیل است که در آن دوران در کنار مبارزان توده ها ما شاهدیم با زرگانان داخلی علیه نفوذ روزافزون امیربالیستی هستیم. هر چند که ضعف و ناتوانی شان اجازه مبارزه ای بیگیر را به شان نمیداد و بویژه مشاهده میکنیم که چگونه میگردند خواسته های دموکراتیک توده ها را تا سطح درخواستهای نازل خود به عقب رانند و به فراموشی املاح طلبانه استبداد فئودالی قاجار که تنها بیانگر فاشیسم و رزوات توده ها و اعتدای انقلابی بود، بدل شدند.

بیرحال هر درک انحرافی در مورد شرایط عینی آن دوران، عملا تا خیر منتهی خود را در شناخت صحیح بدیده های ذهنی دوران مشروطیت و در اینجا هنر جایی می نهد. همانکه توجه یکجا نبه به مسئله رشد نیروهای مولود عدم توجه عمیق به عوامل بیجده ای که موانع اساسی بین طبقات تعیین میکنند میباید که موانع موقعیت واقعی طبقات گوناگون را در صف بندی بین نیروهای انقلاب و ضد انقلاب و نیروهای متزلزل درک نکنیم.

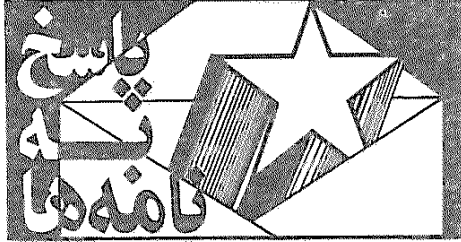
اکنون بطور فشرده میباید موقعیت طبقات را در شرایط عینی و مشخص دوران انقلاب مشروطیت چنین ترسیم کنیم. وجود روابط تا به آخر کشیده فئودالی در هم آمیخته با سلطه امیربالیسم، تحمل فلاکت و سترا برای توده های زحمتکش ناممکن میساخت. سعی در قبضه کردن مواضع کلیدی بوسیله امیربالیسم فرمان - روانی سرما به داری امیربالیستی در شهر و جریان یا فتن در تولید و با نتولید اجتماعی و مقتضیات امیربالیسم برای تولید محصولات مورد نیاز از رجا نی در بخش کشاورزی و... از یک طرف و عدم توانایی تولید فکری - دالی در پاسخ به نیازهای مادی جامعه سبب میشد که کل دهقانان بمانند به نیروی اساسی تولید کننده جامعه که در روستاها در حال وابستگی به زمین نگاهداشته شده بودند، قادر به تولید آنچه که خود نیاز داشتند نبودند. نیا شدند در نتیجه بر اثر حیطه آزادی درمی آمدند - آنگاه که دسته به دسته شهرها جرت میکردند، بسا فلاکتی در جندان روبرو میشدند، ورشکستگی صنعتگران و خرابی شهرها و زندگی برادبا زحمتکشان شهر، آنان

بقیه در صفحه ۱۵

شد. بخش دیگر که از مبارزان محلی تشکیل شده بود، تحت فشار امیربالیسم فئودالیسم قرار داشت. این بخش از بورژوازی که علیه ستمگری ملی و انقیاد اقتصادی و سیاسی موضع داشت اگر چه دارای خواسته های ترقی خواهانه بود لیکن موقعیت طبقاتی استثمارگرانه و وحدت مبارزه انقلابی، او را بسختی دچار متزلزل می نمود. در این شرایط عینی و با توجه به تاثیرات انقلاب ۱۹۰۵ روسیه و تاثیرات شیرینی که فئودالیسمها ی جدید جامعه سرما به داری، چاپ، انتشار روزنامه و... بر آنها آگاهی توده ها می نهاد، دریای خلق را آماده تلاطم می نمود و طبقات گوناگون با خواسته های طبقاتی خود به پیشوا از انقلاب می رفتند اما در انتهای فئودالیسمها اشرف و بورژوازی مترجم بودند که سکان انقلاب را به دست گرفتند و به گرداب شکست کشانند. برای این پایه است که خواسته های انقلاب با ما هیتی بورژوازی، لیکن دمکراتیک و ضد امیربالیستی، در نهایت انتاب پیدا میکند. ادا مدها رد.

رابه انبوه بیکاران می پیوست و بصورت خیل عظیم فلاکت زده نیمه پرولتاریا تا متشکل درمی آورد و بر خلاف رشد کلاسیک سرما به داری در اینجا نه با رشد منابع که بخش وسیعی از آنها را بخود جذب کند و بصورت پرولتاریا متشکل درآورد، بلکه با ورشکستگی منابع روبرو میشدند، خواستنا بودی همه تا رفتند لیسم و قطع سلطه امیربالیسم و دیگر خواسته های دمکراتیک زمینه تا حد طبیعی پرولتاریا، نیمه پرولتاریا و نیروی اساسی دهقانی را فراهم می آورد و جنبش شرایطی کل زحمتکشان و حتی طبقات استثمارگر، اما ضد امیربالیست و مخالف نظم ارتجاعی و کهنه ها که مبارزه انقلاب جلب مینمود. بورژوازی عمدتا از مبارزان و زحمتکشان گوناگون تشکیل شده بود، آن بخش از بورژوازی تجاری که در ارتباط با سرمایه های امیربالیستی بود بنا به موقعیت خود به مخالف سلطه امیربالیسم، به مخالف جدی فئودالیسم و برعکس توده ها نه خواستارنا بودی روبنای ارتجاعی جامعه شمرده می -

درد بر تمامی شهدای بخون خفته جنبش دانشجویان انقلابی



پایان نامه ها

رفیق م - و (سربا وظیفه) نام مورخه ۵۹/۵/۲۴ رسیده زاینکه ما را در جریان مسائل درونی پادگان گذاشته ای متشکریم، خوب بودا ما می کودتا چی های دستگیر شده زاین پادگان و رفتن روسخنان قبیل از دستگیری آنها را نیز بر ایمان می نوشتی، همانطور که خودت نیز متذکر شده ای کار سیاسی - تشکیلاتی در بین سربا زان و نظا میان مستعدا را پیدا ز طریق هسته های مخفی به پیش برد و در این مورد سعی کن با سازمان ارتباط تشکیلاتی برقرار کرده و رهنمود بگیر، در مورد سئوالی که کرده ای، در مورد سئوال اول: هم از طریق سازمان رونیسی بر دیوارهای پادگان و هم از طریق اعلامیه - های افشاگرا نه در راه مطبعا موضوعات داخل پادگان می توان افشاگری کرد در ضمن میتوان از مقالات و مطالبی که قبلا در پیکار راجع به فرماندهان ارتش نظیر خودچمران، قلاچی، مدنی ویا قری و... آمده است استفاده کرد (تکثیر شما می قسمتی از این مقالات و بخش آنها در پادگان ...) در مورد افرادی چون مدنی که در ارتش نیز با پیدا رند با بدیده سربا زان و درجه داران نشان داد که چه ما هیتی دار و دوتا بحال در مسورد او کمونیستها چه می گفتند و در هیران جمهوری اسلامی که اکنون با او اختلاف پیدا کرده اند، چگونه از وی حمایت میکردند... همچنین تکثیر و بخش اخبار و تحلیلهای شما از کردستان که در راه مطبعا جنایات ارتش در آنجا در پیکار می آید از نظر تبلیغی بسیار ضروری است.

در مورد اینکه افشاگریها با نام سازمان صورت گیرد یا نه، باید گفت مطالب افشاگرانه ای که راجع به خود پادگان است لازم نیست با اسم سازمان باشد و بهتر است در ابتدا با یک امضای مناسب منتشر شود. اما همانطور که گفتیم مقالاتی که از پیکار نقل و تکثیر و بخش میگردند، طبیعا به اسم سازمان (به نقل از پیکار) است.

رفیق م - و، در راه افشاگریها و افشای انقلابی برایت آرزوی موفقیت داریم.

رفقا A و B نام مورخه ۵۹/۵/۸ شما رسید، در مورد اولین مسئله ای که مطرح کرده اید حق با شماست، در مورد دومین مسئله ما در حال ارزیابی همه جا نیستیم و تحلیل خود را از این مسئله در سطح جنبش ارائه خوا هیم، در مورد مقاله کودتا که ما گفته ایم، ما یک حساب سرانگشتی نشان میدهد که امیریا لیسیم گاه، چقدر کورویی منطق عمل میکند... "ما این نظرها در رابطه با موقعیت جنبش توده ای بیان کرده ایم، بنظر ما با توجه به وجود اعلای انقلابی در جامعه و آگاهی های خلق چنین کودتایی نمیتوانست به ما کمیت و تشییت با ندهای مزدور امیریا لیستی منجر گردد، ممکن بود آنها در انجام برخی از طرحهای مقدما تی شان بیروز گردند، اما مقاومت و مقابله خلق با آنها و وارد شدن نیروهای انقلابی به میدان مبارزه (در شکل نظا می)

همه و همه عواملی بودند که مانع از به قدرت رسیدن و تثبیت چنین حکومتی می شد. و این وضع در حالی که کودتاگران خائن از قدرت بیشتری نیز برخوردار می بودند ما می است، در مورد دست داشتن "... بخش وسیعی از جاکمیت ... در این کودتا نیز که مورد نظر شماست تمام فاکتورهای عینی و تحلیلی قضا یا خلاف آن را اثبات میکند، بطور مثال بهیچوجه نمیتوان ثابت کرد که بخشی از لیبرالهای سپیم در قدرت در کودتا دست داشته اند تا چه رسیده بخش وسیعی از آنها.

رفقا پیروز با شد! (بعدها زاین نامها ییتان را با دو حرف فارسی امضا کنید.)

رفیق ف (دانش آموز) نامه ات رسید، در مورد ساده نوشتن مقالات پیکار مرا جعه کنیده پیکار ۶۶ صفحه پاسخ به نامه ها، در مورد کودتای ارتجاعی مزدوران امیریا لیسیم هم لابد میداند که در پیکار ۶۳ مقاله کودتا: بوطقه ای امیریا لیستی برای سرکوب جنبش خلق و نیروهای انقلابی و در پیکار ۶۴ مقاله کودتای آمریکائی نقش ضد خلقی ارتش جمهوری اسلامی و حامیان آنرا بیشتر بر ملا میکند، درج شده است. و مقاله پیکار ۶۴ تا حد زیادی ساده بود می توانست خواست شما را (بزرگ کردن و تکثیر مقاله) برطرف نماید، اما مضمون انتقاد را که با بدینچنین مسائلی را ساده و قابل فهم برای توده ها نوشتن کمالات در دست میدادیم و ما نظیر که قبلا نیز قول داده ایم سعی خواهیم کرد این تقصیر را بر طرف سازیم.

برای ییتان در راه پیوند هر چه بیشتر و مستحکم تر با توده ها آرزوی موفقیت میکنیم.

بقیه از صفحه ۸

موضوعگیری ...

سیاست و عملکرد ما تا ت جویا نه آنها در برابر رژیم جمهوری اسلامی و عدول آنها از وظیفه انقلابی - شان نسبت به توده های هوادار و غیر هوادار نیست آنها نمیتوانند بگویند که سیاست ما چنین نبوده و با لاقبل چنین نیست زیرا در این صورت با یستی سیل اعلامیه های اخیر که بیمناسبتیهای مختلف و خطا به اشخاص و گوناگون (از آیت الله خمینی گرفته تا سید احمد خمینی و دادستان و هاشمی رفسنجانی و رئیس جمهور و ...) انتشار داده اند و ما می آنها مهادارای مضامین مذکور در راه لامیبا شدرا انکار شما ییندنگاهای همه اعلامیه ها، تلگرافها و نامه های اخیر مجاهدین منجمله تلگراف به آیت الله خمینی، تلگراف به سید احمد خمینی، نامه به رئیس مجلس و... نشان میدهد که هنوز مجاهدین کوشش فراوانی را مبدول میدارند که به واقعیات را آنطور که هست از چشم توده های خلق و هواداران خود پوشیده نگاه دارند. آنها در تلگراف به سید احمد خمینی و نیز در تلگراف به خود آیت الله - های او را از سری اطلاعاتی وی از جریانات جامعه نشان دهند، با زهم کوشیده اند که آیت الله خمینی را از کل هیئت حاکمه جدا کنند و در نتیجه او را از سیاستها و عملکردهای ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی دورنگه داشته و تبرئه نمایند، بهمین جهت از "مخبرنامه خمینی" تقاضا میکنند تا "حاج احمد آقا" و یا یک فرد دیگری که مورد اعتماد خمینی است را مسئول رسیدگی به کارهای مجاهدین کنند "تا حقایق چنان که با بدیده

کمکهای مالی دریافت شده

۴۴۰۰	ف	۲۷۰۰	د	۷۰۰۰	ت
۲۲۷۱۰	قی	۸۵۰۰	ر	۱۱۰۰۰	"
۵۲۷۱۰	"	۲۲۰۰۰	"	۱۱۷۰۰۰	"
۹۰۰۰	"	۲۷۰۰	ز	۶۷۰۰	الف
۲۵۰۰	ک	۲۲۷۰۰	"	۲۱۰۰	"
۶۱۱۱۰	ک	۱۵۰۰۰	"	۲۴۱۰	"
۱۶۶۰۰	ک. M	۱۴۰۰۰	"	۱۱۰۰۰	"
۶۵۰۰	ک. F	۱۲۰۰۰	س	۲۱۵۰	"
۱۱۲۰۰	م	۱۲۰۰۰	"	۲۲۲۸۰	ب
۶۰۰۰	"	۱۲۰۰۰	"	۱۰۹۰۰	ب-ب
۶۵۰۰	"	۶۰۰۰	ش	۵۰۰۰	پ
۱۳۳۴۰	"	۱۵۰۰۰	"	۱۰۵۰۰	"
۱۴۰۰۰	"	۲۱۰۰	"	۳۴۰۰	ث
۴۳۱۰۰	"	۶۰۰۰	ص	۲۲۹۰	ج
۲۰۰۰	"	۲۲۲۰۰	"	۷۲۱۰	"
۷۰۰۰	"	۶۰۰۰	"	۲۹۰۰	"
۹۵۰۰	"	۱۰۰۰۰	ط	۱۰۰۰۰	ح
۳۰۰۰	"	۱۹۱۰۰	"	۱۶۰۰۰	"
۹۰۰۰	م-الف	۲۰۰۰۰	"	۱۹۰۰۰	"
۲۸۰۰	ن	۸۰۰۰	ع	۱۲۰۰۰	خ
۱۲۸۰۰	"	۶۸۰۰	"	۸۰۶۰	"
۶۲۰۰	"	۱۰۰۰۰	ف	۱۱۱۱۰	ی
۱۰۰۰۰	ه	۱۵۵۰۰	"		
۲۲۷۰۰	"	۳۰۰۰	ا-ت		

- ۱ - مادر مبارز امیر مبلغ ۱۰۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.
 - ۲ - رفیق مادر ۱۲۳، مبلغ ۲۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت گردید.
 - ۳ - رفیق شیر خورده در جریان هجوم ارتجاع بدنا شگانه مبلغ ۱۳۰۰۰ ریال کمک مالی ایتا رسید.
 - ۴ - رفیق (دبیل و وظیفه) مبلغ ۱۰۰۰ ریال کمک مالی ایتا دریافت گردید.
 - ۵ - رفقای هسته هوادار سازمان در اندیشک، مبلغ ۵۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت گردید.
 - ۶ - رفیق R - گ ۲۳ از گیلان، هدیه شما همراه با ۱۵۰۰۰ ریال رسید.
 - ۷ - رفقای هوادار سازمان در میان، مبلغ ۲۵۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت گردید.
 - ۸ - رفقای "صمد"، هدیه شما رسید.
 - ۹ - رفیق گ، مبلغ ۱۲۷۰۰۰ ریال کمک مالی ایتا دریافت گردید.
 - ۱۰ - رفقای فدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در فرانس، هوادار سازمان، مبلغ ۴۸۰۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.
 - ۱۱ - رفقای اتحادیه دانشجویان ایرانی در آلمان و برلین غربی، هوادار سازمان، مبلغ ۲۰۰۰ مارک کمک مالی شما دریافت گردید.
 - ۱۲ - رفیق کاوس، هدیه ات رسید.
 - ۱۳ - رفقای "۱۷ شهریور" کمکهای دا روشی شما رسید.
 - ۱۴ - رفیق احمد، هدیه ات رسید.
- رفقا، دوستان!
- کمکهای مالی خود را حتما همراه با حروف اول اسم خود و عددی انتخابی (حداکثر سه رقمی) بعنوان "گد" برای ما بفرستید.
- پیروز با شد

استحضر "حضرت امام" و عموم مردم برسند، آنها چشم خود را بر روی این امر بیداری و روشن می بندند که آیت الله خمینی "حقایق" را آنطور که با بدنا تصور که بنا بر ما هیت طبقاتی خود میفهمیده "عموم مردم" عرضه کرده است. آنها این مسئله را تعدا فرا موش می کنند و به چشم توده ها خاک میپاشند که با این امر نظر نکنند که حقایقی که خمینی در رابطه با مجاهدین

بقیه در صفحه ۱۳

پیدادگری "دادگاههای انقلاب" علیه انقلابیون و زحمتکشان محکوم است

بقیه از صفحه ۱۸ **رزمندگان...**

به حساب می آید، گذشته از جنبه تئوریک مسئله، واقعیت عملکرد و کردار روسیال امپریالیسم شوروی در عرصه جهانی بوضوح و با روشنی کامل و بدون کوچکترین شبهه ثابت می نماید که چنین اقداماتی تنها از یک ماهیت امپریالیستی برمی خیزد.

دور رسما پدیده امپریالیستی، تجارت نابرابری امپریالیستی، رقابت امپریالیستی با امپریالیستهای دیگر جهت تقسیم مناطق نفوذ و اعمال سرکوده گرانگسسی تجار و نظامی و کودتاها، امپریالیستی، سوداگری امپریالیستی در زمینه فروش تسلیحات و همه و همه نمونه های یک ماهیت امپریالیستی می باشند.

رابطه سیاست خارجی با سیاست داخلی چیست؟

رفقای رزمندگان تحت عنوان "بررسی ساخت اقتصاد" عملا اساس این آموزنها را در مورد چگونگی برخورد به روسیال امپریالیسم در نظر نمی گیرند. و به فراموشی می سپارند. این رفقا مقلده روسیال امپریالیسم را بکار میگیرند، لیکن منظورشان از این مقلده یک برداشت سیاسی است. آنان عملا اقتصاد دوسیاست امپریالیسم را از یکدیگر جدا میکنند و به امپریالیسم سیاسی معتقد می باشند. حال آنکه این برداشتی غیر ماركسیستی است، روسیال امپریالیسم شوروی یک مقلده سیاسی - اقتصادی است. کسانی که سیاست روسیال امپریالیسم را از اقتصاد آن جدا کنند به انحراف و تزلزل رویزونیستی در غلطیده اند. اگر شوروی به صدور رسما به دست میزند، اگر به تجار و کودکان روی می آورد و اگر برای یک سیاست توسعه طلبانه ضد خلقی و امپریالیستی می باشد دلیل ماهیت امپریالیستی آن است. به این دلیل است که در اس این کشور بورژوازی انحصاری دولتی حاکم بوده و اقتصاد شوروی یک اقتصاد امپریالیستی می باشد. رزمندگان می نویسند:

"سوسیالیسم در شوروی حاکمیت نداشت و سیاست خارجی آن ضد خلقی و ضد پرولتری و تجار و زگرانهاست." (رزمندگان شماره ۷)، تا کید زمان است. ما سئوال میکنیم اگر در شوروی سوسیالیسم حاکمیت نداشت، پس چه نظامی حاکمیت دارد؟ کدام طبقه اجتماعی و کدام سیستم اجتماعی - اقتصادی حاکم می باشد؟ ما سئوال میکنیم اگر سیاست خارجی شوروی ضد خلقی و ضد پرولتری و تجار و زگرانهاست، خلیت و ماهیت طبقه ای این سیاست چیست؟ و این سیاست ملهم از کدام منافع طبقه ای و متکی بر ضروریات کدام سیستم اقتصادی می باشد؟ در برخورد به مسئله سوسیال امپریالیسم تکرار غیر ماركسیستی و تحام خلقی رفقای رزمندگان آنجا نظا هر میکنند که سیاست خارجی را از سیاست داخلی یک کشور جدا میکنند، سیاست یک طبقه را از خود طبقه و منافع او جدا میکنند، سیاست ملهم از یک سیستم اقتصادی خود سیستم جدا میکنند، لنین مطرح میساخت که: "سیاست خارجی با زتاب مناسبات داخلی یک کشور است و انا فاهمی نموده که همه دول امپریالیستی در رقابت از مزاج و عدالت دم میزنند، اما در کردار به جنگهای اشغالگرانه و تاراجگرانه می پردازند" (جلد ۲۶ صفحه ۲۲۰، چاپ روسی)

بقیه از صفحه ۷

امپریالیسم...

کمیانی بزرگ نیمی از این سود کلان و هنگفت را تصاحب کرده اند. این رقم نمونه کوچکی از استثمار و غارت امپریالیستها را نشان میدهد. شدید بحران امپریالیستی و کوشش در انتقال آن به کشورهای تحت سلطه و مستعمرات، تعدادهای طبقه ای و ملی را احداث کرده و سبب بالا گرفتن جنبش های آزادیبخش در این کشورها میشود. و با لطبع گسترش این جنبشها موجب فریاد سنجینی به منافع امپریالیستها میگردد. در کنار شدید ستمگریهای امپریالیستی بویژه در شرایط بحرانی که موجب میشود تا مبارزه ملی طبقه ای در کشورها - های تحت سلطه و وسیعتری پیدا نماید، بسیار زده طبقه ای در کشورهای متروپل نیز نسبت به گذشته ایما و وسیعتری به خود میگیرد. بحران اقتصادی سیاسی - اجتماعی عمیق می یابد و امپریالیسم در گرداب آن بیشتر فرو می رود.

کشورهای رویزونیستی نیز از آنجا که از مدار عمومی جهان سرمایه داری بدور نیفتاده اند و از آن بحران جهان امپریالیستی نمی توانند بگریزند با شند. بحران ناشی از ساختار اقتصادی سرمایه داری این کشورها تحت تاثیر بحران جهانی شدید شده و این بحران خود را در کارهای تولید، گسترش تورم و گران شدن نرخ بیکاری و غیره ظاهر می نماید. و با لطبع بر زمینهای این بحران است که مبارزه طبقه ای بیش از پیش اوج میگیرد. نمونه مبارزات اعتصابی گسترده در لیستان بخوبی نما یکنگرا بین واقعیت میباشد.

حال در چنین شرایط بحرانی و رند مبارزه طبقه ای سیاست طبقه کارگر و کومونیستها چه میباشد؟

سیاست طبقه کارگر و کومونیستها، سیاست مبارزه طبقه ای و انقلاب است. در چنین شرایطی که مبارزات طبقه ای بین زمین گسترش می یابد، و طبقه کومونیست - ها است که باید استقبال آن بشنا بند. آنان باید در عین اشتیای بیگمیر رویزونیستهای رنگارنگ که سعی در به انحراف کشاندن مبارزات طبقه کارگر دارند از مبارزات طبقه کارگر و زجمنگمان کشورهای متروپل حمایت نموده از جنبش های واقعا آزادیبخش در کشورها، های تحت سلطه و مستعمره به یاری پشتیبانی کنند و خود نیز در همین خویشتن انقلاب علیه رجاع و امپریالیسم را تدارک ببینند. برخلاف فریبستها و رویزونیستها که

و استالین اضافه می نمود که:

"برای امکان نا پذیر کردن جنگ با بدامپریالیسم را نا بود ساخت." (مسائل اقتصادی سوسیالیسم - ۱۹۵۲)

نکته قابل توجه اینجاست که از نقطه نظر لنینیستی سیاست غارتگرانه جنگ طلبانه و اشغالگرانه ناشی از ماهیت امپریالیسم است. سرمایه ملی امپریالیستی در میل خود به توسعه طلبی هر چه بیشتر و تا مین مافوق سود انحصاری امپریالیستی مجبور به اعمال ستمگری ملی، سلب حقوق ملی و دیگر تاسیس و خلق و پیشبرد سیاست جنگ افروزان و تجار و زگرانها و ضد خلقی می باشد. آری این سیاست ضد خلقی ناشی از اقتصاد امپریالیستی و از مندیهای یک طبقه بورژوا - امپریالیست می باشد.

بقیه از صفحه ۱۲ **موضوع دیگری...**

میدانند و بدان معتقد است اینست که آنها "منافع" اند و "منافعین از نگاه ریدرند" اینست که شهیدان آنها درده هستند، اینست که آنها عوامیل آمریکا هستند، اینست که آنها همکاران هستند... با اینحال، با زهم ما هدین از او و "تقانا" میگویند که حقایق را بیان کند. با زهم این توهمها درست را در آورده، ما را من میزنند که خمینی از قضا با او واقعیات جاری در جامعه مطلع نیست و این مسئله ایست که بطور غیرتابل انکاری خلاف واقعیت است. حتی خود آیت الله خمینی مخالفان ادعا و استدلال ما هدین است. او بارها متذکر شده است که از همه چیز با اطلاع است و همه چیز را میداند. بنا بر این تلاش ما هدین در این باره ویدل مساعی برای حقیقت چنین امرنا درستی فی الواقع کوششی بیجوده و عست می باشد.

ادامه دارد

توضیح و تشویح:

در بیکار ۶۱ عکس بنا من جوهر جعفری که اعدام شده، چاپ شده است. این عکس متعلق به پدر دینگری بنا مهدی جعفری میباشد که اکنون زنده است. علت اشتباه ما این بود که چون عکس مهدی جعفری همراه اش تین دیگر "رفقا احمد مودن، مهدی علوی شوشتری و..." از طرف مقامات محلی دولتی تکثیر و ستروان عوامیل و مسبین حوادث دانشگاهها هوا معرفی شده بود. در زیر عکس مهدی جعفری کلمه مهدی ناخوانا (مجموعه) بود و فقط با قلمای (یعنی جعفری) متخین بود برای ما این تصویر پیش آمده بود که این عکس متعلق به منوچهر جعفری است که همان زمان همراه با رفیق شهید دکتر نریسی ساروقی احمد مودن اعدام شدند. با ایسین ترضیح اشتباه قبلی خود را تصحیح میکنیم.

میگویند بورژوازی را از عواض اجتماعی و مبارزاتی بحران برکنار نماید و او را از میلیگنه نجات بخشد، کومونیست - ها با پدیدتاما قدرت از چنین موقعیتی برای دامن زدن به انقلاب بهره جویند، آنان با بدستگهای سیستم جهانی را با رشد مبارزات ملی و طبقه ای بر کرده و نظام کهن را هر چه سریعتر به سمت تلاشی و نابودی بکشاند»



پرواح است که اگر سوسیال امپریالیسم شوروی به تجار و زده ت میزند و سیاست ارتجاعی را در عرصه بین المللی به پیش می برد، این امر دقیقاً در رابطه با ماهیت امپریالیستی این کشور است.

اما جواب رفقای رزمندگان چیست؟ کسانی که ساخت امپریالیستی شوروی را نفی میکنند، کسانی که راهبهای مستقیم بین سیاست داخلی و سیاست خارجی برقرار نمیکنند، در برابر این آموزش لنینیستی چه میگویند؟ رفقای رزمندگان این مسئله را مسکوت میگذارند و از جواب روشن ظفره میروند. بنظر ما این ظفره رفتن اتفاقی نیست. این ظفره رفتن ناشی از تزلزل این رفقا در برخورد به سوسیال امپریالیسم شوروی است تا به یک قدرت امپریالیستی می باشد.

ادامه دارد.

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق کرد

مصاحبه با رفیق تراب حق شناس پیرامون پایه‌های شیخ محمد منتظری

(قسمت آخر)

با امثال منتظری درست بود تا زه مگر خود او و دو سه نفر هفکری که داشت با آنها همکار می‌کردند! مری که بطور اصولی اشکالی هم نداشت. ولی بالطبع در این مورد ما از موضع پرولتری برخوردند! شتم که این مربوط به مواضع سیاسی - ایدئولوژیک خود و سازمان مجاهدین در آن زمان برمی گردد.

ثانیا: کتاب شناخت را آن مبارزین چاپ کردند بلکه آقای دعا ئی آن را در چاپخانه عرفان نجف چاپ کرد و زحمت تصحیح چاپی و نیز مخرج آن را به نفع سازمان بعهده گرفت. راستی منافع تنگ نظرانه این

که بطور علنی آنها را مستخرما زیم، انتشار آنها را بنا - به اعتقاد شما - در آن زمان - و وظیفه - تشکیلاتی خویش، در دستور کارمان گذاشتیم. آن کتابها که جمعا ۴ یا ۵ جلد میشدند هر جان ما و مطالبات ما و برادران شهیدمان تا آن زمان بود. اگر نسخه‌ای از آنها را در اختیار محمد منتظری و کسان دیگری گذاریم صرفا جنبه اطلاع از نظرات ما برین دشت نامورد مطالعه قرار دهیم و بعدا اگر بنظرمان در کل تشکیلات درست آمد نظراتمان را تصحیح کنیم. حرفهای او در دفاع از مالکیت خصوصی (و تشکیله نظرها را راجع به کتاب اقتصاد

قسمتها ی قبلی مصاحبه مابین رفیق تراب پیرامون دروغها و انتقامات شیخ محمد منتظری علیه رفیق ما و مجاهدین و کمونیستها را در دو شماره پیشین خواندید اینک ادامه آن :

سوال: محمد منتظری علت گرایش بختی اینها را چه می‌داند به ما رکیسم در سالهای ۵۴-۵۲ را "بازی صهیون- نیستیا" قلمداد میکند! در این مورد چه صحبتی دارید؟

جواب: منتظری برپایه ما به ما هیت طبقاتی وایدئو- لژی ویک و بویژه با توجه به منافع با آ و رده‌های که امروز پیدا کرده‌اند ز درک گرایش ما به مارکسیسم در سالهای ۵۲-۵۴ تا جرات بی‌گیری ما در مبارزه فدا میریالیستی به طوری که کل سرمایه‌داری را هدف قرار دهد برای خرد - بورژوازی بقدرت رسیده‌ای ما منتظری غیر قابل فهم است. این است که میکوشد با کوفتن سر خود به دروغ بیاورد، برای آن تغییر و تحولات توحیه بسازد آقای منتظری شما بنده مجلس شورای اسلامی "شایده" مطلق الهسانی که از "برکت" جمهوری اسلامی فعال ما نشاء است و بی هیچ حساب و کتابی به حیثیت افراد و نیروهای مبارز و انقلابی راجح بر اکتی میکنند چا خلاصه دعا می شما بد که صهیونیستها ما را به "این راه" - که خودش در ذهن شما رویش ساخته است - کشانده اند! این آقای زاده گرحتی معنای صهیونیسم را می- دانست چنین حرفی نمی‌زد. ما از همان روزها تیکه آقای منتظری و سرادها ی ایشان جتی کلمه صهیونیسم را نشنیده بودند و با آنرا ما بی‌هوده برامیداستند، با آن سرخستانه مبارزه میکردیم و ایم و دلایل تبلیغات را دیدیم و سراشیل است که در سال ۱۹۷۳ همکار ی بیسن انقلابیون فلسطینی و مجاهدین خلق را - که انعکاس فعالیستهای ما در منطقه بود - برای سراشیل امیری خطرناک خواند. از ۵۴ به بعد هم که در جابو پاید شو- لوزی مارکسیستی فعالیت میکردیم موضع ما علیه صهیونیستها قاطعانه تر از پیش ادا مدها شده و دارد. از سوی دیگر هر کسی که با الفبای سیاسی منطقه آشنا باشد میداند که سراشیل دشمن ترین دشمنان کمونیستها ست. "آقا زاده" فرا موش کرده اند که افشاگریهای ما علیه سراشیل و عمال اش در ایران منجمله انتشار نامیش از دست شرکت اسراشیلی که تشکیلات ما در ایران شنا ساشی کرده بود با راه در کشورهای عربی در روزنا مه - های ملی و مترقی جاب شد و یکبار هم در نجف دوستان خود را و عینا آنرا تکثیر کردند. حالا ما ندیم تحت نفوذ صهیونیسم آقای منتظری انقلابی تمام عیار از آب در آمد!

سوال: محمد منتظری گفته است که کتاب "شناخت و اقتضا دین زبان ساده" نوشته مجاهدین را پیش از چاپ به او داده اید و باقول خودش اشکالات آنها را گفته ولی شما ترتیب اثر ندادید و ایدو در جای دیگر هم داده اید که بت که پول چاپ شناخت" را جبهه ملی دو پدا ده است. حقیقت صیه چه بوده؟

جواب: در سال ۵۹ پس از آنکه نسخه‌ای از کتابهای شما را که در دوران تشکیلات بصورت تدوین شده در- آمده بوده ریافت کردیم سازمان در آن موقع - از ما خواسته بود

کتاب شناخت را "حجت الاسلام دعا ئی" در نجف چاپ کرد و هزینه آنرا پرداخت آقایان محمد منتظری و هاشمی رفسنجانی در سال ۵۴ می خواستند از حیثیت مبارزاتی ما استفاده کرده ، مشترکا از دولت لیبی یک ایستگاه رادیویی علیه رژیم شاه بگیریم ولی ما قبول نکردیم . دلیلی که محمد منتظری برای مارکسیست شدن ما می آورد نشان دهنده ردالت او و ضدیت طبقاتی اش با طبقه کارگر میباشد .

آقایان تا این حد آنها را مسخ "فرا موشکار" کرده است؟! باید به منتظری گفت "مطلحات اندیشی و فرصت طلبی چنان شما را مسخ کرده است که فرا موش میکیند به اتفاق همین آقای هاشمی رفسنجانی - که در سال ۵۴ به خارج آمده بود از ما ، شما بندگان مجاهدین (که حالا میکوشند آنها را منحرف میدانسته باشند) خواستید که با هم در واقع به اعتبار روحیست ما به لیبی برویم و از دولت آنجا یک برنا ما را دیوشی فارسی بگیریم ولی ما چون با دیگر نیروهای مبارز ایرانی قبلا توافقی به همان منظور کرده بودیم به شما جواب منفی دادیم.

اگر خودتان ، روحانیتان و ... حیثیت و اعتباری داشتید چرا آبروی ما را میخواستید و جدا لهما لحه قرار دهید؟ و مگر با دتا ن رفته است که قرار شد ما ترتیب سفر مخفیانه آقای رفسنجانی را به عراق برای دیدن آیت الله خمینی، بادرست کردن یک پاسپورت جعلی بدهیم و من آمادگی خودمان را با کمال میل اعلام کردیم و پاسپورت را هم سریعآ آماده نمودم ولی بعدا ایشان با سفارت ایران در بیروت به وساطت موسی صدر به توافقی رسید که با همان پاسپورت ایرانیش به عراق برود و دولت ایران موقع بازگشت برا حش نشود! امیری که در حد خود شوال انگیز بود و هست .

آری آقای منتظری! مجاهدین که در آن زمان جان برکف مبارزه میکردند و خون میدادند بقول و بنابه اعتراف هفکرا نتان "حکم یوذرهای زمان" را داشتند زیرا شما درماندگان در پی پند مبارزه می توانستید فرصت طلبانه ادعا کنید که "بله ، سلام هم میتوانست مبارزه انقلابی و متشکل علیه رژیم شما را به پیش برد ، مجاهدین جان میدادند و شما در آن زمان نا نش را می-

به زبان ساده (میداد) بهیچوجه مراقب نمیگردید. فدیت با استقامت روسما به داری در ما تویتر از آن بود که بتواند با استقلال و آزادی مذهبی غنی شود. از سوی دیگر شیوه ما هرگز چنین نبود که بر اساس میل این یا آن در اصول ایدئولوژیک و تشکیلاتیمان تغییر بدهیم. هر چند که نفس نظر خواهی از چنین کسانی در واقع جدا از پیشین خرد بورژوازی سازمان مجاهدین نشود. باید به منتظری گفت شما اگر چنین تصویری داشتید (که نداشتید و بخودتان در آن روزها چنین جراتی نمی - دادید!) در اشتباه بودید. "خودگنده بینی" شما چنین تصویرنا معقولی را در شما ایجاد کرده است یک ضرب - المثل میگوید: "سب را نعل میگرددند ، سوک هم برایش را بلند کرد و گفت مرا هم نعل کنید!" ما از تشکیلاتمان دستور می گرفتیم (و بر اساس باور و انطباق سازمانیمان عمل میکردیم) آنها را امثال منتظری که آنقدر از لحاظ سیاسی عقب مانده بودند که وقتی سادات را خاش میدادند مستقیم و بدلیل محافظه کاری و شوهر خرد - بورژوازی اش اصرار داشت که "خیر ، سادات تا کتیک میزند!" (حتما بخاطر دارند!) و اما اینکه آقای منتظری گفته است ("کتاب شناخت را" عضو جبهه ملی دوم چاپ کرد" یا بدیگری که با ولاما با عده‌ای از عناصر ترقی خواه ایرانی که تحت نام جبهه ملی در خارج از کشور (۱) فعالیت میکردند همکار ی هاشمی میکردیم ، اصل همکار ی ما با آنها درست بود چنانکه در سطح دیگر همکار ییمان

(۱) - "جبهه ملی" فعلی که ما از یک یا یگا انقلابی با آن آموزش دیدی و دریم و علیه آن مبارزه میکنیم و لسی آقای منتظری و همکاران از یگا های ارتجاعی با آن در افتاده اند با "جبهه ملی" در خارج کشور بسیار متفاوت است .

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق



خوردید و قمعیز را در میکردید و خودتان خوب میدادید و عمدتاً مبارزه‌تان در این خلاصه میشد که هر شش ماه یک بار اعلامیه‌ای را به التماس از آیت‌الله خمینی می‌گرفتید و همان خوراک چند ماهتان بود! و همین وضع ادامه داشت تا او خرداد ۵۶ اما حالا که بر سر همین‌ها جنبش انقلابی خلق نشسته‌اید و هیچ تلاشی بر کرسی قانونگذاری تکیه نکرده‌اید، انقلابیون بد شده‌اند و منحرف و هزار چرندیدگی‌ها حتماً یادتان رفته است که در سال ۵۲ از زمین خواستید که شما و چند نفر دوستانتان را به رفقای ویتنامی معرفی کنیم و برایتان از سفارت جبهه آزادی بخش جنوب ویتنام در بغداد وقت گرفتیم و آنهمه بی‌ز مترفی شدن میدادید!

در خاشیه، این چند نکته را هم خطاب به محمد منتظری (نکته هر چند کم اهمیت) اضافه میکنم:

مترفی شما بی‌شما، نمونه‌های دیگری هم دارد که چون برای بعضی مریدان شما جالب است میگویم: یادتان هست که پیروز ما در همان دریا که با راکت واقع در باغ شرقی بغداد با من قرار داشتید و می‌گفتید که روزی که خود روزها را برودم - وقتی تظا هر شما به روزی خوار می‌را دیدم شما تذکره دادم، جواب دادید که "مسافر" هستید؟ البته شما اکنون در شرایط مشابه، شلاق زدن را "تجویز" می‌فرمائید! نمونه دیگر مترفی شما این بود که در جریان اعتصاب غذا بی‌کسب زندانها در رژیم شاه مشخصاً آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله منتظری و... در مقراتحادیه دانشجویان فلسطینی در بغداد، برپا شده بود و شما در آن شرکت داشتید با دختران دانشجویی که به حمایت از اعتصاب کنندگان از محل اعتصاب دیدن میکردند دست میدادید و حاضرین را از اینهمه "مترفی شما" بی‌تعجب انداخته بودید که "خوند و دست دادن به دخترها؟! ز نظر من آن "مترفی شما" هادردگشته و این مقدس شما بی‌ای روزتانی بی‌ارتباط نیست و در واقع نشان به‌نرخ روز خوردن است!

بر میگردیم به بحث اصلی ما: در آن زمان ما در چارچوب مبارزه فداانگاپریالیستی و ضد رژیم‌ها وظیفه خود میدانستیم که با کلیه نیروهای مبارز علیه رژیم در هر سطح - منجمله منتظری در آن زمان - همکاری کنیم و بر این همکاریمان - بطور کلی و در چارچوب یک سازمان مذهبی - نه‌بیش‌ما نیم‌و نه‌منتی داریم.

محمد منتظری عمداً "فرا موش" میکند که حتی پس از اعلام مواضع مارکسیستی از سوی بخش منتعبل از س.م.خ. او خواهان حفظ روابط با ما بوده است. من یکبار او را در پیروز ۵۶ یعنی دو سال پس از کناره‌گذاشتن آید شولوزی مذهبی، در پاریس دیدم و او خواستار ملاقات بیشتر با ما شد و از قطع شدن ارتباط با ما گلّه کرد و با هم‌قرارتان بی‌توجهی در دمشق (بیشتر تلفن خانه) گذاشتیم و گفت "اگر کاری با عباس زمانه (بوشریف امروز) دارید ترتیب دیدنش را بدهم" ولی چون آن تماس مربوط به ملاقات رفیق علیرضا سیاسی و عباس زمانه می‌شد رفیق مامدتی بوده که به ایران برگشته بود و بلافاصله امنیتی جواب را به بعد موکول کرد.

بله، این آقایان، پس از سوار شدن بر اریکه قدرت و برگردن مردم ما نعمت از پیشروی انقلاب (هر چند موقت) در ماندگی‌های گذشته‌شان را فرا موشی

کند، کرنش خودشان در برابر نیروهای انقلابی را از یاد می‌برند و علیه آنان لحن پراکنشی می‌کنند. آن‌ها با نپهلوان بنسب‌هایی بی‌بیت نبوده و نیستند. حقیقت بزودی بر توده‌ها آشکار خواهد شد.

سوال: منتظری در همان مصاحبه‌اش گفته است که شما "با دختر برادرهای ارتشید نصیری در پاریس همکاری میکردید". همچنین گفته است "دختر برادرهای نصیری یکی بدما زمان بیگاری رفت و یکی به "سارم سرخ" و اینها هم مائوئیست بودند و اصولاً مائوئیستها در خارج از کشور هم‌شان در خط آمریکا بودند و اینها هستند که کارهایشان را به کردستان انتقال دادند." و در جای دیگر گفته است: "این به اصطلاح گروه بیگاری مائوئیستها در خط مارکسیستی و مائوئیستی (!) و شعارهای مائوئیستی اقتاد (!!) به این حرفها چه پاسخی میدهید؟

جواب: میبینید که چقدر بی‌تربیت و پلاست، اگر او از ماترین می‌گردد جای تا صف بود در صورتیکه وقتی چنین "آدمی" به فحاشی علیه ما می‌پردا زده‌ها قل نشان می‌دهد که صف ما و این آقایان در مقابل هم قرار ردوا بسن بخودی خود مثبت است. این دروغ‌ها و تهمت‌های بی‌شمارانه برای هر کسی که من و هم‌زمانم را بشناسند شنیده‌اند و است و تا کید می‌کنم که فقط مبین در پانصدگی محمد منتظری و امثالش در مقابل با جنبش خلق و گسترش نفوذ کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی است. اگر او ذره‌ای به "حرمت دروغ" که ادعایش را دارد، اعتقاد داشت تا بدجنین حرفهای سراپا دروغ را نمیزد اما واقعیت این است که خرده‌بورژواها بی‌کسب ما به‌دوران متحد شده و در صف ضد انقلاب قرار گرفته‌اند. خلاق را برای تحمیل توده‌های زحمتکش میخواهند و هنگامی که پای سرکوب کمونیستها و انقلابیون سازش‌ناپذیر در میان باشد، از هیچ - آری از هیچ - جناحی علیه آنان خودداری نمی‌ورزند. حرفهای او همان داستان "حسن و حسین دختران معاویه" را بسیار یادآورده. اولاً من دختر برادرهای نصیری خاش را نمی‌شناسم. البته اگر هم آنها وجود خارجی داشته باشند هرگز گناه عمویشان را نباید با ایشان نمیتوان نوشت و بی‌بوجه چنین شخمی در سازمان ما نیست.

آیا ردیفانته‌ها و تروریست‌ها نیز از این میشدند که در رابطه با من کلمات "دختر" و "نصیری" ساواکی را ردیف کنند؟ و همینجا می‌پرسم آیا طرح این دروغ از طرف آقای منتظری برای لایوشانی کردن تماس گرم و صمیمانه با یکی از کارمندان سفارت ما در دمشق بنا م آقای شریعت نیست؟ از طرف دیگر ما ربطی به مائوئیست‌ها و سرخ‌نشانها بی‌مواظت لایو لایو آمریکا کجا و ما کجا؟ مبارزه دلیرانه خلق کردکجا و سیاست سرکوبگرانسه آمریکا علیه خلقهای ایران کجا؟

با دیده‌ها و گفت: آقای عزیز، دنبال خط آمریکا در جا‌های دیگر غیر از دولت و شورای انقلاب و مجلس‌تان نگردید. آب در کوزه است بی‌پوده‌گرده‌ها ن نخرید! کافی است به سخن نوکر سرسیرده آمریکا زکی بمانسی (وزیر نفت سعودی) گوش کنید که با اطلاع از ماجرای پشت پرده سیاست آمریکا، در مصاحبه با روزنامه‌ها لسیاسه چاپ کویت مورخه ۲۱/ ژانویه ۱۹۶۸ میل می‌گوید:

"اگر آمریکا شیخا زحظ رژیم جمهوری اسلامی غفلت

بقیه از صفحه ۱۱

در سال ۵۹ یعنی سال امنیت یورش ارتجاع ابعاد گسترده‌تری گرفته است. یک معلم با زرد ریش را ز که در دوران آریا مهری ۳ سال در زندانها بوده اکنون به جرم "نداشتن مذهب رسمی" (؟) ۱۲ خراج گشته است! طبق خبر مندرج در کیهان ن ۱۰۴، ۵۹/۲/۹ نفر از علمای تارسی خراج و بازنشسته شده اند که جرم ۴۶ تن از آنها نیز نداشتن مذهب رسمی بوده است! اما می‌شهره‌ها و روستاهای ایران و بی‌بیزه کرده‌ها به همین سرنوشت دچار شده‌اند. نقطه‌ای این اقدامات ضد دموکراتیک انحلال آموزش و پرورش کردستان است که خرده‌لگه سنگی باک نشدنی بر پیشانی رژیم محسوب میشود. طی این مدت سخننامه‌های رنگارنگی خطاب به کلیه مراکز آموزشی کشورها در شده که در آن مرفعی انقلابیون و جلوه - گیری از فعالیت سیاسی و آگاه‌گه‌ها و روزگاران و دانش‌آموزان بگرات مرودتاً کید قرآ گرفته‌است.

علاوه بر اینها اخیراً رژیم با اعدای بی‌دینی و علمان آگساره - بیرونده‌ها نیز خود را متکبرتر نموده است

اعدام عبداللّه قزل فرزند دلاور خلق ترکمن و همچنین همکار و هم‌رزمش عالی حالی زاده‌ها را دیگر دشمنی انجام کسخته رژیم را با آزادی و آزادی نشان داد.

بهرروا اکنون که مدارس تعطیل است و امکان ارتباط - گیری علمان و دانش‌آموزان کاهش یافته، رژیم با استفاده از این فرصت دست به هر جنایتی بر علیه فرهنگیان میزند. از این روست که با زدن مدارس و درآستانه سال تحصیلی جدید، بوظایف عظیمی برودن علمان و دانش‌آموزان انقلابی سنگینی خواهد کرد.

دانش‌آموزان و علمان آگاه با بدبیا تمام قدرت خود نشان دهند که اولین و ابتدائی ترین خواستشان آزادی همکاران زندانی‌شان و بازگرداندن علمان خراجی و غیره به محیط آموزش و پرورش می‌باشد. بی‌گمان اتحاد و همبستگی دانش‌آموزان و علمان آگاه و انقلابی و سیاست‌پیگیران، پشت و محکم بر پیروزه ارتجاع خواهد بود.

کندچ ایران چنان درسی به آنان (آمریکاییها) خواهد داد که آنرا هرگز فراموش نخواهند کرد. به رژیم جمهوری اسلامی مهلت میدهیم که جنگ آبدنه‌هاش با چپ ایران است و امید میرود که بدون کمک خارجی بتوانند چپ را سرکوب کنند.

حالا شما نعل و اورده می‌زنید و سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر را که سنگر مستحکم مردم دفاع از منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان است و من به عضویتش افتخار میکنم آمریکا می‌تواند مغرورانه این است که مردم ما مثل اندر - عاقلان دانند؟! تحول مرفع منتظری و امثال او از یک خرده - بورژوازی مذهبی که بنحوی در شفا دومبارزه یا رژیم‌ها قرار داشت به یک فداانقلابی و ضد کمونیست که پس از رسیدن به قدرت حاصل شده است برای ما مارکسیستها تعجبی ندارد. ما از امثال منتظری طبقه وایدئولوژیست، بخصوص پس از یک تجربه طولانی در پیته مبارزه انتظاری بی‌توجه علمی و مارکسیستی‌اش نداریم. میماند وظیفه ما که قبل از هر چیز آگاه کردن توده‌ها است...



تاقامین کار برای دهه‌داران، داشتن دهه‌ها حق مسلم آنان است

گزارشی کوتاه از مراسم گرامیداشت خاطره پیکارگران شهید رفقا مسعود صالحی راد و طیب نجم الدینی

یورش چماقداران و کمیته چی ها به کتابفروشیهای نازی آباد

در ادا مدیورن و حسیانه ارتجاع به دستا وردهای
نیا مبهمن ما ۵۷هـ و بمنظور گرفتن امکانات تبلیغی
و "قطع رابطه" نیروهای انقلابی و کمونیست با مردم
و همچنان نکتهمونه های این اعمال ارتجاعی را قبلا نیز
با رها دیده ایم، در روزهای یکشنبه ۵۹/۵/۲۶ و سه شنبه
۵۹/۵/۲۸ مزدوران حزب جمهوری اسلامی، چماقهای
سرکوشان را به کتابفروشیهای نازی آباد دنا نسه
رسانیدند.

آنها با برتا سریزی قبلی، در ساعت ۷ بعد از ظهر
سه شنبه ۵۹/۵/۲۸ تکبیرگویان به کتابفروشیها حمله
گروهه اند، این درگیری که با مقا و مت کتابفروشان مواجه
شد منجر به زخمی شدن و دستگیری عده ای گردید.

پس از درگیری "با ساداران انقلاب" با تیراندازی
هواشی و ارمحه نده و به دستگیری کتابفروشان مبارز
(حتی تا سافتها شی دورنرا زحمل درگیری) بردا ختبه و
ضمنا زخمیهای حزب اللهی را نیز بعنوان سنجرم کتاب
- فروشان با خود بردند، در جریان دستگیریها، مردم
با اجتماع در با زا درونما زی آبا دوهو کردن با ساداران
مانع بردن یکی از کتابفروشا شده و به این ترتیب
انزجا رخودرا از این اعمال وحشیانه ارتجاعی بیسان
گردند.

این حملات روز بعد (چهارشنبه) نیز ادا مدها فست
و طی آن سه نفر (دودختر و یک پسر) با زدا شت شدند.

رهبری این حمله وحشیانه را، مسئولان کمیته
خانی (رئیس کمیته کلانتری) و "هادی خان" (از مسئولین
با زوجی کمیته منطقه ۱۲) و عده ای از حاجی های "معتد"
مانند حاجی جعفری (صاحب رویا ل) و... بعد ادا شدند
پس از دستگیری عده ای از کتابفروشان، گردانند
- یگان ما جرا ا فدا مبه بریای یک راهیما شی و با
صدور قطعنامه ای خوا ستار شدت عمل بیشتر نسبت به
کتابفروشان شدند. اینان تصور میکنند که با برچیدن
کتابفروشیها و جلوگیری از یخشن و فروش نشریات
انقلابیون و کمونیستها میتوانند جلوی رشد انقلاب
را بگیرند، اما کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی
بر آنان ریخنند زده و میگویند اگر رژیمهای ارتجاعی
جهان (و از جمله رژیم سرسیرده شاه) نتوانستند آشفشان
ختم توده ها را با سرکوب برای همیشه خاموش کنند، شما
نیز خواهید توانست!



روشن شد، قدم قدم به ماهیت این دولت پی برده و میبندد.
از آنجا که دولت عمدتا بر توم و نا آگای هی سرد م
سوازات بقش نیروهای انقلابی و کمونیست در انشای
این رژیم جای ویژه ای را اشغال میکند، رژیم بنسب
بدرستی به این مسئله پی برده است دشمنی و عنادش
با این نیروها وسیع و افرنش در سرکوب آنها برای جلو-
گیری از کاراگراگرا نهان از همین زاویه است.

شهادت پیکارگران شهید رفیق مسعود صالحی راد
و رفیق طیب نجم الدینی در همین رابطه معنی میدهد.
رژیم جمهوری اسلامی و ساداران ارتجاعی عیثان که مریک
خود را ادراک می کرده ها و زحمتکشان می بینند سبب
جلوگیری از اشتغال این آگای بیسان توده ها به هر
توطئه ای دست میزنند، اگر تا دیروز به جمع کردن دیکه ها
بقیه در صفحه ۹

عصر روز دوشنبه ۵۹/۵/۲۷ بمناسبت بزرگداشت
شهادت دورقیق پیکارگر، مراسمی در گورستان وادی
رحمت تبریز برگزار شد، در ابتدا پیام سازمان پیکار
(کمیته آزادیگان) قرا شت گردید، بعد از آن شرح
مختصری از زندگی و مبارزات دورقیق، سرود کردی "شه
رفیق" به همراه خانواده رفیق طیب نجم الدینی که از
گردستان آمده بودند، خوانده شد.

آنگاه بهرا در شهید مسعود و عمومیدر شهید طیب
سخنانی در مورد زندگی مبارزاتی آنها ایراد کردند.
در این مراسم پیامی از طرف سازمانها و گروههای
سیاسی از جمله گروه فدائیان، هواداران سازمان رزندگان
آزادی طبقه کارگر، گروه انقلابیون م. ل - پیکار خلق
و وحدت انقلابی، اتحادیه کمونیستها و نیز رفقای هوادار
با سازمان در هشتترو، ارمیه و اردبیل و... رسیده بود
که قرا شت گردید، در فواصل سخنرانها و پیامها، جمعیت
یکبار به فریاد میزدند: "مسعود شهیدم قسم به خون سرخت
راه تا ادا مدها رد"، "طیب شهیدم قسم به خون سرخت
راه تا ادا مدها رد"، "زحمتکشان یولوندا، مسعود شهید
اولویدی"، "زحمتکشان یولوندا، طیب شهید اولویدی".
در پایان، به درختها و رفیق طیب با وجود مریضی و
کسالت سخنانی ایراد کرد، وی در قسمتی از سخنان
گفت: "۲۵ سال زحمت کشیدم، فرزند بزرگم، طیب
دورا زحمتکشان شهید شده و خوشی کم نمیشود، طیب
برای من یک فرزند بود، حال من هزارتا فرزند دارم،
راه طیب با تپا ادا مدها کند، شما ادا مدهندگان راه
طیب هستید."

ما با ردیگریه خون پاک این دورقیق شهید سوگند
باده می کشیم که راه آنها را تا برقراری جمعی-
دمکراتیک خلق، تا برپایی ایرانی آزادی و مستقل
ادا مدهیم.
در زیر پیام سازمان پیکار (کمیته آزادیگان) را
به خوانده ایان دوشهید پیکارگر ملاحظه میکنید.
پیام سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر -
کمیته آزادیگان به خانواده رفقای شهید
مسعود صالحی راد و طیب نجم الدینی

شهادت رفقا مسعود صالحی راد و طیب نجم الدینی
اولین جنایتی نیست که در این رژیم تفاق میافتد
«چنانکه آخرین آن نیز نخواهد بود، رژیم کبکی از
قیام پرشکوهِ مبهمن ما ۵۷هـ و بدستال جانبا زیها و
شهرمانیهای مردم دلیرا و سقوط دیکتا توری شاه و
بسته شدن دفتر ۲۵۰۰ ساله رژیمنا هشتا هی به قدرت
رسید، از آنجا که نمیتوانست و نمیخواست به خواسته
- های انقلاب پاسخ گوید در مقابل انقلاب ایستاد و
این را در قدم به قدم حرکت خود، نشان داد در بر خورد با
کارگران، با خلق کرد، خلق سرکمن، دانسنگا و نیرو-
های انقلابی و کمونیست نشان داد.
مردم که در ابتدا حکومت جدید را حکومت خود حساب
می آوردند با گذشت زمان و قتیکه در زندگی روزمره
خود مملکتهای دولت را تجربه کردند و بر تدریج محبت
اشکارها و روشنگریهای نیروهای انقلابی برایشان

گرامی باد خاطره رفیق شهید محمد تقی شهرام

دهم شهریور ما مصداق است با جلمین روز شهادت
رفیق محمد تقی شهرام، با شرکت در مراسم بزرگداشت
او که از ساعت ۷ تا ۹ عصر همان روز با حضور خانواده و اقوام
آن شهید در بهشت زهرا قطعه ۴۱ برگزار میشد. عمام
ارتجاعی او را حکومت نسبت به مبارزات انقلابی او
علیه آمریکا و رژیم شاهنشاهی و نیز مقاومت حماسی
آخرین اودر زندان جمهوری اسلامی، ادای احترام کنیم.
کمیته بزرگداشت رفیق شهید تقی شهرام

منتشر شد:

جواب دوم کتاب "مجموعه
مقالات درباره سازمان
جریکهای فدائی خلق"
منتشر شد، چاپ اول این
کتاب را رژیم جمهوری
اسلامی در تهاجهه جایفانه
- ای که آن را چاپ کرده
بوده غارت برد.

سازمان جریکهای فدائی خلق
در باره
مجموعه مقالات
منتشر شد

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

رزمندگان و مسئله رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی (۲)

بورژوازی رویزیونیستی بخشی از زندانیان چپ آزاد شده بود. اینان که در زندان در مورد مسئله شوروی عمدتاً از منابع غیر مارکسیستی لنینیستی و آثار التقاطی و حتی رویزیونیستی ضد فکری

را هدگیری ندادند جز اینکه در استراتژی پرولتاریا انحراف وارد آورده و صف دشمنان و دوستان بیسن - المللی طبقه کارگر و انقلاب را مخدوش سازد.



هر دیدگاهی که در عصر امپریالیسم ماهیت بورژوازی رویزیونیسم را نفی کند راه دیگری ندارد. جز اینکه ماهیت امپریالیستی شوروی را نیز نفی کند و هر دیدگاهی که امپریالیستی بودن شوروی را نفی نماید راه دیگری ندارد. جز اینکه در استراتژی پرولتاریا انحراف وارد آورده و صف دشمنان و دوستان بین المللی طبقه کارگر و انقلاب را مخدوش سازد.

در سطح جنبش کمونیستی ایران فلسفه شکایت از جمله با واقعیت سوسیال امپریالیسم تظاهر پیدا کرده است. جریاناتی مانند رفقای رزمندگان بدون اینکه خود از موضع اثباتی گامی مشخص و قاطع در جهت توضیح مستدل مسئله بردارند، فقط فلسفه شکایت را راجح میسازند و بدین ترتیب دامنه تزلزلات رویزیونیستی را گسترش میدهند.

کند بودند، پس از آزادی از زندان علیه درک پرولتاری از رویزیونیسم و نیز مارکسیستی سوسیال امپریالیسم به تعرض دست میزدند و دامنه تزلزلات موجود را گسترش میدهند.

در تریاتی که جنبش کمونیستی بین المللی در برآوردن سیاستی ایدئولوژیک و تکنیکالیته به سر می بردند، فداکاران و احزاب پرولتاریائی می باشند، رویزیونیسم در سالیان گذشته خود و نیز رویزیونیسم سوسیال امپریالیسم شوروی در حال تعرض می باشند. بدین ترتیب این تعرض به انحرافات عداوتی در چین و کومینتانگ رویزیونیستی در آن دو جبهه است. بدین معنی از این تعرض بین المللی نیروهای رویزیونیست بومی نیز با سموم ایدئولوژیک خود نیروهای مارکسیست لنینیست را مورد تهاجم خود قرار داده اند.

بدین ترتیب این عوامل اساسی بودند که زمینه ساز تزلزلات در حال رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی گردیدند. چنین زمینه سازی اجازت داد تا موج تزلزلات و کراپس رویزیونیستی در چین چپ ایران و بطور مشخص در طیف "حریان ۳" بالا بگردد.

سازمان رزمندگان از این موج برکنار نماندند. نفی امپریالیستی بودن شوروی که منجر به نفی تاثیر - گذاری و اهمیت سوسیال امپریالیسم در کینگ و استراتژی بین المللی پرولتاریا میگردد، نفی سوسیال امپریالیسم به یکی از ضوابط اساسی برای وحدت جنبش کمونیستی و... از جمله موارد تزلزل رویزیونیستی رفقای رزمندگان بشمار می آید.

رزمندگان ماهیت

امپریالیستی شوروی را نفی میکنند

هما نظر که مبادی تزلزلات رویزیونیستی در تبال رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم در انگال مختلفی ظهور میکنند، یکی از نکات پررنگ این تزلزلات شعار "سیدام چه میداند؟" می باشد. جریاناتی که درک پرولتاری از رویزیونیسم به یک جریان طبقاتی - بورژوازی ندادند و بر این مسئله استقرار رویزی

هما نظر که مثلاً کمینم در جنبش مارکسیستی لنینیستی ایران در سر خوردن و از بیانی از این دست - آوردهای جنبش کمونیستی جایی انحرافات و تزلزلات متعدد رویزیونیستی بروز کرده است و در همین ارتباط تزلزلات رویزیونیستی در طیف "خط ۳" و انجمنی انکار - با پذیراست و در تزلزلات رویزیونیستی رفقای رزمندگان در تبال سوسیال امپریالیسم شوروی انعکاسی از این واقعیت است.

رسد های غلب وجودی انحرافات و تزلزلات در تبال رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم چیست؛ برای پاسخ به این پرسش ما به حدیثی از امام علی (ع) مراجعه می - کردیم که میفرماید: "مؤمنان را از بیگانگان می - بردازیم".

۱- جنبش سوشل کمونیستی ایران طی دو دهه اخیر به - جز در خاک کمیت سنی چریکی بر آن غلبه عمده در - بندی انقلابی با رویزیونیسم خروخقی اسامی مانند تک سب سارای سیر و سید و در آمد در عرصه مبارزه پرولتاری علیه رویزیونیسم می باشد. درک محدود، رنارکسیسم و سوسیالیستی انطباقی و خرده بورژوازی از آن ۱۰۰۰ مکان سیر در یک مبارزه در رویزیونیسمی بر تدرت پرولتاری رابط نمود.

۲- با نفی عمدتاً روشنفکری سنگلات جنبش رزمندگان عدی جهت رد لیبرالیسم و تزلزلات و کراپس رویزیونیستی بوجود آورده است. در شرایط رزمه از ره طیفی روشنفکران خرده بورژوازی که به بورژوازی سبایل دارند به معنی سیاسی استیجای لیبرالی و رویزیونیستی سوب پیدا میکنند. تحولات سیاسی - اجتماعی بین از قضا به معنی است به تزلزلات و انحرافات رویزیونیستی می باشد.

۳- پس از قضا جنبش چپ و بطور مشخص، جریان "۳" در عرصه مبارزه ایدئولوژیک در رویزیونیستی کراپس یک حرکت را سر و راه، غیر فعال و کویومیستی بوده و نتوانسته است یک تعرض همه جا بنده سازی ایدئولوژیک علیه رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم را به پیش ببرد. تعرضی که نتوانست در زمینه تزلزلات و کراپس رویزیونیستی در درون سنگلات را مورد هجوم پرولتاری خود قرار دهد. در همین زمان جنبش چپ ایران مواجه با تعرض ایدئولوژیک خرده -

انجمن رهیج کمونیست بیگیری سمتیوانند موضع قاطع علیه رویزیونیسم خروخقی و سوسیال امپریالیسم شوروی قضا شده باشد، زیرا موضع علیه خروخقی سوسیال امپریالیسم جزو دستاورد های برجسته مارکسیسم لنینیسم در دوران اخیر بشمار می آید. این دستاورد ها حاصل مبارزه قدر رویزیونیستی علمی بود که از جانب مارکسیست - لنینیستهای چپان و از جمله حزب کار آلبانی و حزب کمونیست چین در طی سالهای ۶۰ و پس از آن علیه رویزیونیسم صورت گرفت. در طی این مبارزه مارکسیستی بود که رویزیونیسم خروخقی به معنای خط مشی بورژوازی و ضد پرولتاری افتاد، تحولاتی که در شوروی بدین حال استقرار رویزیونیسم بطور بیوسست مورد تحلیل قرار گرفت. و نیز انقلابی سوسیال امپریالیسم شوروی در پرتو آموزشهای مارکسیستی - لنینیستی و پراساس واقعیت عینی شوروی نسخه گیری و ارائه کردید. مبارزه قدر رویزیونیستی علیه خروخقی سوسیال امپریالیسم بطور مستقیم بر غنای مارکسیسم لنینیسم تا نیرگذاشته و پرولتاریائی چپانی را در مبارزه علیه دشمنان رنگارنگ آبدیده نمود. این مبارزه خط قاطع روشنی بین مارکسیسم لنینیسم و پرولتاریا از یک سو و رویزیونیسم و بورژوازی و بورژوازی از سوی دیگر کشید و همین خاطر منجمد کویومیستی - های بیگیری نمیتوانست چیزی دیگری جرمانه علیه رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم باشد. لنین آموختند است که لنینیسم در مبارزه علیه بورژوازی و سوسیالیسم نوبنیسم ما ختم و برداخته کردید و کمونیستهای چپان در دفاع از آرمان پرولتاریا و یکپارگی ایدئولوژی کمونیستی نمیتوانستند و نتوانستند علیه دشمن اصلی سوشلیالیسم علمی یعنی رویزیونیسم مبارزه در سخنان نه نگینند. این مبارزه در محور اصلی مبارزه ایدئولوژیک کمونیستها را تشکیل میداد و میداد. این مبارزه در زمانی ضروری بود و چونان پیدا کرد که رویزیونیسم به تصرف قدرت سیاسی در یک سلسله از کشورها مثل شده بود.

بیکترین کمونیستهای ایران مبارزه علیه رویزیونیسم را بمناسبت محور اصلی مبارزه ایدئولوژیک خود رزیایی نموده و این مبارزه را با مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم شوروی پیوند میزدند. آنان در حالیکه خط قاطع روشنی بین خود و رویزیونیستهای خائن سبجانی میکشیدند، هیچگونه تردیدی در مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم شوروی از خود بروز میدادند. آنان میدانند که مبارزه که تزلزلات در مارکسیسم تحریف میکنند، عمال بورژوازی یعنی رویزیونیستها و در این چار و بیژیونیستهای مرتد و انقلابی سبجانی نیز در مقابل و دستاورد های مارکسیسم تحریف میکنند اگر سبجانی ها در مورد سوسیال امپریالیسم تحریف بورژوازی دست میزنند، این امر مانع از آن نخواهد شد که بگوئیم ماهیت رویزیونیسم بورژوازی بوده و ماهیت شوروی بورژوازی امپریالیستی می باشد. هر دینتگاهی که در عصر امپریالیسم ماهیت بورژوازی رویزیونیسم را نفی کند راه دیگری ندارد جز اینکه ماهیت امپریالیستی شوروی را نیز نفی کند و هر دیدگاهی که امپریالیستی بودن شوروی را نفی نماید

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

یونیسف در شوروی و مجموعه تحولات ناشی از آن در عرصه رویتنا و زیربنای رانسی توانمند درک کنند، فلسفه شکاکیت را در سطح جنبش رواج میدهند. این جریان است واقعیت سوسیال امپریالیسم شوروی را زیر سؤال برده و این واقعیت را از یک "حقیقت عینی" به یک مسئله قابل بررسی نزول میدهند. اگنوستیسیسم "حقیقت عینی" زانفی کرده و "نمیدانم" را در برابر آن قرار میدهند. این دیدگاه فلسفی که یک دیدگاه بورژوازی است با ایجاد شک در ذهن دربار "حقیقت عینی" زمینه را برای تجدیدنظر فراهم آورده و آنجا که حقیقت اصول و دستاوردهای مارکسیسم لنینیسم را به زیر سؤال میکشاند در برابر ما تریالیسم علمی قرار میگیرد.

در سطح جنبش کمونیستی ایران فلسفه شکاکیت از جمله در ارتباط با واقعیت سوسیال امپریالیسم نظاره پیدا کرده است. جریان ناشی ماند رفتاری رزمندگان بدون اینکه خود از موضع اثباتی گامی مشخص و قاطع در جهت توضیح منطقی مسئله بردارند. فقط فلسفه شکاکیت را رایج میسازند و بدین ترتیب دامنه تزلزلات رویزیونیستی را گسترش میدهند. این رفتار مطرح میسازند با "یا سخ دقیق و علمی" برای "ساخت اقتصادی - اجتماعی شوروی و کشورهای متباعد" آنرا کذب و (رزمندگان شماره ۷ - ۵۸/۱/۲۵)

چنین دیدگاهی واقعیت ساخت امپریالیستی شوروی را نفی کرده و معتقد است یا سخ علمی در مورد ساخت اقتصادی شوروی موجود نیست. چنین دیدگاهی عملاً دستاوردهای جنبش کمونیستی جهانی را در این مورد نفی کرده و مبارزه در رویزیونیستی احزاب و سازمانهای کمونیستی و نتایج حاصله از آن را در این مورد مشخص به هیچ نمیگرد.

در نزد رفتاری رزمندگان در مورد مقوله سوسیال امپریالیسم دیدگاه فلسفی شکاکیت به دیدگاه اسکود نوینیستی پیوند میخورد. چگونه؟ بنظر ما دیدگاهی که بجای حرکت از موضع سیاسی - ایدئولوژیک و مبارزه طبقاتی، از اکتفا دوویزگیهای آن حرکت کند یک دیدگاه کاذب اگنوستیستی است. این دیدگاه اگنوستیستی قبل از آنکه معنای طبقاتی استقرار رویزیونیسم در کشور سوسیالیستی را درک کند و تحولات طبقاتی را برپایه کسب قدرت سیاسی توسط رویزیونیستها توضیح دهد، در پی آن است تا با ارفاق مواعنا را اکتفا دشواری را حلاجی نماید. در جامعه سوسیالیستی مالکیت سوسیالیستی را بطنه مستقیم و تنگای با حزب پرولتاریا و دیکتاتوری پرولتاریا می برقرار میکند. مالکیت سوسیالیستی بدون دیکتاتوری پرولتاریا معنا نخواهد داشت. بنا بر این می بایست نقطه حرکت خود در تحلیل از شوروی را تحلیل مسائل سیاسی ایدئولوژیک و تحولات طبقاتی ناشی از استقرار رویزیونیسم قرار داد. روشن است که بحث بر سر نفی اثبات اقتصاد سرمایه داری انحصاری شوروی نمی باشد. بحث بر سر نفی ارفاق مواعنا بر سرای توضیح دقیق و قاطع واقعیت امپریالیستی شوروی نمی باشد. بحث بر سر مواعنا و یه نگرش کمونیستی یا اگنوستیستی می باشد. بحث بر سر موضع تعرضی و پرولتری یا موضع متزلزل، یا سیو غیر پرولتری می باشد. بحث بر سر نقد دیدگاهی است که در برابر مقوله سوسیال امپری-

با لیسف نقطه شروع را اکتفا دان قرار میدهد و تحسنت عنوان تحلیل از اکتفا دشواری تزلزل رویزیونیستی خود را بنیان میسازد. بحث بر سر آن دیدگاهی است که با شک گرا می خود صحت آموزشهای مارکسیستی لنینیستی دستاوردهای سوسیالیسم و جنبش کمونیستی جهانی را به زیر سؤال کشیده، ماهیت بورژوازی رویزیونیسم و تحولات رویتنا و زیربنای منطقی بر این ماهیت

- اگر شوروی به صدور سرمایه دست میزند، اگر به تجاوز و کودتای می آورد و اگر دارای یک سیاست توسعه طلبانه ضد خلقی و امپریالیستی میباشد بدلیل ماهیت امپریالیستی آن است. به این دلیل است که در این کشور بورژوازی انحصاری دولتی حاکم بوده و اقتصاد شوروی یک اقتصاد امپریالیستی میباشد.
- نگرش مارکسیستی و تمام خلقی رفتاری رزمندگان آنجا تظاهر میکند که سیاست خارجی را از سیاست داخلی بککشور جدا میکنند. سیاست یک طبقه را از خود طبقه و منافع او جدا میکنند. سیاست طبعم از یک سیستم اقتصادی را از خود سیستم جدا میکنند.

و در یک کلام مسئله سوسیال امپریالیسم بنیان به نتیجه طبیعی این تحولات را مورد سؤال نفی آمیز قرار داده است. آری بحث بر سر دیدگاهی است که خود میکی بر تزلزلی رویزیونیستی بوده و به نوبه خود تزلزلات سازمانها و داده مندرج شده و زمیندار براری ارند ادوری برنامتن از مارکسیسم لنینیسم همسوار میسازد.

بر سر چنین دیدگاهی رفتاری رزمندگان مطرح میسازد:

"ما کمان نداریم که حطیلها را محسور موجود نکلید. چند دهه از تاریخ معاصر جهان و ساختمان سوسیالیسم را بکوره کرده ایم. ما معتقدیم که بررسی دقیق ساخت اقتصادی اجتماعی شوروی و کشورهای منابذ آن مسئلهای است که جنبش کمونیستی ایران (و جهان) می بایست همچنان در پی یا سخ دقیق و علمی با آن تلاش بیکیری از خود بروز دهد و نتیجه این اغیار که ما از بدینرسی نسبی "سوسیالیسم امپریالیسم محبت نمودیم." (همانجا)

ما نیز مانند هر کمونیست دیگر معتقدیم در تحلیل از تاریخ معاصر جهان و ساختمان سوسیالیسم به یاریان نرسیده است. ما نیز مانند هر کمونیست دیگر معتقدیم تحلیل همه جانبه تر از شکستها و دستاوردهای انقلابات سوسیالیستی و از جمله انقلاب شوروی و چین دستاورد - های نوینی را به ارمان آورده و راه پیروزی پرولتاریا را هموار تر خواهد ساخت. ما نیز مانند هر کمونیست دیگر معتقدیم تحلیل همه جانبه تر از چگونگی استقرار سرمایه داری در شوروی و سایر کشورهای رویزیونیست پرولتاریا را در بنبرد علیه سرمایه صلح ترخواهد نمود و مارکسیسم لنینیسم را غنا خواهد بخشید. ما مارکسیسم لنینیسم علم است و این علم در برابر زده طبقاتی پرولتاریا و در جمع بندی از شکستها و پیروزیها تکامل می یابد. مسائل مورد بحث این مسائل نیستند یا بدید مرکز نقل انحراف رفتاری رزمندگان در کجاست؟ با بدید این موضع "تحقیقی" رفتاری رزمندگان موضعی پرولتری و در جهت ارتقا ایدئولوژیکی است یا موضعی متزلزل و غیر پرولتری در برخورد به رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم و به این اعتبار یا بدید یا رفتاری رزمندگان تری سوسیال امپریالیسم را قبول دارند یا نه؟

از دو حال خارج نیست: یا رزمندگان این تری را

قبول دارند و بنا بر این معتقدند که شوروی یک کشور سرمایه داری یا ساخت اقتصادی امپریالیستی می باشد. یا شوروی رزمندگان این تری را در جوهر خود مورد نفی قرار میدهند. بنظر ما رفتاری رزمندگان سوسیال امپریالیسم را به مفهوم کشوری که در آن بورژوازی انحصاری حاکم بوده و اکتفا دان دارای ساختی امپریالیستی می باشد. قبول ندارند. بدلیل این حکم مجموعه نظریاتی

- اگر شوروی به صدور سرمایه دست میزند، اگر به تجاوز و کودتای می آورد و اگر دارای یک سیاست توسعه طلبانه ضد خلقی و امپریالیستی میباشد بدلیل ماهیت امپریالیستی آن است. به این دلیل است که در این کشور بورژوازی انحصاری دولتی حاکم بوده و اقتصاد شوروی یک اقتصاد امپریالیستی میباشد.
- نگرش مارکسیستی و تمام خلقی رفتاری رزمندگان آنجا تظاهر میکند که سیاست خارجی را از سیاست داخلی بککشور جدا میکنند. سیاست یک طبقه را از خود طبقه و منافع او جدا میکنند. سیاست طبعم از یک سیستم اقتصادی را از خود سیستم جدا میکنند.

است که رفتاری رزمندگان را به درک خود از سوسیال امپریالیسم را کذب نموده اند. بدلیل این حکم این است که این رفتار میگوید که در مورد "ساخت اقتصادی اجتماعی شوروی" یا سخ دقیق و علمی وجود ندارد. یا بدینرسی بدین این یا سخ بود. بدلیل این حکم این است که این رفتار صحبت از "بدینرسی نسبی" تری سوسیال امپریالیسم میکند.

بنظر ما رفتار تزلزل رویزیونیستی خود را در بنبرد مسئله بررسی ساخت اقتصادی شوروی می توانند. به نظر ما رفتاری تدرک پرولتری از ماهیت رویزیونیسم و مجموعه تغییر و تحولات ناشی از حاکمیت آن در شوروی می باشد. و این تزلزل رویزیونیستی تا بدانجا به پیش میروند که عملاً یکی از دستاوردهای جنبش جهانی کمونیستی مورد نفی قرار میگیرد. بنظر ما جنبش بین المللی مارکسیستی لنینیستی آنجنا کتون در - با ره سوسیال امپریالیسم شوروی مطرح ساختند - اندازگاهی قابل انکامی با تدا در یک روشنی و ضریحی در این مورد پیدا نموده و موضع استواری در قبال سوسیال امپریالیسم شوروی اتخاذ کرد. جنبش بین المللی کمونیستی بد چه نتایجی در این مورد رسیده و چه آموزشی را ارائه میدهد؟ این آموزش بطور مختصر چنین است:

رویزیونیسم یک خط می بورژوازی بوده و رویزیونیسم در قدرت بمعنای بورژوازی در قدرت است. به دنبال استقرار رویزیونیسم خروشنجی بر حزب و دولت شوروی و تحولات فدا انقلابی در رویتنا این جامعه، زیربنای جامعه کلا ملامتاشده و به راه سرمایه داری جهت گیری می نماید. بدین ترتیب پرولتاریا به طبقه تحت سلطه تبدیل شده، از مسائل تولید جدا گشته و نیروی کار را به کالای بدل میگرد. طی یک استحاله بورژوازی همه جانبه اقتصاد سوسیالیستی به اقتصاد امپریالیستی و شوروی سوسیالیستی به شوروی سوسیال امپریالیستی تبدیل میشود. کشوری که از نقطه نظر لنینی در اساس خود مشخصات اصلی امپریالیسم را همراه دارد، کشوری که بر سر اعمال هژمونی و سرگرد - گرا می با امپریالیستها و دیگر بر رقابت پیدا خنسو همانند دیگر امپریالیستها بر فدا انقلاب اجتماعی و استقلال و آزادی خلقها عمل میکند، کشوری که در محاسبه نیروها در عرصه بین المللی جزیر ارد. و گاه فدا انقلاب

بقیه در صفحه ۱۳

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

اعلامیه سید عزالدین حسینی

در باره سیاست سازشکارانه چریکهای فدائی (اکثریت)



خود در کردستان از مدتها قبل حمله به نیروهای سپه در جنبش مقاومت خلق کرد را آغاز کرده و سراپا مپس از مدتی مدارک مقدماتی و زمینه چینی، این روزها با انتشار اراکا ذیب، همان تبلیغات و آنها ماتی را که سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و دشمنان خلق کرد از یکسال پیش علیه من برآه آدا خندان، تکرار نموده اند بدین ترتیب خیال خود بر رویه حسنیت مقاومت را تکمیل و همرا - جز خودسان - لکده را کرده اند.

سازمان چریکها با این برآمده تدریجی همسپو ند های میان خود و حسنیت مقاومت خلق را بریده است تا با حال راحت نموده ای را که آیت الله بهشتی سپرده است، اجرا نماید.

حاکمیت رویزیونیسم را بدولت و ملی سازی و ملی سازی فدائی (اکثریت) با عت شده است که فاسد این سازمان با سرعت بسیار زیاد و بطور روزانه از نیروهای خلقی و انقلابی زیاد شود و در عوض نزدیکی و هماهنگی اثر با رژیم حاکم افزایش یابد. از همین رو تعجب آور نیست وقتی میبینیم فدائیان (اکثریت)، نیروهای انقلابی خلق کرد را جنگ افروز و "وابسته" مینامد، بر علیه جنبش خلق کرد توطئه میکند، پیشبرندگان قهرمان خلق کرد را "فدا انقلاب" خطاب مینمایند و در مقابل به دستبوسی جنایتکارانی چون بهشتی میروند "طلح" و آرایش در کردستان را از هیئت حاکمه جنگ افروز گدائی میکنند و به هواداران و اعضای خود در "کردن" توجیه میکنند تحت فرمان پاسداران فدا انقلاب در آیین

● سازمان چریکها، خلق کرد و خلقهای ایران را از ولوی پالیزیان و اویسی و خطر نفوذ مزدوران بعث و امپریالیسم میترساند تا آنان را با استقرار حاکمیت ضد خلقی جمهوری اسلامی راضی کند و ادعا می کند که در صورت ادامه جنگ در کردستان امپریالیسم و رژیم بعث عراق از آن استفاده می کنند پس باید هر چه زود تر سلاح را بر زمین گذاشت و جنبش مقاومت خلق کرد را در محضر رژیم ارتجاعی حاکم قربانی نمود. آنها شهادت قبول این واقعیت را ندارند که حتی اگر همه پست فطرتان جهان بخوانند از جنگ کنونی کردستان بنفع خود سوء استفاده کنند، گناه از خلق کرد نیست و لطمه ای به حقانیت و عادلانه بودن جنبش مقاومت خلق کرد وارد نخواهد آمد، بلکه گناه آن تنه ا به گردن هیات حاکمه ضد خلقی است که این جنگ ظالمانه را به ما تحمیل کرده است.

آری غلبه رویزیونیسم بر "اکثریت" فدائیان چنین نتایجی را ببار آورده است و این موضعگیری ها و سیاست ها و عمل کرده ها از آثار طبیعی و ناگزیر حاکمیت رویزیونیسم بر این بخش از چریکهای فدائی مینماید. اخیراً در رابطه با سیاست سازشکارانه و اپورتونیستی "اکثریت" فدائیان در مقابل جنبش خلق کرد و خراب کاری های این رویزیونیست ها در آن، اعلامیه مفصلی از روحانی مبارز و شخصیت انقلابی و دموکرات کرد، سید عزالدین حسینی، تحت عنوان "سیاست تائین به تال گام به گام سازمان چریکهای فدائی خلق (اکثریت)" در کردستان "منتشر شده که برای آگاهی خلقهای قهرمان ایران و در حمایت از خلق مقاومت و دلاوری کرد آرا عیناً تکثیر می کنیم.

پیروزی با دمبارزات دموکراتیک - فدا میر با لیستی خلقهای ایران!

اعلامیه سید عزالدین حسینی:

در باره سیاست "فاسد به تال گام به گام" سازمان چریکهای فدائی خلق (اکثریت) در کردستان
 بسم الله الرحمن الرحیم
 "یا ایها الذین آمنوا ان جا تکم فاسق بنیسا فتبینوا ان تصیبتو ما بجا له فتصیحوا علی ما فعلتم تا دمین"
 (ای کسانی که ایمان آورده اید اگر فاسقی خیری را بیاورد در باره آن تحقیق کنید میباید از روی جیالت (در اثر عدم تحقیق درباره آن خبر) با قومی در آفتبسیس از کرده خودتان بنییمان گردید) (قرآن کریم)

مردم مبارز و آزادیخواه سراسر ایران!
خلق ستم دیده و زرنده کرد!

اخیراً سازمان چریکهای فدائی خلق (اکثریت) در آراء و موضعگیریهایش علیه حسنیت مقاومت خلق کرد دست به تبلیغات فاسدانه داری زده است، این تبلیغات

این نخستین بار نیست که آنها ماتی از این قبیل در مورد من مطرح می شود. این حرفها از بس کهنه و نغدر از طرف آخوندها، سران رژیم ضد خلقی و دشمنان خلق کرد، سکرار شده اند که به آن عادت کرده ایم. جالب آنست همه گناه سکه در خط هیات حاکمه ارتجاعی قرار میگیرند بد سروری از آنان، دروغ پردازی و آنها ماتی شخصی را دسما به اصلی خود قرار میدهند، معمولاً هم بعنوان رشوه و بیستگی برای خویشاوند های حاکمه من حمله می کنند تا بلکه مورد قبول و عنایت قرار گیرند. فضا با منحرف کردن مسائل جنبش به مسراتها ماتی شخصی می - کوسد حرجها با سیاسی و انقلابی را لو ت نموده و از جوا ی کوشی به مسائل اساسی جنبش شانه خالی کنند. من تا کنون در برابر استکونته تبلیغات و اتهامات علیه شخص خود مپا سکوت جوا ی بگویده ام و مردم هم تفاوت

اساساً در خدمت ۲ هدف سیاسی آن سازمان است:
 اول - نزدیکی با هیات حاکمه جمهوری اسلامی و تائید سیاستهای مداخلی و سرکوبگرانه آن به بهانه با سلاح مبارزه فدا میر با لیسی.
 دوم - تضعیف و تحریک جنبش مقاومت خلقی و تسلیم در مقابل یورش و حشیانه هیات حاکمه میباید مبارزه با نفوذ مزدوران امپریالیسم و رژیم بعث عراق در کردستان و سازمان را در روغن جلوکیری از "خنک برادر کشی" و استغفار و طلح عادلانه."
 سازمان چریکها (اکثریت) منظور آنرا ده کردن زمینه افکار عمومی برای نوجیه سیاست تسلیم طلبانه

(۸) - "تا سید مال یک" ملاحظه سیاسی کردی است، به معنای ستم شدن و سلاح بر زمین گذاشتن و انقلا جنبش

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

خود را در عمل نشان داده اند، اما چون هدف سازمان چریکها از این تبلیغات، ضربه زدن بجنبش مقاومت خلق کرد و توجیه سیاست "ناشبه تال" خود در کردستان است وظیفه خود میداند به منظور روشن کردن مسئله برای مردم ایران و خلق قهرمان کرد، سوابق امر را با اطلاع عموم برسانم.

سازمان چریکها، این حملات را از وقتی آغاز کرد که در مرکزیت آن گرایش به هیات ها که مسلط شده بود اما قبلا هم برای خلق کرد مطرح بود که چرا سازمان چریکها در دوران اول جنبش مقاومت فعال نبود، در حالی که پیشمرگان نیروهای ملی و انقلابی کردستان و هم چنین مردم مسلح شهرها و روستاها در مقابل بیورش و حشیا نه هیات ها که در ۲۸ مرداد ۵۸ قهرمانان سه ایستادگی کردند، و با تعرض متقابل خود طرف دو ماه اشغالگران را با شکست فاحش روبرو ساختند. چرا سازمان چریکها خود را از مقابل بله و درگیری با هیات ها که کمترین ریسک بود در آنوقت این پرسش، بیش از همه ذهن هواداران و پیشمرگان سازمان را که سردرگم شده بودند، بخود مشغول کرده بود. حتی عده ای از هواداران و پیشمرگان انقلابی آنها تا گزیر بیرون اجازت مرکزیت و با نام دیگری بچنگ اشغالگران ضد خلقی میشتافتند و در این راه مقدس شهید می دادند، با وجود این موضع انفعالی، بنا به سابقه مبارزاتی و نقش مثبتی که در سطح ایران داشتند، هنگام کموش برای تشکیل شورای همکاری مقاومت کردستان "در شهریور ماه ۵۸، از شاخه کردستان سازمان چریکها نیز مانند حزب دمکرات و سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) دعوت بعمل آورد تا بدینوسیله آنها همه به شرکت فعالانه در جنبش مقاومت و ادراک و شوق شوند. با رها نسیز در طول دوران اول مقاومت عواقب سوء بکار نریندن تمام امکانها نشان در جهت تقویت جنبش مقاومت را به مسئولان شاخه کردستان یادآور شد و آنها میگفتند که با مرکزیت خود را این باره دچار مشکلاتی شده اند. معیذاً در جریان مذاکرات و تشکیل هیات نمایندگی خلق کرد هم، به علت داشتن مواضع مترقی و مبارزانشان علیه هیات ها که ارتجاعی، و بدلیل آنکه شرکت یک سازمان سیاسی سراسری برای تبلیغ گسترده در سطح شور و استقامت میبوند مبارزاتی خلق کرد را دیگر خلقها و آگاهان نمودن مردم ایران از حقانیت و عادلانه بودن جنبش مقاومت خلق کرد مفید به نظر میرسید، روی مسئله شرکت سازمان چریکها با فشاری نمودم.

در آن روزها عده ای با شرکت سازمان چریکها در هیات ها تنها بندگی خلق کرد مخالفت میکردند و مسئله از طرف مردم هم تا حدود زیادی مورد سؤال بود. به علاوه هیات ویژه دولت هم بدست با شرکت آنها (کومله) در مذاکرات مخالفت میورزیدند. سرانجام با اصرار مسن در آستانه شش ماه، شاخه کردستان سازمان چریکها در هیات نمایندگی خلق کرد وارد آمد.

میتوان گفت که همزمان با تشکیل هیات نمایندگی خلق کرد، برای ترغیب سربخ مرکزیت سازمان به هیات ها که ضد خلقی (بدنبال ما جرای سفرات آمریکا)، در سیاست شاخه کردستان نسبت بجنبش مقاومت تغییرات قابل توجهی حاصل شد و کم کم به ایرادات من نسبت به نیروهای مترقی و ایجاد آنها موپخش بذر تنزل در صفوف جنبش برداختند. البته آنچه آن در بریده می -

گفتند، از طرف مطبوعات و محافل وابسته به رژیم و دشمنان خلق کرد با صراحت و وقاحت آشکار تبلیغ میشد اما با توجه به عکس العمل قاطع و انقلابی مردم کردستان، سازمان چریکها جرات را از مخالفت علنی با جنبش نداشت و سیاست دیگری، سیاست تخریب از درون و تسلیم گامها را در پیش گرفت.

در جریان سخن یکما هم مردم سنجندج و ضرورت پشتیبانی آن و کمترین مضمون اعتراضی آن به سران کردستان، که در آنموقع گام مهمی در اعتسای جنبش مقاومت بشمار میرفت، سازمان چریکها به بیانانه همزمانی آن با جریان تیریز و بدلیل موضعگیری پشتیبانی از با صلاح جناح فدا میرا لیست هیات ها که علیه لیبرالها، از پشتیبانی فعالانه از مردم سنجندج سر باز زدند و حتی اصرار داشتند که من دعوت اعتصاب عمومی و تظاهرات سرتاسری ۱۶ دی ماه شهر - های کردستان را انقوت کنم. در آنموقع برای نشان توضیح دادیم که پشتیبانی از مبارزه مردم سنجندج و اعتلا بخشیدن به جنبش مقاومت در جهت کسب حقوق عادلانه خلق کرد به تقویت دموکراسی در سران ایران کمک میکند و به معنای پشتیبانی از هیچ جناح ارتجاعی در مقابل جناح دیگری نیست.

پس از بیان پیروزمندان نه تنها مردم سنجندج، هنگام شروع جنگ کامیاران و در سرار خلق سلاح نیاه روزگاری سازمان چریکها به "گومه له" حمله کرد و از هیچ کوششی جهت ایجاد آنها و مبارزات و جنگال و لوت کردن جنبه انقلابی آن عمل دریغ نوزید. در رابطه با همین مسئله، پس از مدتی (چند روز قبل از جنگ اخیر) موضوع اعزام هیات های بزرگ نماینده مبارزه گاه گاه نیای کومه له و روزگاری بزرگ نمایی کرده و از آن تبلیغات مسمومی برآوردند. غلبه امر مردم به خاطر حفظ وحدت صفوف هیات نمایندگی خلق کرد بود و در موقع شروع جنگ از با سخگویی خودداری کرد و به با آوری شفاهی در مورد ضرورت رعایت اخلاق سیاسی و پرهیز از دروغ و افترا اکتفا نمودم. در حقیقت آنها عمدتاً فراموش کرده بودند که من بعنوان یک روحانی مورد اعتماد مردم، محل مراجعه اشخاص گوناگون هستم. در آنوقت عده زیادی از روحانیون منطقه و مریدان و مینسوبان خانواده نقشبندی بطور مکرر بمن مراجعه کرده، خواستار آزادی افراد دستگیر شده از خانواده بودند. به سه مقتضای موقعیت روحانی خود به منظور برآورد کردن درخواست مراجعین، هیات های برای حل مسئله اعزام نمودم. مبارزه گاه گاه با وجود عدم تمایل کومه له به انجام گرفتن و خارج از این مسئله هیچگونه بندوبست یا مذاکره در جریان نبودند.

براستی سازمان چریکها در این قضیه چه چیزی عجیبی کشف کرده بود؟ چرا اینکه عمدا میخواست یک مسئله ساده و عادی را مرموز و پیچیده نشان داده سپس نامسای روزگاری را دستاویز پیش بدبینی و متهم کردن نیروهای انقلابی به وابستگی و جنگ افروزی نماید و از این راه لطمه ای بجنبش مقاومت زده و خدمتی به هیات ها که کرده باشد.

بالاخره هیات ها که ضد خلقی و ارتجاعی جنگ دوم را در آفریندند ۵۹ بخلق کرد تحمیل کردند. از شروع جنگ عملی دوم تاکنون غلبه رژیم مقاومت قهرمانان مردم کردستان و بجای شرکت فعالانه در آن، سیاست

سازمان چریکها در جهت نزدیکی به هیات ها که کمه و تضعیف جنبش مقاومت و تبلیغ عوام فریبانه در باره با صلاح جلوگیری از جنگ برادرگشی و امکان استقرار صلح عادلانه و غیره... با سرعت و صراحت بیشتری ادامه یافته است. این سیاست فرصت طلبانه بجای واقعیت مبارزات در کردستان و سرانجام در تنفاد بود که با عت بیرونی در شنید و اشعاب در درون سازمان نیز گردید.

اما سازمان چریکها (اکثریت) همچنان سیاست کجروا نه خود را با عنا دلچایا داده، بطوریکه همه تعهدات خود را در مقابل هیات نمایندگی خلق کرد نیز زیر پا نهدند. آنها میترسند که مبارزات در نتیجه گسترش مقاومت در کردستان مجبور شوند از حاکمیت فاصله پیدا کنند. آنها خود را طح دوست و مستقل و دیگران را جنگ افروز و وابسته معرفی میکنند. با زشکاری فرصت طلبی خود را برنا مصلح قلمداد کرده و دیگران را به نداشتن برنا به مشخص جهت برقراری صلح در کردستان متهم مینمایند. گوشه عمدتاً فراموش کرده اند که تشکیل هیات نمایندگی خلق کرد و آماجگی دانشمندان برای مذاکره اعلام آتش بس، تهیه طرح ۸ ماده ای و ۲۶ ماده ای بعنوان مبنای مذاکرات، تلاش پیگیر برای جلوگیری از جنگ مجدد و حفظ متانت انقلابی در مقابل هیات ها که کمه... اینها همه طرحهای مشخصی بودند که سازمان چریکها خود نیز در تدوین آن شرکت داشته است.

همچنین فراموش کرده اند که هیات ها که بنا به اعتراف صریح سران جمهوری در طول مذاکرات قطع نظرا زمان نورهای تفرقه افکنانه و تدارک جنگ مجدد هیچ برنا به دیگری نداشت. آنها پس از تحمیل جنبش مجدد و بخصوص بعد از عدم قبول آتش بس بکطرفه هیات نمایندگی و اعلام رده گوناگون آتش بس و مذاکره از طرف هیات ها که کمه ارتجاعی، دیگر خلق کرد غیر از مقاومت مسلحانه چه برنا می توانست داشته باشد؟ هنگامی که هیات ها که کمه برنا به جنگ ظالمانه در آمد ما هم گزیر برنا به مقاومت عادلانه داریم، تا با شکست دادن نیروهای سرکوبگرش در نهایت صلح دیگری به او تحمیل نمایم.

اما سازمان چریکها، در شرایطی که هیچ برنا به ای جز مقاومت مسلحانه نمیتوانند راه گشای ادامه موجودیت خلق کرد و جنبش حق طلبانه خود مختاری کردستان باشد، تحت عنوان بوج وی محتوای استقرار صلح عادلانه و جلوگیری از برادرگشی چاره را در تسلیم و رضا جستجو کرده و در واقع از همان راهی میروند که در ترکمن صحرا پی آمده بود. سازمان چریکها، در ترکمن صحرا، نه تنها خون شهیدان خلق ترکمن، بلکه دست آوردهای مبارزات حق طلبانه، این خلق مبارزان نیز بر باد دادند. آنها با تنها گذاشتن خلق ترکمن در روز سختی و کمک با استقرار حاکمیت ضد خلقی رژیم در ترکمن صحرا ضربه زان بخشی بر مبارزات خلقهای ایران وارد آورد.

البته اگر در کردستان هم نیروهای دیگری در رهبری جنبش مقاومت فعالانه شرکت نداشتند و اگر خلق کرد قهرمانان نه در مقاومت توده ای شرکت نمی جست، شاید سازمان چریکها نمیتوانست سازش خود را بدون سروصدا و بدون بحران عملی سازد. اما خوشبختانه وضعیت واقعی پیشرفت کمی و کیفی مبارزات خلق کرد، روند نیروهای انقلابی و مترقی در کردستان، به

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

پیکار

سا زمان چریکها آجا زندا ده است که در سرنوشت جنبش مقاومت خلق کرد نقش مهمی داشته باشه و بتوانند آنرا قریبانی سیاست فرصت طلبانه خود نمایند.

درست بهمین دلیل سا زمان چریکها ناچار شدند برای اجرای توطئه تسلیمگام مبهگام خود در کردستان راه طولانی تری را طی نمایند. بنابر این از یکطرف با مذاکرات و بندوبستی پشت پرده با آیت الله بهشتی و دیگران، تلاش کردتا هیات حاکمه ارتجاعی را "حالی" کند که برای خالی نبودن عریضه و فریب مردم بسک "حداقل" امتیازی به کردستان بدهد. کاری که دیگران با تهیه "طرح خودگردانی" و صرف نیروی فراوان از عهده آن بر بنیامده بودند. (البته هیات حاکمه بنا به ماهیت ارتجاعی خود "ناحالی" تر از آن است که به نصیحت یا ران مشفق خود گوش فرادهد). و از طرف دیگر با بستن آنها موجا و روحناج تلخینا حتی در بیستساره و بیستگی نیروهای انقلابی کردستان و بزرگ جلوه دادن خطر توطئه مزدوران امپریالیسم ورژیم بعث عراق، جنبش مقاومت خلق کرد را آلوده سازد، حملت عادلانه آنرا نفی کند و در نتیجه روحیه مقاومت را هم از پایا بوهم از رهبری دچا برحان نمایند تا بدین ترتیب دستورالعمل آیت الله بهشتی را اجرا کرده باشد.

اما هیات حاکمه ضد خلقی با دیدن آنکه با بند و بست پشت پرده و جلب نظر سا زمان چریکها (اکثریت) در جهت باصطلاح "استقرار حاکمیت جمهوری اسلامی" در کردستان راهیجائی نخواهد برد و شهادت این سازمان برای اخلال در مبارزات مردم کردستان هیات حاکمه را از شکست حتمی در برابر جنبش مقاومت خلق کرد نجات نخواهد داد.

من با سرافرازی بیهمه خلقهای ایران مزدهمی - ده کهکم علیرغم اینکه کارشکنیها و تلاشهای مذمومانه اینک در کردستان هم سیاست سرکوبگرانه هیات حاکمه و هم سیاست سازشکارانه سا زمان چریکها با شکست مواجه شده است و دورود و جنبش مقاومت خلق کرد، با شگوه تر و نیرومندتر از دور اول با استواری سخره ها و کوههایی سرفسک کشیده کردستان، اشغالگران و فرصت طلبان را به خسران و ناگامی دچار ساخته است. اینک توده های بمراتب وسیعتری از مردم کردستان به جنبش مقاومت جلب شده اند، و پیوند میان آنها و نیروهای انقلابی و ملی فشرده تر و گسترده تر از همیشه است. پیروزیهای بی دربی پیشمرگان قهرمان، روحیه انقلابی مردم را بالا برده و دشمن را در وضعیت دشواری قرار داده است.

خلقهای مبارز ایران!

سا زمان چریکهای فداشئی خلق (اکثریت) در ادامه سیاست سازشکارانه خود اکنون عملا در کردستان "شاش به تال" کرده است، یعنی در مقابل یورش هیات حاکمه تسلیم شده و سلاح بر زمین گذاشته است. و اگر اوائل در جنگ مقاومت شرکت داشته است اکنون از این کسار بشیمان بوده و مطلب مغفرت نموده است. در نتیجه چه اندک یا بیگانه خود را هم در میان خلق کرد زندست داده است. عده قابل توجهی از هواداران صادق و انقلابی آنرا برای ادا مینارزه در صفوف جنبش مقاومت خلق کرد سا زمان را رها کرده اند. برخلاف گذشته، افسراد

مسلح سا زمان چریکها دیگر از امتیاز و احترام و محبوبیت خاص پیشمرگان کردستان برخوردار نیستند. - مردم شهرهای کردستان به آنها اعتماد ندارند و مردم دهات آنها را از خود میرانند، زیرا سا زمان چریکها بخاطر نزدیکی با هیات حاکمه نه تنها خود را از جنبش مقاومت خلق کرد کناره کشیده، بلکه همه فعالیت خود را در جهت لگه دار کردن و توطئه چینی علیه جنبش مقاومت متمرکز کرده است.

به گمان من سیاست تسلیم طلبانه سا زمان چریکها (اکثریت) در کردستان بدنیا ل سیاست آنها در قبایل خلق ترکمن، مسئله اشغال دانشگاهها و بطور کلی تسلیم در برابر برسیا ستهای سرکوبگرانه و خونین هیات حاکمه ضد خلقی در سراسر ایران نشانه یک سقوط سیاسی و به معنای پشت کردن بمبارزات دمکراتیک خلقهای ایران میباشد. سا زمان چریکها بدنیا ل این سقوط سیاسی از نظرا خلقی هم سقوط کرده است که نمونه آنرا در نا سیاسی آن نسبت به خلق کرد و دروغ پر داری در باره جنبش مقاومت خلق کرده مشاهده میکنیم.

لازم است یادآوری کنیم که مبارزات خلق کرد جزئی از مبارزات خلقهای ایران است. بنابر این انتظار داریم که همه مبارزان راه آزادی و دمکراسی همسه زحمتکشان و خلقهای ستمدیده ایران همچنان از جنبش مقاومت خلق کرد پشتیبانی نموده و در راه استکرامهر چه بیشتر پیوند مبارزاتی خلقهای ایران علیه نایمه پراکنی بی اساس قاطعانه مبارزه کنند.

هواداران صادق و انقلابی سازمان چریکها (اکثریت) در سراسر ایران!

در حالیکه رفقای شما هر روز به دست هیات حاکمه دستگیر و اعدام میشوند، رهبران سا زمان چریکها (اکثریت) همچنان بدون توجه به جنایات هیات حاکمه به سیاست تسلیم و سازش خود ادامه میدهند و باین ترتیب روح انقلابی ستهای انقلابی و میراث انقلابی شهیدان بیتان را پایمال میکنند. آنها برای توجیه نزدیکی خود به هیات حاکمه جنایات خلقی و فدا میریالیست برای آن اختراع می کنند و شما را در دریای سردگنی می اندازند. چگونه میتوان رژیم باین همه جنایات را فدای امپریالیست دانست؟ آیا فرمان یورش به کردستان، قتل عام هزاران نفر از مردم بی دفاع و تیرباران ده ها نفر از جمله زنان و دختران انقلابی کرد، ویران کردن شهرها و روستاها، نابودی محصولات و محاصره و فشار اقتصادی، برقراری حکومت نظامی و خفقان فاشیستی در شهرهای اشغال شده کردستان و اخراج دسته جمعی کارمندان و معلمان مبارز، مسلح کردن فئودالها و جا شها علیه زحمتکشان کردستان، همچنین سرکوب خونین خلق ترکمن، زحمتکشان انزلی، دکهداران، زنان مبارز، اشغال خونین دانشگاهها و اعدام مهر روزها انقلابیون در سراسر ایران، بستن دفاتر سا زمان - های سیاسی و برقراری سانسور و خفقان و سلب کلیه آزادیهای فردی و اجتماعی و دستگیری هزاران تن از جوانان انقلابی بجرم فعالیت سیاسی و مدعا نمونه از سیاست سرکوبگرانه و خونخوارانه هیات حاکمه جمهوری اسلامی آجا ز میبده که آنها را با جناحی از آنرا

خلقی و فدا میریالیست بدانیم؟ رهبران سا زمان چریکها با سیاست بندوبست و سازش پنهانی به دنباله روی و تاخیر چینی هیات حاکمه ای میپردازند. آنها در رابطه با زد و خورد های ارومیه و شاهیندژ، ماهیت جنا پیکارانه هیات حاکمه و خصلت ظالمانه جنگ تحمیلی را نادیده گرفته اند، پیشمرگان جنبش مقاومت را "فدا انقلاب" میخواهند و از پاسداران سرکوبگر حاکمیت میکنند. آنها صفوف جنبش مقاومت خلق کرد را ترک کرده اند و در شرا پطنی که پیشمرگان فداکار و با ایمان مشقات جنگ تحمیلی را برخود هموار میکنند در شرا پطنی که من با ضعف بنیبه و ناخوردگی در میان پیشمرگان و در کوهستانهای کردستان بسمیر میروا آنها در احتیاجاتش در شهرها نشسته اند تا بخاطر خود جنبش مقاومت خلق کسرد و پیشمرگان فداکار را لجن مالی کنند؟

آیا شما این سیاست را یک سیاست انقلابی میدانید؟ آیا این همان راهی نیست که حزب توده میروا کما هانه قضاوت کنید و اگر چنین نیست راه خود را از راهبران فرصت طلب سا زمان چریکها جدا کنید تا از جنبش مقاومت خلق کرد و مبارزات خلقی ایران جدا نشود.

خلق ستمدیده و رزمنده کرد!

جای تعجب نیست اگر سا زمان چریکهای (اکثریت) با انتشار رجلیاتی در نشریه "خبر" ۵۹/۵/۱۳ مرا نیز مورد حمله و اتهام قرار داده است. آنها در سیاست تسلیم به هیات حاکمه ضد خلقی و پشت کردن به جنبش مقاومت خلق کرد، تا آنجا جلو رفته اند که رسماً از پاسداران سرکوبگر حاکمیت کرده و پیشمرگان فداکار حزب دمکرات را که در شاهیندژ و بندارومیه می جنگیدند "فدا انقلابی" خوانده اند. بنابر این دیگر از اینکه مرا هم مورد تهمت و افترا قرار داده اند متاسف نیستم زیرا من خود را از پیشمرگان کردستان جدا نمیدانم. پیشمرگان به وظیفه انقلابی خود یعنی جنگیدن با نیروهای سرکوبگر هیات حاکمه عمل کرده اند، من هم در حد توانائی به وظیفه خود عمل کرده و خواهم کرد.

وظیفه من بعنوان یک شخصیت روحانی موردا اعتماد خلق کرد، تشویق و ترغیب توده های وسیع مردم کردستان بمبارزه در راه کسب خودمختاری کردستان در ایران است. از دودموکراتیک میباید. بعد از فرمان سوم ۲۸ مرداد با رسال و هجوم وحشیانه بکردستان وظیفه خود را جلب پشتیبانی هر چه وسیعتر مردم به جنبش مقاومت خلق کرد و تشویق مردم کردستان از زن و مرد و پیرو جوان و شهری و روستائی به ایستادگی در مقابل اشغالگران و سرکوبگران دانسته ام و در این راه خود نیز دوش بدهم و پیشمرگان، شرایط سخت کوهستانهای کردستان را بجان خریده و در صف مقدم جنبش مقاومت خلق کرد بمبارزه ادامه داده ام.

آشکاراست که به مقتضای موقعیت خود در این مدت با افراد و شخصیتها و جهات سیاسی گوناگون برخورد ارتباط داشته ام. از روحانیون، اشخاص با نفوذ کردستان، روسای عشا بیروا بلات گرفته تا بازاریان و محترمان شهرهای کردستان، از زحمتکشان شهرها و روستاها گرفته تا دانش آموزان، دانشجویان معلمان و روشنفکران، از گروههای انقلابی و مترقی گرفته

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهار چوب ایزانی مستقل و دموکراتیک

تا شخصیتهای سیاسی و ملی و مذهبی در سراسر ایران به درجات مختلف با من دوستی، آشنائی و ارتباط داشته اند و من کوشیده ام که این طیف گسترده را در جهت تقویت و پشتیبانی جنبش مقاومت خلق کرد را هماهنگی نمایم.

هنگام شروع جنبش مقاومت، علاوه بر پیشمرگان نیروهای سیاسی، بسیاری از مردم در سراسر کردستان مسلحانه به مقاومت و دفاع برخاستند که تا آنوقت در هیچ سازمان سیاسی متشکل نشده بودند. در شرایطی که سازمانهای سیاسی کردستان، هنوز آمادگی بسیج و سازماندهی آنهمه نیرو را نداشتند، این طیف وسیع از مردم کردستان، غالباً خود را بمن نسبت داده و من هم آنان را با مقاومت و تقویت نیروهای سیاسی مترقی و انقلابی تشویق نموده ام.

بدیهی است که من دارای شکلیات سیاسی بسیار نظامی نبوده و نیستم، و از نیروهای انقلابی و مترقی کردستان تا آنجا که در مسیر خلق کرد با شدت پشتیبانی کرده و خواهم کرد، تا آنها به وظیفه آگاه کردن و سازماندهی سیاسی و نظامی توده های خلق کرد عمل کنند. این کار وظیفه من آنهاست. وظیفه من به عنوان یک شخصیت روحانی که در صف مبارزه هستم، اعتلا بخشدن به حرکت عمومی مردم و تشویق و تقویت هماهنگی و همکاری سازمانهای سیاسی کردستان با یکدیگر و با مردم بوده است.

در این زمینه، من ارتباطات فراوانی داشته ام و جز خائنان و جاسوسان و مرتجعان شناخته شده، همه اشخاص و گروههایی را که بمن مراجعه کرده و خواهان فعالیت بوده اند، به مبارزه تشویق کرده و در مواردی هم بصورت کتبی یا شفاهی مردم معرفی نموده ام. اما بدیهی است همه آنها، خود مسئول عواقب اعمال خوب و بد خود میباشند و البته ممکن است در این میان عده ای هم در مسیر انحراف و وابستگی افتاده باشند.

تا بدین زمان چریکها - تا خه کردستان - فراوانی کرده که خود یکی از این گروههاست که با رهها مسئولان و کارهای خود را با معرفی نام من به دهات و مناطقی کردستان فرستاده است. و من بارها از آزادی فعالیت سیاسی آنان در کردستان در برابر رفتار دیگران دفاع نموده ام. زیرا دفاع از آزادیها و دموکراتیک در سطح کردستان را از وظایف خود دانسته ام. در آن زمان سازمان چریکها در مسیر خلق کرد را نقش مثبتی بود و اگر امروز جنبش مقاومت خلق کرد را بخاطر نزدیکی با هیات کارگاه ترک کرده است یا خود آن سازمان مسئول است یا خیر؟ سازمان چریکها و هر شخص و گروه دیگری فقط تا وقتی مورد تائید و پشتیبانی من بوده اند که از مسیر خلق کرد منحرف نگشته و با وابستگی کشیده نشده اند و قطعاً بعد از آن دیگر از تائید و پشتیبانی من من برخوردار نبوده و نخواهند بود.

در سخنرانیها و مصاحبهها و بیانیهای خود، بارها درباره مسئله وابستگی به امپریالیسم و رژیم سفک بیعت عراق نظر خود را اعلام کرده ام و مجدداً اعلام میدارم که هرگونه وابستگی و سرسپردگی به امپریالیسم و رژیم فاشیستی بیعت عراق را که دشمن دیرینه خلق کرد است محکوم مینمایم. در عین حال که دنیا له روی و تسلیم طلبی در مقابل هیات کارگاه خلقی را نیز محکوم میکنم.

اما سازمان چریکها در ادعای مبارزه با وابستگی امپریالیسم و رژیم بیعت عراق صادق نیست و اولاد این مورد کل مبارزه با وابستگی را در نظر ندارد بلکه هدفش تنها لگه دار کردن جنبش مقاومت خلق کرد و نیروهای انقلابی کردستان است. تا دنیا حمله به وابستگی نبعث عراق را فقط تا آنجا لازم می دانند که دنیا له روی خود از رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را پرده بپوشد. از نظر خلق کرد و خلقهای مبارز ایران هم وابستگی و هم سازشکاری هر دو محکوم است. و هیچیک از آنان حق ندارند که مدعی دیگری را وسیله کسب آبروی خود کنند بلکه در واقع این حق توده های خلق است که هر دو طرف را محاکمه و از صفوف خود طرد نمایند. زیرا وابستگی کسانی که خود را در اختیار رژیم بیعت عراق گذاشته اند برای جنبش همان اندازه مضر و خطرناک خواهد بود که سازشکاری در برابر رژیم کمونیست است. با مقامات بعضی عراق همان اندازه بیخوش و محکوم است که به بندوبست سوسیالیستی دیگران.

سازمان چریکها، خلق کرد و خلقهای مبارز ایران را از لولوی پالیسیا و وابستگی و خطر نفوذ مزدوران بیعت عراق و امپریالیسم مترساند تا آنرا به استقرار حاکمیت ضد خلقی جمهوری اسلامی راضی کند و ادعا می کند که در صورت ادا مدیونت در کردستان امپریالیسم و رژیم بیعت عراق از آن استفاده میکنند پس باید هر چه زود تر سلاح را بر زمین گذاشت و جنبش مقاومت خلق کرد را در محضر رژیم ارتجاعی حاکم قربانی نمود. آنهمه شهادت قبول این واقعیت را ندارند که حتی اگر همه بیعت فطرتان چنان بخواد و جنگ کنونی کردستان ببنفع خود استفاده کنند، گناه از خلق کرد نیست و لطمه ای به حقانیت و عدالت بودن جنبش مقاومت خلق کرد وارد نخواهد آمد. بلکه گناه آن تنها به گردن هیات کارگاه ضد خلقی است که این جنگ ظالمانه را بر شما تحمیل کرده است.

سازمان چریکها، تجربه کردستان عراق را به ما یادآوری میکند. ما خود اسن تجربه را با گوشت و پوست احساس کسیده و در نظر داریم، ولی آنها فراموش کرده اند که برخلاف دیکتاتور فاشیستی و رهیبری فردی که بر جنبش کردستان عراق حاکم بود، در کردستان ایران طی یکسال و نیم گذشته دموکراسی با ابعاد وسیعی وجود داشته است. تجربه دموکراسی و وضعیت مبارزات و آگاهی خلق کرد در رابطه با مبارزات خلقهای ایران طوری نیست که اجازه برقراری چنان دیکتاتوری و چنان رهبری فردی که بشود جنبش را با انحراف سیاسی

وابستگی بکشا ندیده کسی در کردستان ایران داده شود
خلق هشیار و قهرمان کرد!

کردستان و جنبش مقاومت خلق کرد اینک در وضع بسیار حساس و پیراهمیتی قرار گرفته است. جنبش مقاومت توانائی خود را در برهه های تاریک گذشته نداشته و شکست ناپذیری آن بر همه اشیا تأثیر گردیده است. بغایت همین وزنی که جنبش مقاومت خلق کرد در صحنه مبارزات خلقهای ایران پیدا کرده است، اینک مسئله کردستان در محاسبات سیاسی ایران اهمیت بی بسا بقای با افتد است. بنا بر این میتوان گفت هر توطئه امپریالیستی و ارتجاعی که در ایران بیجا شود، بخش مهمی از آن بسرکوب مبارزات خلق کرد اختصاص خواهد یافت. ما نباید از اینگونه توطئه ها بترسیم بلکه باید هشیار و اتحاد و یکپارچگی خود را برای مقابله با هر توطئه ای حفظ کنیم.

سیاست سازمان چریکها (اکثریت) در جهت ایجاد تفرقه و تزلزل در صفوف جنبش و نیروهای ملی و انقلابی کردستان بکار افتاده است. بکوشیم تا این سمها شیب و تفرقه اندازها را با دقت و هشیار و انقلابی خشنی نمایم، تقویت و پشتیبانی از جنبش مقاومت خلق کرد، مبارزه با تمام علیه هرگونه وابستگی و سازشکاری برای ادا مدیونت خلق کرد و اعتدال مبارزات ضرورت حیاتی دارد. ما هنوز در سر آغاز مبارزه هستیم و در جستجوی صلح واقعی همچنان به مقاومت مسلحانه خود ادامه میدهم. کاروان مبارزه به پیش می رود و در این راه تسلیم طلبان و فرست طلبان از توده های انقلابی جدا میمانند و عدم همراهی خود را با سفسطه و جعلیات توجیه میکنند.

من در پیستگاه خلق کرد و پیشمرگان قهرمان کردستان پیمان خود را تجدید میکنم، که تا رسیدن به پیروزی نهائی، سنگر جنبش مقاومت خلق کرد و صفوف مقدس پیشمرگان را ترک نکرده و تا جان در بیدن دارم علیه امپریالیسم و دشمنان خلق کرد و علیه هرگونه وابستگی و همجنس سازشکاری در برابر برهه های تاریک مبارزه نمایم و از آنها ماتنا روا با کسی نداشته باشم.

من له تا نه و لومه و زنجیرودا ریا کم شیه
لهت له تم که ن، بکوزن، هیستا له لیم کوردم شه من
که له برساتا وله به روی بدرگی شه و روزه ق ه لیم
نه که ری بیگانه تا که متا له سر و عر دم شه من
والسلام علیکم ورحمته اللله سید عزالدین حسینی

۵۹ / ۵ / ۱۸



مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست